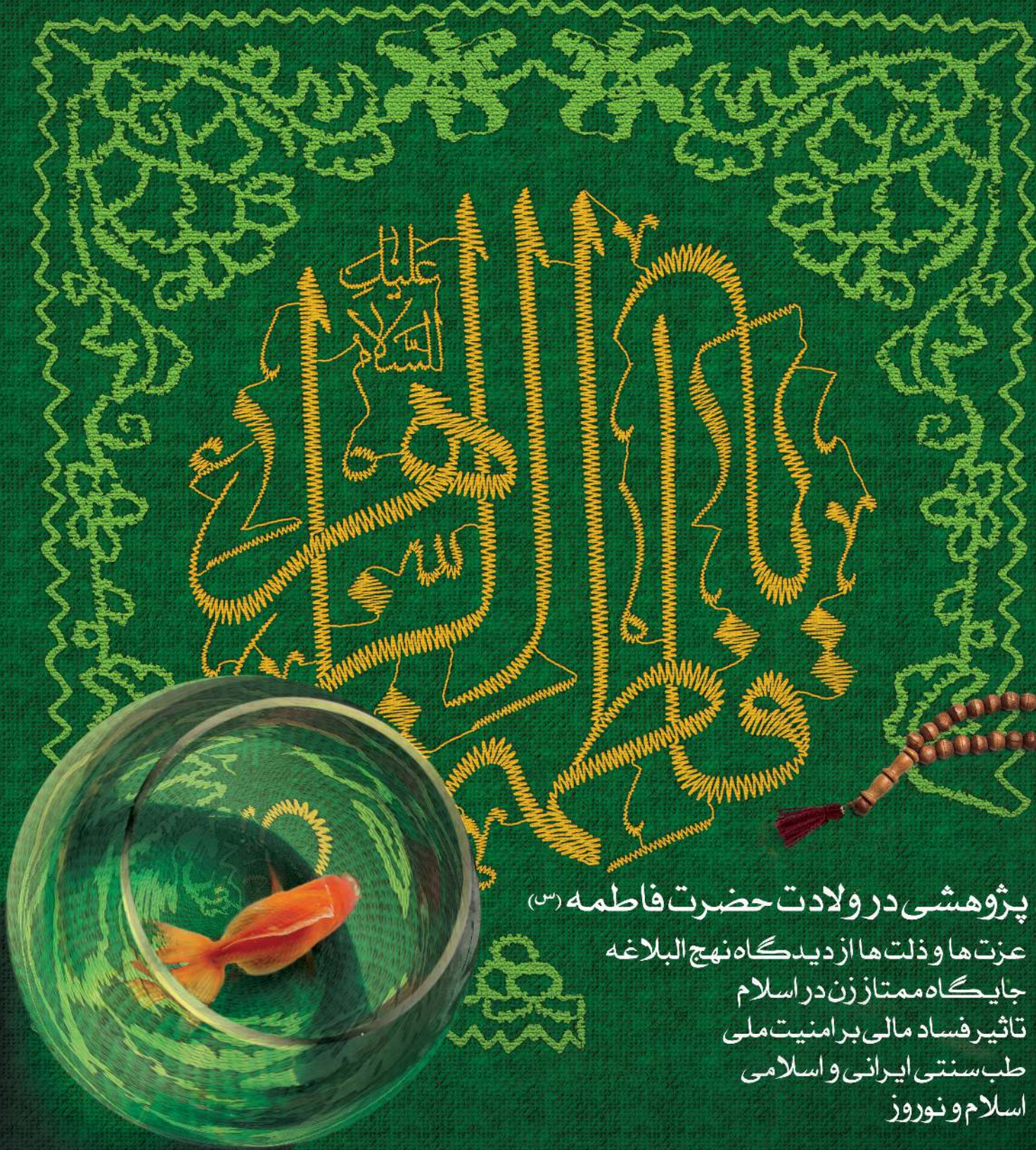


PDF Compressor Free Version



پژوهشی در ولادت حضرت فاطمه (س)

عزت‌ها و ذلت‌ها از دیدگاه نهج البلاغه
جایگاه ممتاز زن در اسلام
تأثیر فساد مالی بر امنیت ملی
طب سنتی ایرانی و اسلامی
اسلام و نوروز



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 ۱۴۲۰

جامع
 فصلنامه جامع‌المدین، علمی-انسانی، خنثی
 سال چهارم، شماره هشتم



فصلنامه داخلی جامع

صاحب امتیاز: امام جماعت مسجد جامع شهرک قدس و مسئول حوزه علمیه الامام علی بن ابیطالب (علیه السلام)

آیت الله سید فتح هاشمی تبریزی

مدیر مسئول: حجت الاسلام والمسلمین محمد پیکری

سر دبیر: دکتر نسیم حکیمی‌ها

مدیر هنری: احمد علیزاده

مدیر فنی و صفحه آرایی: علیرضا درخش احمدی

عکاس: هادی احمدی

همکاران این نشریه: دکتر محمد جهانفر، محمد داوود اردانی، اسماعیل پیروان، علیرضا رشیدی، یوسف رجبی، بهنام هژبرخواه، هادی احمدی، موسی خرم اصل، مهدی خانی، محمد علی پرواز دوانی، سحر افلاکی، انسیه بیگلری، نسرین عبدالحسین زاده، نیلوفر گل زاده و حجج اسلام: روح الله علیرضا لو، عبدالرضا نوزی، مجید آقابابا، نعمت اله رادی، احمد عزیزی، مرتضی محمدی مقدم، محمد امیری

مجوز رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شماره: ۹۱/۳۶۱۶۴

نشانی: تهران، شهرک قدس، میدان صنعت، مسجد جامع شهرک

وبسایت: www.masjedjame.com | پست الکترونیک: info@masjedjame.com



فهرست

- | | | | |
|----|---|----|--|
| ۴۳ | امیر سرتیپ محمد عقبایی
گزارش تصویری از ایام فاطمیه | ۴ | پژوهشی در ولادت حضرت فاطمه (سلام الله علیها)
به قلم حضرت آیت الله سید فتاح هاشمی تبریزی |
| ۴۴ | در حسینیة حضرت آیت الله هاشمی تبریزی | ۶ | حوزه علمیه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام |
| ۴۷ | گزارش تصویری از برگزاری کلاس های قرآن | ۸ | شرایط آشنایی با قرآن |
| ۴۸ | اقتصاد مقاومتی، راهکارها و راهبرد ها | ۹ | اقسام شناخت قرآن |
| ۵۰ | واژه شناسی | ۱۰ | تفسیر سوره لقمان |
| ۵۲ | مقاله حقوقی (غصب) | ۱۱ | نماز و عبادت فاطمه زهرا سلام الله علیها |
| ۵۴ | تأثیر فساد مالی بر امنیت ملی | ۱۲ | عزت ها و ذلت ها از دیدگاه نهج البلاغه |
| ۵۶ | امروز یک چیزی فرق کرده | ۱۴ | سیره و رفتار شناسی فاطمه زهرا سلام الله علیها |
| ۵۷ | یک سوزن به خود (۳) | ۱۸ | یاس نبی (سلام الله علیها) |
| ۵۸ | سبکهای نقاشی (۲) | ۲۰ | فاطمه زهرا سلام الله علیها الگوی بانوان جهان |
| ۶۰ | اهمیت ورزش در جامعه | ۲۲ | جایگاه ممتاز زن در اسلام |
| ۶۲ | ورزش و بانوان | ۲۴ | آثار و برکات رفتن به مسجد |
| ۶۴ | رازهای شادی و موفقیت | ۲۶ | راهکارهای جذب جوانان به مسجد (۱) |
| ۶۶ | طب سنتی ایرانی و اسلامی | | تنوع فعالیت های مسجدی در جهت تعلیم، |
| ۶۹ | چگونه از میوه های عید نگهداری کنیم؟ | ۲۸ | ایمان و تقوای مذهبی |
| ۷۰ | آشپزی | ۳۱ | قبله ی عشق |
| ۷۲ | دانستنیها (شیرینی سنتی تبریزی یا اندروید ۷) | ۳۲ | پیرامون نوروز |
| ۷۳ | فناوری (تفاوت خودرو های برقی و هیبریدی) | ۳۳ | اسلام و نوروز |
| ۷۴ | معرفی نرم افزار (تبدیل دوربین به اسکنر) | ۳۴ | روزی حلال |
| ۷۵ | جدول | ۳۶ | شیخ بهائی |
| ۷۶ | ارتباط با ما | ۳۸ | وصیت نامه شهید سرلشگر حسین خلعتبری |
| ۷۶ | انتقادات و پیشنهادات | ۳۹ | خیبرشکنان (۴) |
| | | ۴۲ | خاطره های از دوران دفاع مقدس |



بسم الله الرحمن الرحيم

فصلنامه جامع، در این نوبت از انتشار خود، مفتخر است که در ایام ولادت بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و در آستانه سال یکهزار و سیصد و نود و شش شمسی، بر دستان شما خوانندگان محترم بوسه می زند و محتوای خود را در معرض نظر مبارک شما قرار می دهد.

آنچه که در این شماره ملاحظه می فرمایید، با تلاش اعضاء محترم تحریریه و حمایت های بی دریغ حضرت آیت الله هاشمی تبریزی ادام الله ظلله الشریف و همکاری هیئت امناء محترم مسجد به سر انجام رسیده است و پر واضح است که این خدمت، بدون توفیق، عنایت و لطف پروردگار عالم جل جلاله و عظم شأنه محقق نمی شد.

گر فیض تو یک لحظه به عالم نرسد

معلوم شود بود ونبود همه کس

والسلام علیکم
مدیرمسئول فصلنامه جامع
محمد پیکری
اسفند ۱۳۹۵

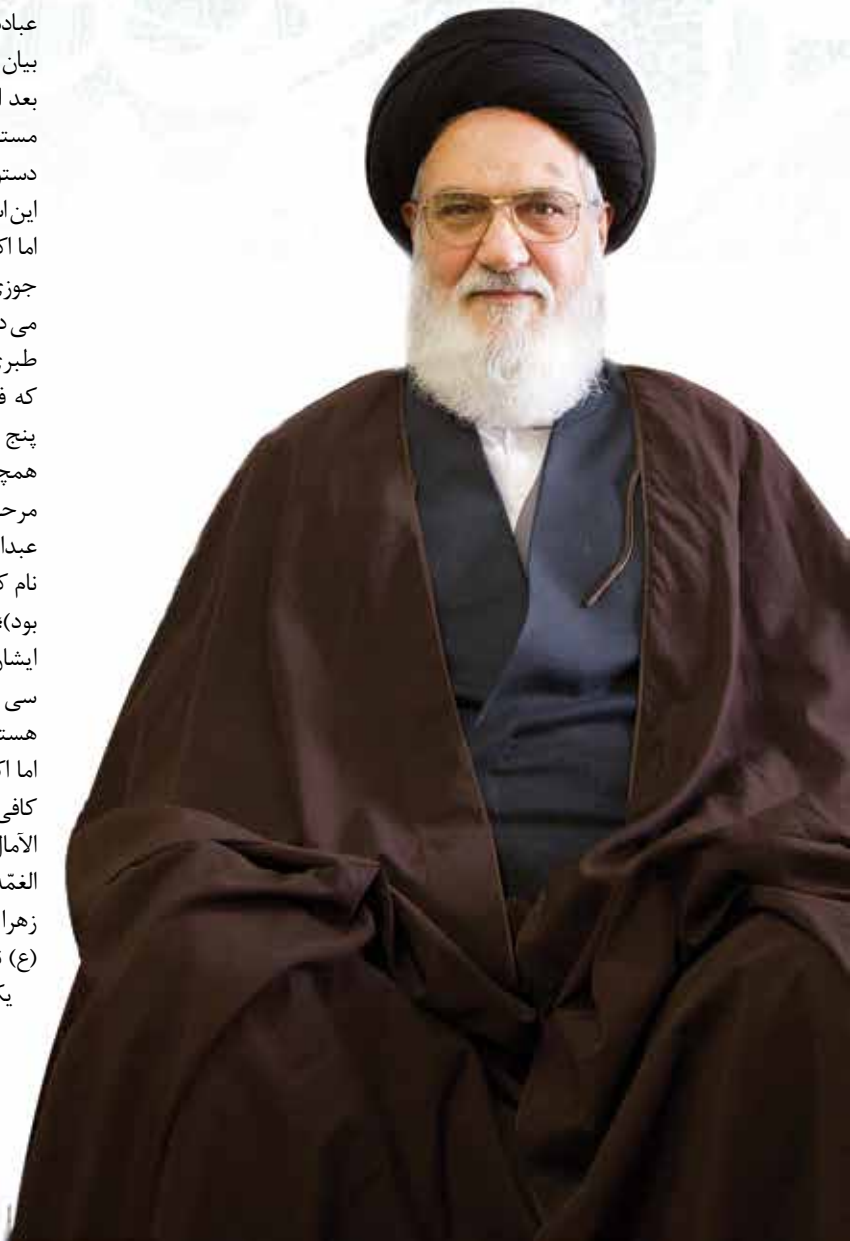


پژوهشی در ولادت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) به قلم آیت الله سید فتاح هاشمی تبریزی (ادام الله ظلّه الشریف)

پیامبر اعظم رسول خدا (ص) در مکانی به نام ابطح نشسته بودند، جبرئیل نازل شد و پیام خدای تبارک و تعالی را به او ابلاغ کرد که: چهل شبانه روز از جناب خدیجه سلام الله علیها کناره جوئی میکنی، به این صورت روزها را روزه و شبها به نماز و عبادت می پردازی، و این پیام بوسیله ی عمار یاسر برای خدیجه ارسال شد؛ با این بیان که کناره جوئی من به دستور خداوند است و الا هیچ گونه کدورتی از تو ندارم. بعد از چهل روز توسط جبرئیل غذای بهشتی آوردند، ایشان افطار کردند و نماز مستحبتی بجای آوردند، رو به خانه خدیجه نهادند و در زدند، خدیجه منم باز کن به دستور خدا نور فاطمه(س) از صلب پدر به رحم مادر منتقل شد؛ مشهور بین امامیه این است که فاطمه (س) در بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت به دنیا آمده است. اما اکثر علمای عامه ولادت فاطمه (س) را قبل از بعثت می دانند، عبدالرحمن جوزی در کتاب «تذکره الخواص» صفحه ۳۰۶ تاریخ تولد آن حضرت را در سالی می داند که قریش مشغول ساختن مسجد الحرام بودند یعنی پنج سال قبل از بعثت. طبری در «ذخائر العقبی» صفحه ۵۳ از قول عبدالله بن عباس می نویسد که فاطمه(س) در سالی متولد شد که قریش مشغول ساختن کعبه بودند و پنج سال قبل از بعثت که حضرت رسول(ص) سی و پنج ساله بوده است، همچنین ابوالفرج اصفهانی در «مقاتل الطالبین» همین نظر را دارد.

مرحوم مجلسی در «جلد ۴۳ بحار الانوار» قصه ای را نقل می کند که روزی عبدالله بن حسن مثنی وارد مجلس هشام بن حکم شد در حالیکه شخصی به نام کلبی، در مجلس حضور داشت (کلبی عالم بزرگ علم انساب در زمان خود بود)؛ هشام از عبدالله بن حسن مثنی، مقدار سن فاطمه (س) را سوال کرد، ایشان گفتند: سی سال و بعد رو کرد به کلبی از او همچنین سوال کرد، گفت سی و پنج سال، هشام رو کرد به عبدالله گفت: شنیدی ایشان عالم علم انساب هستند، عبدالله گفت: احوال مادر مرا از من باید پرسید و احوال مادر او را از او. اما اکثر علمای شیعه مانند ابن شهر آشوب در «مناقب» و کلینی در «اصول کافی» و مجلسی در «بحار» و «حیوة القلوب» و محدث قمی در «منتهی الآمال»، محمد تقی سپهر در «ناسخ التواریخ» و علی بن عیسی در «کشف الغمّه»، طبری در «دلائل الامامیه» و فیض کاشانی در «وافی» تولد حضرت زهرا سلام الله علیها را پنج سال بعد از بعثت نوشته اند و روایاتی از اهل البیت (ع) نقل نموده اند که با این نظر مطابقت دارد.

یک اشکال به نظر می رسد که خدیجه (س) سال دهم بعثت از دنیا رفت در حالیکه در سن ۶۵ سالگی بوده است، اگر فاطمه(س) پنج سال بعد از بعثت به دنیا آمده باشد باید خدیجه(س) در ۵۹ سالگی به فاطمه(س) حامله شده باشد؟! چگونه می شود زنی در این سنین بارور شود؟



اَنَا اعطيتك النور فصلنامه علمی و پژوهشی

روی زمین، خداوند آنها را خلفاء خود در زمین قرار می دهد بعد از زمان انقضاء وحی. زمانی که زن ها خدیجه(س) را تنها گذاشتند خدیجه به وحشت افتاد، زمان وضع حمل رسیده است، ناگه متوجه ورود چهار زن گردید، بلند قامت شبیه زنان بنی هاشم، خدیجه به شدت ترسید، یکی از آنها گفت: «لا تخف (نترسی) انا ساره و هذه آسیه بنت مزاحم و هی رفیقته فی الجنة و هذه مریم بنت عمران و هذه الصفراء بنت شعیب»

«در این هنگام فاطمه پاک و پاکیزه متولد شد، فلما سَقَطَتْ اِلَى الارض اَشْرَقَ مِنْهَا النور حَتَّى دَخَلَ بَیوتات مَكَّة و لَمْ یَبْقَ فِی شَرْقِ الارض و لا فِی غَرْبِها الا اَشْرَقَ فِیه ذلک النور»

وقتی متولد شد پاک و پاکیزه از او انواری تابید به سطح زمین که همه جا روشن شد حتی داخل خانه های مکه شد. در روی زمینی در شرق و غرب جایی باقی نماند مگر اینکه این نور آنجا را روشن نمود.

زنی که روبرو نشست (ساره) او را به آغوش کشید و با آب کوثر بهشتی شستشوداد و بادوپارچه سفید از شیر سفیدتر از مشک و عنبر خوشبوتر یکی به سر و دیگری را به پیکرش پیچید و بعد گفت: «بأذن خدا حرف بز» «فَنَطَقَتْ فَاطِمَةُ بِالشَّهادَتینِ و قالت: اَشْهَدُ ان لا اله الا الله و انَّ اَبی رسول الله سید الانبیاء و انَّ بعلی سید الاوصیاء، و ولدی سید الاسباط ثم سَلَّمْتُ عَلَیْهِنِ و سَمَّیْتُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُنِ بِاسْمِها؛ زنها به همدیگر نگاه کردند و تبسم نمودند، حوریه های بهشتی به همدیگر بشارت دادند و در آسمان نوری درخشید ملائکه همچون نوری را سابقاً ندیده بودند به همین جهت فاطمه در آسمانها «زهره» نامیده شد.»

تولد این بانوی بزرگ عالم بشریت را به همه مسلمین جهان و دوستداران این بانو مخصوصاً به فرزند گرامیش حضرت بقیه الله الأعظم روحی و ارواح العالمین له الفداء تبریک و تهنیت عرض می کنیم.

سید فتاح راثی هاشمی
۱۳۹۵/۱۲/۱۸

جواب اینست که اولاً این یک امر محالی نیست و تمامی فقها حکم کرده اند که زن های قریش تا شصت سالگی حیض می بینند پس می توانند تا این سن حامله شوند؛ و ثانیاً: به نظر فقیر، قریب به صحت این است که مسلم و قطعی نیست که حین تولد حضرت فاطمه(س)، حضرت خدیجه شصت و پنج ساله بوده است بلکه سنش در موقع آستن بودن ۴۸ سال بوده است به جهت اینکه ابن عباس می گوید: حضرت خدیجه در ۲۸ سالگی با پیامبر ازدواج کرده است، همین مطلب را اربلی در کشف الغمه جلد ۲ صفحه ۱۳۹ تصریح کرده است، اما اگر حضرت فاطمه(س) پنج سال قبل از بعثت متولد شده باشد در سن ۱۸ سالگی هم با حضرت علی (ع) ازدواج کرده است زیرا سال اول هجرت سال ازدواج فاطمه (س) با امیرالمومنین علی(ع) بوده است.

بنابراین حضرت فاطمه(س) در ۲۸ سالگی از دنیا رفته است نه ۱۸ سالگی، دشمنان پیامبر(ص) از اینکه او اولاد ذکور نداشت و همه در زمان پیامبر(ص) از دنیا رفته بودند، خوشحال بودند؛ حتی «عاص بن وائل» با خوشحالی تمام در بین قریش فریاد کرد: او اَبتر است؛ که سوره کوثر نازل شد «اَنَا اعطيتك الكوثر...» که کوثر یعنی فاطمه دارای فضل و خیر است حتی شخص متعصبی مثل فخر رازی تا سی معنی برای کلمه «کوثر» می شمارد و در آخر می گوید: کوثر فاطمه است. آثار وجود مبارک ایشان ائمه اطهار سلام الله علیها و علماء و دانشمندانی مثل سید مرتضی و سید رضی مثل ستارگان در آسمان می درخشند.

حضرت خدیجه(س)، حضرت زهرا(س) حامله بود پیامبر(ص) وارد می شد می دید با کسی مشغول صحبت است، خدیجه با چه کسی حرف می زد؟ فرمود با همین جنینی که در بطن من است «الجنین الذی فی بطنی یحدثنی و یونسنی» پیامبر(ص) فرمودند: «وَأَنَّهَا النَّسَمَةُ الظَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلَی مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أُمَّةً فِی الْأُمَّةِ یَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَ فِی أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحِیِّهِ» و او گوهر مبارکی است و خداوند متعال نسل مرا از او قرار خواهد داد و از نسل او در زمین ائمه هدی قرار خواهد داد. در



حوزه علمیه امام علی بن ابیطالب علیه السلام

مصاحبه با حجت الاسلام زنوزی

معاونت آموزش حوزه علمیه امام علی بن ابیطالب علیه السلام



- مطالبه مقالات از طلاب حوزه به صورت آزاد در هر رشته از علوم اسلامی
- برگزاری کلاس روش تحقیق برای طلاب
- ارائه نشریه «باب العلم»، نشریه تخصصی حوزه که با مقالات برتر طلاب حوزه مدیریت می شود.
- لازم به ذکر است که در این معاونت حجت الاسلام عزیز از اساتید حوزه نیز همکاری دارند.

معاونت تهذیب

عموم فعالیت های این معاونت به شرح ذیل است :

- برگزاری مراسمات مذهبی
- برگزاری مراسم عمامه گذاری طلاب به صورت سالانه در عید غدیر
- معرفی طلاب به مراکز فرهنگی و تبلیغی
- برگزاری کلاس اخلاق توسط آیت الله هاشمی تبریزی و دیگر اساتید اخلاق

معاونت امور طلاب

فعالیت های این بخش که توسط آقای آقارحیمی مدیریت می شود به شرح ذیل است:

- هماهنگی امور مالی طلاب
- هماهنگ کردن کلاس ها
- رابط بین حوزه و اساتید
- کنترل حضور و غیاب

مسئول دفتر مدیر و مسئول خدمات آموزشی

این قسمت توسط حجت الاسلام مهدوی راد اداره می شود که عمده فعالیت های آن در بخش نامه نگاری های اداری بین حوزه و مراکز دیگر و همچنین نامه نگاری های طلاب با دیگر مراکز و حوزه ها انجام می شود؛ و به نوعی با معاونت آموزش همکاری دارند.

مشاور تحصیلی

این بخش که توسط حجت الاسلام آسوپا اداره می شود؛ که عمده فعالیت های این بخش مشاوره دادن به طلاب در سطوح مختلف است و بررسی و حل مشکلات آن ها به وسیله مدیریت و یا خود طلاب.

لازم به ذکر است که برگزاری امتحانات هفتگی طلاب نیز به عهده مشاور تحصیلی است که با برآورد نمرات طلاب تذکرات و مشاورات لازم به آن ها داده می شود.

حوزه علمیه علی بن ابیطالب از سال ۱۳۸۶ خورشیدی زیر نظر آیت الله هاشمی تبریزی و با مدیریت داخلی حجت الاسلام ریاحی شروع به فعالیت کرد و در آغاز فعالیت حدوداً ۳۰ طلبه سطح ۲ را پذیرش کرد و بعد از گذشت یک سال توانست کد حوزه های علمیه قم را دریافت کند؛ البته سال دوم حوزه دچار تغییرات مدیریتی شد و حجت الاسلام والمسلمین پیکری جایگزین مدیریت قبلی شد و تا به امروز مدیریت داخلی



حوزه زیر نظر ایشان می باشد.

طلابی که در حال حاضر که مشغول به تحصیل هستند حدوداً ۱۸۰ نفر می باشند که ۶۳ نفر طلاب سطح ۲ و ۳۰ می باشند و ۱۲۰ نفر از طلاب درس خارج آیت الله هاشمی تبریزی می باشند که طلاب درس خارج در روزهای یکشنبه و دوشنبه و سه شنبه از درس ایشان بهره می برند.

در حالت کلی مسئولیت های حوزه به چندین بخش تقسیم می شود که در رأس آن حضرت آیت الله هاشمی تبریزی (دامت ظلّه) تولید و مؤسس این حوزه می باشند؛ و حجت الاسلام پیکری مدیریت داخلی حوزه را عهده دار می باشند که معاونت ها و مسئولیت های زیر نظر ایشان برای اداره ی حوزه از این قرار است :

معاونت آموزشی

دروس اصلی حوزه: فقه، اصول، فلسفه، عقاید، تفسیر و دروس متداول بین حوزه ها

دروس جنبی: آموزش زبان انگلیسی، آموزش مکالمه عربی، مدیریت در نهج البلاغه، مهارت های طلبگی، کلاس آموزش علوم و معارف اسلامی که برای عموم علاقمندان به علوم حوزوی آزاد است که در پایان دوره برای شرکت کنندگان در کلاس ها، گواهینامه مهارت های علوم اسلامی اعطاء می شود. هر سال تحصیلی در حوزه به دو نیم سال تقسیم می شود که در هر نیم سال امتحانات بر اساس انتخاب درس طلاب صورت می گیرد.

تعداد اساتید در سطح ۲ و ۳ در حوزه علمیه علی بن ابیطالب به ۲۰ استاد می رسد که بخشی از آن ها اساتید طلاب فارق التحصیل حوزه بوده و بخشی دیگر از اساتید برجسته دیگر حوزه ها هستند.

معاونت پژوهش

فعالیت های این معاونت به چند بخش تقسیم می شود:

هشدار که هر ذره حسابست در اینجا
دیوان حسابست و کتابست در اینجا
حشرست و نشورست و صراطست و قیامت
میزان ثوابست و عقابست در اینجا
فردوس برین است یکی را و یکی را
انکال و جحیمست و عذابست در اینجا
آنها که حساب عملش لحظه بلحظه است
با دوست خطابست و عتابست در اینجا
آنها که گشوده است ز دل چشم بصیرت
بیند چه حساب و چه کتابست در اینجا
بیند همه پاداش عمل تازه بتازه
باخویش مرآنها که حسابست در اینجا
با زاهدش ارهست خطائی بقیامت
باماش هم امروز خطابست در اینجا
امروز بیاداش شهیدان محبت
زان روی برافکنده نقابست در اینجا
زاهد نکشد باده مگر دردی و آنجا
صوفیست که اورامی نابست در اینجا
آن را که قیامت خوش و نزدیک نماید
از گرمی تعجیل دل آبت در اینجا
دوری که نبیند مگر از دور قیامت
در دیده تنگش چو سراپست در اینجا
بیدار نگرده مگر از صور سرافیل
مستغرق غفلت که بخوابست در اینجا
هشیار که سنجد عمل خویشتن ای فیض
سرسوی حق و پا برکابست در اینجا
صد شکر که دلهای عزیزان همه آنجا
معمور بود گرچه خرابست در اینجا

فیض کاشانی



شرایط آشنایی با قرآن

آشنایی با قرآن (خلاصه آثار شهید مطهری)
مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه السلام



متشابه نام برد. تصور عوامانه درباره این آیات، این است که مطالب در آیات محکم، ساده و صریح و در آیات متشابه، به صورت معما و رمز مطرح شده است. بر این اساس مردم تنها حق تدبر در آیات محکم را دارند و آیات متشابه اساساً قابل شناخت نیستند قهراً سؤال می شود که فلسفه آیات متشابه چیست و چرا قرآن آیاتی را که قابل شناخت نیستند، عرضه کرده است؟

پاسخ این است که نه معنای محکم، صریح و ساده است و نه معنای متشابه، معما و رمزگونه. قرآن خودش را کتابی روشنگر و قابل فهم برای همه که آیاتش همه نور و هدایت است، معرفی می کند. سر مطلب در آیات محکم و متشابه این است که برخی از مسایل به خصوص وقتی سخن از غیب و ماورای طبیعت است، با قالب الفاظ قابل بیان نیستند و از آن جا که زبان بیان قرآن همین زبان بشری است، ناگزیر آن موضوعات لطیف نیستند و از آن جا که زبان بیان قرآن همین زبان بشری است، ناگزیر آن موضوعات لطیف و معنوی با عباراتی که بشر برای موضوعات مادی به کار می برد، بیان شده اند. مسایل در بعضی از آیات به گونه ای طرح شده که برای جلوگیری از سوء فهم باید حتماً به کمک آیات دیگر تفسیر گردد و غیر از این راهی وجود ندارد. قرآن برای جلوگیری از متشابه شدن آن معانی عالی و شامخ با معانی مادی، می فرماید: متشابهات را به محکمت ارجاع دهید.

برخی آیات قرآن محکم هستند؛ یعنی دارای آن چنان استحکامی که نمی توان آنها را از معنی خود خارج کرد و معانی دیگری نتیجه گرفت. این آیات ام اکتساب، یعنی آیات مادرند و مرجع آیات متشابه به حساب می آیند. آیات متشابه برای فهمید و تدبر کردن است، اما باید به کمک آیات محکم در آن ها تدبر کرد و بدون کمک آیات مادر، آنچه از متشابهات اخذ شود، درست و معتبر نخواهد بود.

یکی از شرایط ضروری شناخت قرآن آشنایی با زبان عربی است. بدون دانستن زبان عربی، آشنایی با قرآن امکانپذیر نیست. شرط دیگر، آشنایی با تاریخ اسلام است. این کتاب بر خلاف تورات و انجیل - که یک باره نازل شده اند - در طول ۲۳ سال دوران زندگی پیامبر، در خلال جریان پرهیجان تاریخ اسلام، نازل شده است و از همین رو، آیات قرآن، به اصطلاح شأن نزول دارند. شأن نزول، معنای آیه را محدود نمی کند، بلکه دانستن شأن نزول تا حد زیادی در روشن شدن مضمون آیات، مؤثر و راهگشاست.

شرط سوم، آشنایی با سخنان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. آن حضرت به نص خود قرآن، مبین و مفسر این کتاب است. و آن چه از پیامبر رسیده، ما را در تفسیر قرآن یاری می دهد.

برای شیعیان روایات معتبری که از ائمه اطهار علیهم السلام رسیده، همان اعتبار روایات معتبر نبوی را دارد، به همین دلیل روایات موقوت ائمه، کمک بزرگی در راه شناخت قرآن است.

نکته مهم در بررسی قرآن، این است که در درجه اول می باید قرآن را به کمک خود قرآن شناخت. آیات قرآن مجموعاً یک ساختمان به هم پیوسته را تشکیل می دهند و معانی آیات باید در کنار یکدیگر فهمیده شوند. آیات قرآن برخی مفسر برخی دیگر است و همانگونه که برخی مفسران بزرگ گفته اند، ائمه اطهار علیهم السلام این روش تفسیری را تأیید کرده اند، چرا که قرآن در بیان مسائل، شیوه ای مخصوص به خود دارد و در بسیاری موارد اگر آیه ای بدون عرضه بر آیات مشابه، اخذ شود، مفهومی پیدا میکند که با مفهوم همان آیه در کنار آیات هم مضمون دیگر، به کلی متفاوت است.

به عنوان نمونه ای از شیوه خاص قرآن، می توان از آیات محکم و آیات

اقسام شناخت قرآن

شناخت سندی یا انتسابی:

در این نوع شناخت، می‌خواهیم بدانیم که انتساب کتاب مورد نظر به نویسنده آن تا چه اندازه قطعی است. اولین مرحله در شناخت یک کتاب، این است که ببینیم آن چه در دست ماست، از نظر اسناد به نویسنده اش، چقدر اعتبار دارد. آیا اسناد آن درست است، یا آن که فقط در صدی از آن از نظر انتساب قابل تایید است؟ به علاوه به چه دلیل می‌توان بعضی را قطعا نفی و بعضی را قطعا اثبات و پاره ای را مشکوک تلقی کرد؟

قرآن از این نوع شناخت بی‌نیاز است و از این نظر کتاب منحصر به فرد جهان قدیم محسوب می‌شود. در میان کتاب‌های قدیمی، کتاب دیگری نمی‌توان یافت که پس از قرن‌ها تا این حدود بدون شبهه باقی مانده باشد. قرآن بر نسخه و نسخه شناسی پیشی گرفته و جای کوچکترین تردیدی نیست که آورنده همه این آیات، محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم است که آن‌ها را به عنوان معجزه و کلام الهی آورده و کسی نمی‌تواند ادعا کند و یا احتمال بدهد که نسخه دیگری از قرآن وجود داشته و یا دارد. هیچ مستشرقی نیز قرآن شناسی و مقایسه نسخه‌های قدیمی را شروع نکرده، چرا که برای قرآن، چنین نیازی نیست. قرآن گذشته از این که یک کتاب مقدس آسمانی بود، اساسی‌ترین برهان صدق دعوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بزرگترین معجزه او محسوب می‌شد. به علاوه قرآن بر خلاف تورات، به تدریج و در طول بیست و سه سال نازل شد و از همان آغاز نزول، مسلمین آیات قرآن را فرا می‌گرفتند و حفظ و ضبط می‌کردند و چون آن را کلام خدا می‌دانستند نه سخن بشر، برایشان مقدس بود و به خود اجازه تغییر کلمات و یا پس و پیش کردن آن را نمی‌دادند.

با توجه به آیاتی نظیر «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ» آیات دیگری که عظمت دروغ بستن بر خدا را آشکار می‌کند، احادی اجازه دست بردن در آیات قرآن را به خود نمی‌داد. از سوی دیگر جنبه ادبی و هنری فوق‌العاده قوی قرآن، که از آن به فصاحت و بلاغت تعبیر می‌شود، باعث جلب توجه مردم و اهتمام به فراگیری آن می‌گردید. همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از همان روزهای اول، عده‌ای از نویسندگان را برای کتابت قرآن انتخاب کردند که به کتاب وحی معروفند. نگارش کلام خدا از همان آغاز از جمله علل قطعی حفظ و مصون ماندن آن از تحریف بود. به این ترتیب قرآن قبل از آن که تحریف در آن راه یابد، متواتر شد و به مرحله‌ای رسید که دیگر انکار و یا کم و زیاد کردن حتی یک حرف از آن، غیر ممکن شد.

یادآوری یک نکته لازم است که در اثر توسعه سریع قلمرو اسلام و دور بودن عامه مسلمین از مدینه که مرکز صحابه و حافظان قرآن بود، خطر تحریف عمدی یا اشتباهی نسخه‌های قرآنی در نقاط دورافتاده وجود داشت، ولی هوشیاری مسلمین مانع این کار شد و در همان نیم قرن اول با استفاده از

صحابه و حافظان قرآن، نسخه‌های تصدیق شده از مدینه به اطراف فرستادند و جلو اشتباه کاری را مخصوصا از طرف یهود که قهرمان چنین کارهایی به حساب می‌آیند برای همیشه گرفتند.

شناخت تحلیلی:

در این مرحله، تشخیص این که این کتاب مشتمل بر چه مطالبی است و چه هدفی را تعقیب می‌کند، مورد نظر است، و در آن دو دسته سؤال مطرح است: دسته اول پرسش‌ها مربوط می‌شود به نگرش این کتاب نسبت به جهان، انسان، حیات، مرگ و... یا به عبارت جامع‌تر، به جهان بینی کتاب و به اصطلاح فلاسفه خودمان، حکمت نظری که می‌توان به دید کتاب نیز تعبیر کرد. دسته اول سؤال‌ها در خصوص این است که کتاب چه طرحی برای آینده انسان دارد و انسان و جامعه را بر اساس چه الگویی می‌خواهد بسازد، که از این الگو به پیام کتاب تعبیر می‌شود. این نوع شناخت، مربوط به محتواست و درباره هر کتابی می‌توان از این منظر بحث کرد. ممکن است کتابی از دید و پیام خالی باشد و یا تنها دید داشته باشد و نه پیام و یا آن که هر دو را دارا باشد.

در باب شناخت تحلیلی قرآن، چگونگی عرضه مطالب و نوع استدلال‌ها و سبک ارائه مطالب نیز مطرح است؛ یعنی این که مثلا آیا دیدی فیلسوفانه و یا به اصطلاح امروز عالمانه دارد؟ آیا قضایا را عارفانه نگاه می‌کند و یا آن که سبک مخصوص به خود دارد؟

آیا چون قرآن نگهبان ایمان است و پیامش ایمانی است، به عقل، به چشم رقیب می‌نگرد و می‌کوشد جلوی تهاجم عقل را بگیرد و دست و پایش را ببندد و یا به عکس همواره به چشم یک حامی و مدافع به عقل می‌نگرد و از نیروی آن استمداد می‌کند؟ این سؤالات و نظایر آن که در شناخت تحلیلی طرح می‌شود، ما را با ماهیت قرآنی آشنا می‌سازد.

شناخت ریشه‌ای:

بعد از احراز استناد کتاب به نویسنده اش و تحلیل و بررسی محتوای کتاب، در مرحله سوم به این مطلب پرداخته می‌شود که آیا مطالب و محتویات آن، حاصل فکر و ابداع نویسنده آن است. یا آن که از اندیشه دیگران وام گرفته شده است. چنین شناختی فرع بر شناخت تحلیلی است. پس از مطالعه تحلیلی، پای مقایسه و شناخت تاریخی به میان می‌آید.

برای شناخت ریشه‌ای می‌باید تمام محتویات قرآن را با تمام کتاب‌های دیگر موجود در آن زمان به خصوص کتابهای مذهبی مقایسه کرد و در این مقایسه تمام شرایط و امکانات از قبیل میزان ارتباط شبه جزیره عربستان با سایر نقاط، تعداد افراد با سواد و... را در نظر گرفت و ارزیابی کرد که آیا آن چه در قرآن هست در کتاب‌های دیگر یافت می‌شود یا نه؟ و اگر پیدا می‌شود به چه نسبت هست؟ و آیا نقل مطالب مشابه، شکل اقتباس دارد، یا آن که مستقل است و حتی نقش تصحیح اغلاط آن کتابها و روشن کردن تحریفات آن‌ها را ایفا می‌کند؟

تفسیر سوره لقمان

شرح ذیل است:

علت نام گذاری سوره لقمان ، اوصاف محسنین ، قرآن هدایت گر، عاقبت متکبران ، حکیم بودن یا پیامبر بودن حضرت لقمان ، انواع شرک، اخلاص انسان، خدمت به والدین، وحدانیت خدا ، تکبر و غرور ، تعقل در آیات قرآن، توحید استدلالی، توحید فطری، فریبندگی دنیا، علوم پنجگانه خداوند و ... امید است خداوند قادر متعال به فضل و کرمش توفیقات صاحب این اثر، حضرت آیت الله سید فتاح هاشمی تبریزی ادام الله ظله و الشریف و همه دست اندرکاران تکوین این کتاب و خوانندگان آن را روز افزون ساخته و اجری در مقرب تر از پاسداران وحی و مروجان معارف الهی برای ایشان ملحوظ فرماید.

لازم به ذکر است؛ عزیزانی که مایل به دریافت این کتاب نفیس می باشند، می توانند به واحد فرهنگی مسجد جامع شهرک غرب مراجعه کنند.

کتاب تفسیر سوره مبارکه لقمان، پیاده شده جلسات تفسیر قرآن کریم در خصوص این سوره مبارک است که توسط فقیه اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین حضرت آیت الله سید فتاح هاشمی تبریزی ادام الله عزة در جلسات دعای ندبه مسجد جامع شهرک قدس تهران برای شیفتگان معارف الهی ارائه شده است.

آیت الله هاشمی تبریزی حفظه الله تعالی در سیر مباحث تفسیر قرآن ، ۲۸ جلسه را به تفسیر سوره مبارکه لقمان اختصاص دادند که به تدریج برای حاضرین در جلسه توضیح و شرح و بسط داده شده است که مجموع صفحات آن به ۲۵۵ صفحه می رسد؛ و این توفیق الهی یکی از مجموعه توفیقات کثیره ای است که خدای متعال به این عالم عالی مقام و امام محترم مسجد جامع و مؤسس حوزه علمیه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام عنایت فرموده است.

از جمله موضوعاتی که در این کتاب به آن اشاره شده است به



نماز و عبادت فاطمه زهرا سلام الله علیها

حجت الاسلام علیرضالو 

۹. سخنان فاطمه زهرا سلام الله علیها که در هر کدام از فصل ها موضوعات مختلفی را آورده که برای خواننده این کتاب مفید و اثر بخش می باشد. در این کتاب آمده است: حضرت فاطمه علیها السلام در خانه علی علیه السلام بچه داری می کند و آب می کشد و آسیاب می نماید و غذا درست می کند و زحمات زیادی را به تنهایی تحمل می کند، ولی عبادت و شب زنده داری و در محراب مخصوص خودش راز و نیاز و دعا برای مومنین و پیروزی اسلام و سرفرازی مسلمین را هم فراموش نمی کند، سرور زنان عالم با آن که در منزل خسته و رنجور می شود، ولی وقتی که علی علیه السلام به خانه می آید، آن چنان چهره بشاش و شادابی دارد که وقتی چشم مبارکش به چهره زیبا و نورانی زهرا علیها السلام می افتد همه خستگی و ناملایمات و رنج های او برطرف می شود و مثل این که علی علیه السلام هیچ ناراحتی نداشته است. ان شاء الله که با مطالعه این کتاب، اهتمام به نماز و عبادت بورزیم و معرفت مان را به مقام شامخ حضرت زهرا سلام الله علیها که طبق فرمایش امام زمان علیه السلام که فرمود: « فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة. » (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸، باب ۳۱) زیاد بشود.

آخر کلام را با دعای حضرت به پایان می رسانیم:

« یا حی یا قیوم، برحمتک استغیث، و اصلح لی شانی کله و لا تکلنی الی نفسی. ای زنده، ای پایدار! به سبب رحمتت پناه می جویم، تمامی کارهایم را اصلاح گردان، و مرا به خودم وامگذار. »

نماز یکی از فروع دین می باشد که در اسلام شریف اهمیتی فراوانی دارد تا آنجا که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به عثمان بن حنیف فرمود: « اعلم ان کل علمک تبع لصلاتک » بدان تمام اعمال تو تابع نمازت می باشد؛ و در حدیث دیگر نماز را ستون دین معرفی نمود و در هیچ شرایطی نماز از انسان ساقط نمی شود؛ بخاطر اهمیتی که در فصلنامه جامع تصمیم بر این شد که در هر دوره چاپ کتابی معرفی شود و در این دوره با مقارنت با ولادت دخت نبی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها کتاب «نماز و عبادت فاطمه زهرا سلام الله علیها» را خدمت خوانندگان عزیز معرفی می نمایم.

نویسنده کتاب حضرت حجت الاسلام و المسلمین عباس عزیزی متولد ۱۳۴۲ می باشد که آثاری در مورد نماز و نمازگزاران دارد؛ یکی از آثارش همین کتاب «نماز و عبادت فاطمه زهرا سلام الله علیها» می باشد، این کتاب شامل نه فصل می باشد که عبارتند از:

۱. جلوه های عبادت
۲. نماز و خانواده
۳. خوف فاطمه زهرا سلام الله علیها از خداوند
۴. نماز شب فاطمه زهرا سلام الله علیها
۵. انس فاطمه زهرا سلام الله علیها با قرآن
۶. نمازهای فاطمه زهرا سلام الله علیها
۷. تسبیحات فاطمه زهرا سلام الله علیها
۸. توسل به فاطمه زهرا سلام الله علیها





عزت‌ها و ذلت‌ها از دیدگاه نهج البلاغه (افراد و جامعه)

محقق: مرتضی محمدی مقدم

دیدگاه و سبک زندگی امام علی (ع) درباره عزت ها و ذلت‌ها در دنیا

مقدمه

تمام مردم به تمایل طبیعی و کشش غریزه حب ذات علاقه دارند که در جمیع شئون زندگی و مظاهر حیاتی همواره از نعمت عزت و بزرگواری برخوردار باشند و از خواری و ذلت بر کنار و بی زار هستند. آئین مقدس اسلام مسئله عزت و ذلت را در تعالیم خود مورد کمال توجه قرار داده و مسلمانان را موظف نموده است که در حفظ عزت و احترام خود کوشا باشند، بزرگواری و شرافت خویش را از آسیب مصون دارند و از گفتار و رفتاری که به ذلت و خواری آنان می انجامد اجتناب نمایند. عزت و ذلت در تعاملات اجتماعی به گونه ای است که با رفتارهای انسانی و جایگاه رفتاری انسان مشخص می شود به گونه ای که امیرالمومنین در نهج البلاغه این گونه می فرماید:

قال علی (ع): «خالطوا الناس مُخالطَةً إِنْ مَثُمَّ مَعَهَا بَكُوا عَلَيكُمْ وَ إِنْ عِشْتُمْ حُنُوا إِلَيْكُمْ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰) با مردم آنگونه معاشرت کنید که اگر مُردید بر شما اشک بریزند و اگر زنده ماندید با اشتیاق به سوی شما بیایند. عزت و لذت در زندگی انسان به اعمال و رفتارهای او بستگی دارد در این مقاله اشارات فراوانی به بحث عزت و ذلت (فردی) از دیدگاه نهج البلاغه و سبک زندگی حضرت علی (ع) با تطبیق با آیات قرآن کریم اشاره می کند. از علی علیه السلام: **«الاستغنا عن العذرا اعز من الصدق به»** نهج البلاغه کلمه ۳۲۹. خویشتن را از عذر خواهی بی نیاز داری بهتر است از اینکه با صدق و راستی به ذلت عذر خواهی تن در دهی.

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «ان الله فوض الی المومن اموره کلها و لم يفوض الیه ان یکون ذلیلا اما تسمع الله عزوجل یقول و لله العزه و لرسوله و للمومنین فالمومن یکون عزیزا و لا یکون ذلیلا- (وسائل کتاب امر بمعروف، باب کراهته العترض للذلل). امام صادق علیه السلام فرموده: خداوند کار مومنین را به خودشان واگذار نموده ولی اجازه نداده است خویشتن را ذلیل و خوار نمایند. مگر نشنیدی که خداوند در قرآن شریف فرموده: که عزت برای خدا و پیغمبر و مومنی است؟ پس شایسته افراد باایمان عزت و بزرگواری است نه خواری و ذلت.

عزت نفس آسیب ناپذیر علی در نهج البلاغه علی و مال دنیا

به عثمان بن حنیف فرماندار بصره نامه ای نوشته و در خلال آن فرموده است: **«فو الله ما کثرت من دنیاکم تبرا و لا ادخرت من غنائمها و فرا ... و لهی فی عینی اوهی و اهون من عفصه مقره»** نهج البلاغه نامه ۴۵. قسم بخدا که از دنیای شما طلا و نقره نیندوختم و از غنائم آن مالی ذخیره نکردم ... در نظرم دنیائی که در دست شما است از بلوط تلخ پست تر و خوارتر است.

علی و جایگاه و مقام

قال عبدالله بن عباس «دخلت علی امیرالمومنین علیه السلام بذی قار و هو یخصف نعله فقال لی: ما قیمه هذا لنعل؟ فقلت: لا قیمه لها فقال علیه السلام و الله لهی احب الی من امر تکم الا ان اقیم حقا او ادفع باطلا» نهج البلاغه خطبه ۳۳.

موقعی که علی (ع) با سپاهیان خود بطرف بصره می رفت عبدالله بن عباس در ذی قار حضورش شرفیاب شد دید آنحضرت کفش پای خود را می دوزد فرمود عبدالله قیمت این نعل چقدر است؟ پاسخ داد قیمتی ندارد. فرمود بخدا قسم این کفش بی ارزش نزد من محبوب تر از ریاست و فرمانروائی بر شما است مگر آنکه بتوانم در پرتو این مقام اقامه حقی کنم یا باطل و یا دفع نمایم ظلمی را.

علی و اقبال و ادب‌ار مردم

جناب عقیل نامه ای به برادرش نوشت و از رای آن حضرت درباره جنگ با گروهی که بر ضد حکومت اسلام قیام کرده بودند پرسش نموده بود در پاسخ فرمود: **و اما ما سئلت عنی من رای فی القتال، فان رای فی قتال المحلین حتی القی الله، لا یزیدنی کثره الناس حولی عزه، و لا تفرقه منی وحشه»** نهج البلاغه نامه ۳۶. اما آنچه از رای من درباره قتال پرسش نموده ای بنظر من با این گروه که جنگ را روا و حلال می دانند باید تا پای مرگ جنگید و ضمنا به برادر خاطر نشان ساخت که نه فزودنی مردم در اطراف من باعث ازدیاد عزتم می شود و نه پراکندگی آنان از گردم، مرا نگران می سازد.

علی و تملق گویان

مردی حضور امیرالمومنین (ع) شرفیاب شد ، زبان تملق گشود و در مدح و ثنایش افراط نمود حضرت به او فرمود:

انا دون ما تقول و فقوم ما فی نفسک» نهج البلاغه، کلمه ۸۳.

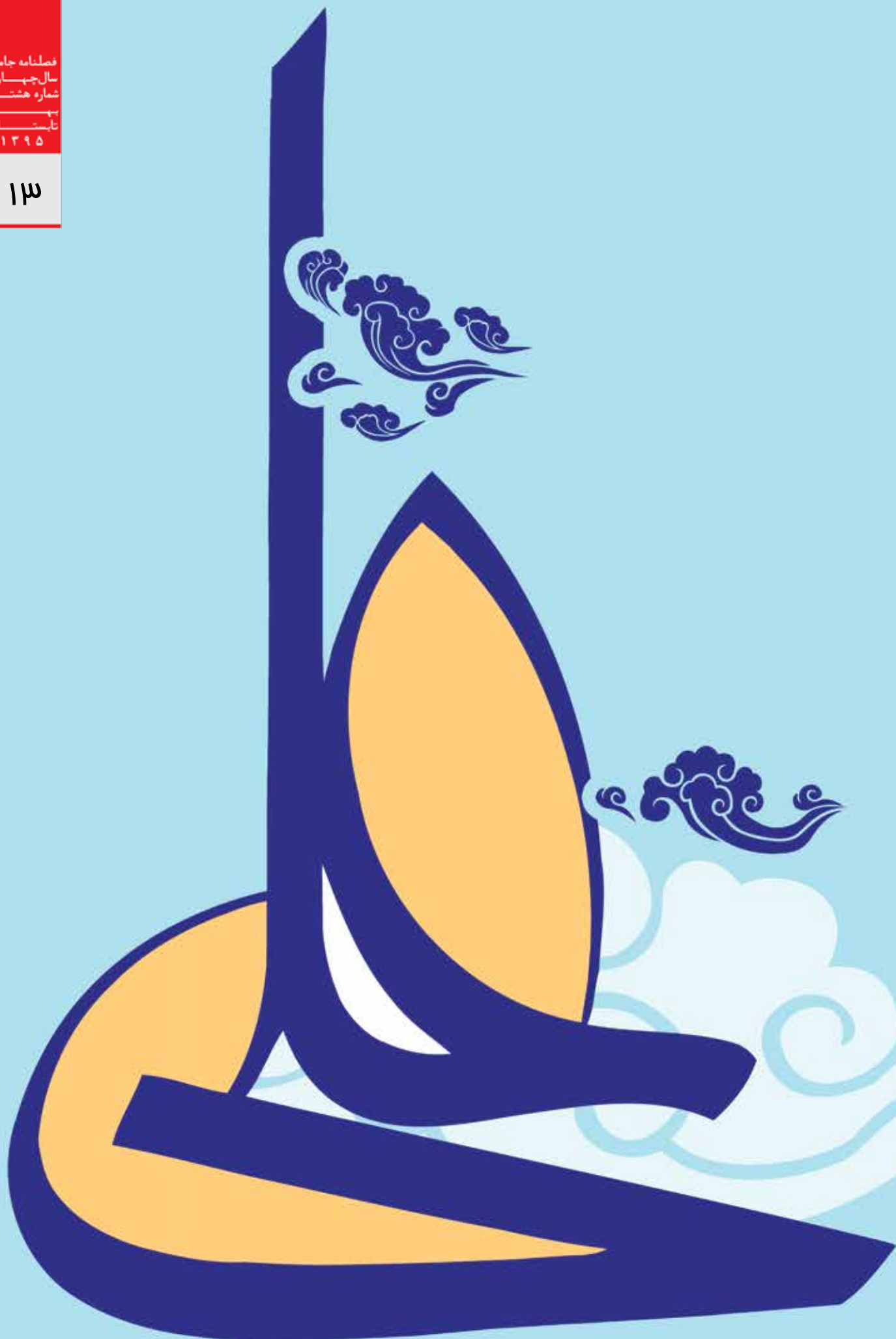
من از این همه مدح و تمجیدی که به زبان آورده ای فروترم ولی از آنچه مرا پیش خود تصور کرده ای برتر و فراتر.

علی و عرصه پیکار آنقدر روحیه آن حضرت در جنگ قوی و شکست ناپذیر بود. که با قید قسم فرموده است.

عزت مطلق مختص ذات اقدس الهی عزت حیثیتی، عزت مطلق و عزت اصیل به ذات اقدس الهی اختصاص دارد چه او است که هرگز مغلوب و مقهور نمی شود و هیچگاه دچار ذلت و خواری نمی گردد.

قرآن شریف فرموده است: **«ان ربک هو القوی العزیز»** سوره ی هود آیه ۶۶ بی گمان پروردگار تو است که قوی و عزیز است.

انسانها در هر مرتبه و مقامی که باشند عزتشان نسبی و غیر اصیل است و همواره مقهور قدرت لا یزال الهی هستند قرآن شریف در این باره می فرماید: و هو القاهر فوق عباده و هو الحکیم الخبیر سوره ی انعام آیه ی ۱۸ او خداوند قاهر است که به همه بندگانش برتری و سلطه دارد و او است پروردگار حکیم و آگاه.





سیره و رفتارشناسی فاطمه زهرا سلام الله علیها

تحریریه نشریه

الف) رفتارهای فردی

۱. رعایت پوشش و حجاب

علی (ع) فرمود: نابینایی در خانه حضرت زهرا (س) وارد شد حضرت خود را پشت پرده یا دیوار پوشاند. پیامبر (ص) فرمود چرا با این که نابینا تو را نمی‌بیند از وی حجاب می‌گیری؟ عرض کرد: اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم و او نیز بوی مرا استشمام می‌کند.

«فقال رسول الله(ص): اشهد انک بضعه منی» پیامبر(ص) در تایید رفتار حضرت زهرا فرمود گواهی می‌دهم که تو حقا پاره تن من هستی. ۱.

۲. صبر و حوصله

فاطمه(س) در یاد دادن مسائل دین به دیگران از حوصله و پشتکار فراوانی برخوردار بود. روزی زنی نزد او آمد و گفت: مادری پیر دارم که در مورد نماز خود اشتباهی کرده و مرا فرستاده تا از شما مسئله‌ای را بپرسم. حضرت زهرا سلام الله علیها سؤال او را پاسخ فرمود، زن برای بار دوم وسوم مسئله‌ای پرسید و پاسخ شنید اینکار تا ده بار تکرار شد و هر بار آن بانوی بزرگوار، سؤال وی را پاسخ فرمود. زن از رفت و آمدهای پی در پی شرمگین شد و گفت: دیگر شما را به زحمت نمی‌اندازم. فاطمه سلام الله علیها فرمود: باز هم بیا و سوالهایت را بپرس، تو هر قدر سؤال کنی من ناراحت نمی‌شوم. زیرا از پدرم رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم شنیدم که فرمود: روز قیامت علمای پیرو ما محشور می‌شوند و به آنها به اندازه دانش شان خلعت‌های گرانبها عطا می‌گردد و اندازه پاداش به نسبت میزان تلاش است که برای ارشاد و هدایت بندگان خدا نموده اند. ۲.

۳. عدم تعلق به زینت‌های دنیوی

امام سجاد(ع) فرمودند: «اسماء بنت عمیس» برایم نقل کرد که من نزد (جدّه تو) فاطمه(س) بودم هنگامی که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - بر او وارد شد و او گردنبدی از طلا به گردن داشت که امیر المؤمنان علی(ع) از سهم خود از غنائم برای او خریده بود، پیامبر فرمود: «ای فاطمه! شایسته است که از این زینت حلال پرهیز نمایی تا مردم نگویند فاطمه(س) دختر محمد لباس جباران را بر تن می‌کند.»

حضرت فاطمه(س) گردن بند را فروخت و با آن بندهای را خریداری و آزاد ساخت، و رسول خدا - صلی الله علیه و آله - از این کار شادمان شد. ۳ آن حضرت، آیین خانه داری و همسرداری را به خوبی مراعات می‌کرد. در زندگی واقعا شریک و همراه و همراز همسرش امیرمؤمنان(ع) بود.

۴. راستگوترین بانو

«عایشه» گفته است: «هرگز راستگوتر از فاطمه(س) ندیدم جز پدرش (رسول اکرم - صلی الله علیه و آله). ۴»

۵. زاهد در زندگی

از امام صادق(ع) و نیز از «جابر انصاری» نقل شده است که: «پیامبر - صلی الله علیه و آله - ، فاطمه(س) را دید که لباسی خشن بر تن دارد و به دست خویش (آسیا می‌گرداند) آرد می‌کند، و در همان حال فرزند خود را شیر می‌دهد، اشک به چشمان پیامبر آمد و فرمود: «دخترم تلخی دنیا را به عنوان مقدمه شیرینی آخرت تحمل کن» عرض کرد: «ای رسول خدا! خداوند را بر نعمتهایش ستایشگر و سپاسگزارم.»



۲. توجه به شخصیت بخشی به فرزندان

حضرت زهرا(س) برای ایجاد اعتماد به نفس در فرزندان خود آن‌ها را وادار و تشویق به مسابقه و ورزش می‌کرد. ۹

۳. محبت به فرزند

درس محبت در خانه حضرت زهرا سلام الله علیها بطور کامل ارائه می‌شد و آن حضرت که خود از سرچشمه محبت و عطوفت رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم سیراب شده و قلبش کانون محبت به همسر و فرزندان بود در این جهت نیز وظیفه مادری خود را به بهترین شکل انجام می‌داد. سلمان فارسی می‌گوید: روزی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را دیدم، که مشغول آسیاب کردن غله است. فرزندش حسین علیه السلام به گریه افتاد و بی‌تابی می‌کرد. عرض کردم: برای کمک به شما، غله را آسیاب کنم یا بچه را آرام نمایم؟ حضرت فرمود: من به آرام کردن فرزند اولی هستم. شما آسیاب را بچرخانید. ۱۰

حضرت زهرا سلام الله علیها از همان آغاز کودکی فرزندان، عبادت خدای تعالی را در روح و روان آنها تثبیت کرد و خوی پرستش خدای یکتا را در فطرت لطیف آنها سرشت.

۴. شوهرداری و هماهنگی با او

شوهرداری حضرت زهرا مرضیه سلام الله علیها بهترین الگو برای زنان مسلمان است. رفتار حضرت زهرا سلام الله علیها با شوهر در عالی ترین مرحله صفا و مهربانی بود. نه تنها هرگز خاطر شوهر را نرنجاند بلکه یآوری مهربان برای او بود.

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «سوگند به خدا، من زهرا سلام الله علیها را تا آن زمان که خداوند او را به سوی خود برد، خشمگین نساختم و در هیچ کاری موجب ناخشنودی او نشدم. او نیز هیچ گاه مرا خشمگین نکرد و عملی از او سرزند تا باعث ناخشنودی من شود. ۱۱

و هم چنین نقل است که امام علی علیه السلام فرمود: «هرگاه به چهره ی او «زهرا سلام الله علیها» نگاه می‌کردم هرگونه غم و اندوه از من برطرف می‌شد» ۱۲

حضرت زهرا سلام الله علیها از همان آغاز کودکی فرزندان، عبادت خدای تعالی را در روح و روان آنها تثبیت کرد و خوی پرستش خدای یکتا را در فطرت لطیف آنها سرشت

۵. تفاهم در زندگی مشترک

امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: «به خدا سوگند (در سراسر زندگی مشترک

و خدای متعال این آیه را نازل فرمود: «و لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ۚ و بزودی؛ پروردگارت (آن قدر) به تو عطا خواهد کرد تا راضی و خشنود شوی» ۶ امام علی علیه السلام فرمود: «هرگاه به چهره ی او «زهرا سلام الله علیها» نگاه می‌کردم هرگونه غم و اندوه از من برطرف می‌شد.

۶. مقام خوف و خشیت از خدا

هنگامی که آیه «و إِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ؛ دوزخ میعاد گاه همیشگی ایشان است که هفت درب دارد و برای هر دربی سهم معینی از ایشان خواهد بود» نازل شد، رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به صدای بلند گریست، و اصحاب او از گریه آن بزرگوار گریستند اما نمی‌دانستند جبرئیل چه به او فرود آورده است، و (از هیبت پیامبر) هیچ یک توان آن که با او سخن بگویند نداشتند، و پیامبر - صلی الله علیه و آله - چنان بود که چون فاطمه(س) را می‌دید شادمان می‌شد، به همین جهت سلمان به خانه فاطمه(س) رفت تا او را از قضیه آگاه سازد، و آن گرمی را دید که مقداری جو را آسیاب می‌کند و می‌گوید: «و ما عند الله خیر و أبقى؛ آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است.» ۷

...حضرت فاطمه(س) عرض کرد: «ای پدر فدای تو بشوم چه چیزی موجب گریستن شما شد.» پیامبر - صلی الله علیه و آله - از آیه‌ای که جبرئیل فرود آورده بود به او خبر داد، فاطمه(س) چون آیه را شنید چنان گریست که بر زمین افتاد، و پیاپی می‌گفت: «وای، وای بر کسی که در آتش دوزخ افتد...» ۸

ب) رفتارهای خانوادگی

۱. خانه‌داری حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

چگونه زیستن و معاشرت کردن با همسر و فرزندان و سامان بخشی به امور خانه و زندگی که در حیات طیبیه حضرت زهرا(س) بود، به عنوان «الگوی خانواده‌ها» خانه و خانواده او را به عنوان یک «خانواده الگو» مطرح ساخته است.

آن حضرت، آیین خانه داری و همسرداری را به خوبی مراعات می‌کرد. در زندگی واقعا شریک و همراه و همراز همسرش امیرمؤمنان(ع) بود.

گاهی در خانه، به علت وضعیت دوران و شرایط تنگنای اقتصادی حاکم بر مسلمانان و آن حضرت غذایی نبود و کودکان و خود آن بانو گرسنه بودند، اما فاطمه زهرا(س) چیزی به حضرت علی(ع) نمی‌گفت و از او درخواستی نمی‌کرد؛ حتی به پیامبر خدا هم در این مورد سخنی نمی‌گفت. بیم آن داشت که همسرش نتواند خواسته او را برآورد و تأمین کند و شرمنده شود. تا این حد مراعات مالی شوهر و پرهیز از «درخواست»، تنها از آن حضرت بر می‌آمد که همسر و همتای کسی همچون علی(ع) است.

سینه اش اثر گذاشت، و به قدری با آسیاب دستی آرد کرد تا دستهایش مجروح شد و آنقدر خانه روبی کرد و برای پخت و پز آتش زیر دیگ نهاد که لباسهایش گردآلود و دودی گردید؛ و در این امور زحمت و رنج بسیار به او می‌رسید...» ۱۷

ج (رفتارهای اجتماعی

۱. حضور سیاسی

پس از رحلت پیامبر(ص) که خلافت را غصب کردند و فدک را از فاطمه گرفتند، او همراه زنان بنی هاشم به مسجد رفت و در جمع مسلمانان حاضر، ضمن خطبه‌ای که پشت پرده خواند، از بدعت‌ها، ستم‌ها، حق‌کشی‌ها و فراموش کردن وصیت رسول خدا(ص) و جان گرفتن دوباره سنت‌های جاهلی انتقاد کرد و ریشه‌های سهل‌انگاری در دفاع از حق، و فراموش کردن توصیه‌های قرآن و پیامبر را در عادت کردن به زندگی مرفه و دنیادوستی و لذت طلبی دانست و این را که به آن سرعت، دستاوردهای وحی و دین و خدمات و زحمات پیامبر را از یاد بردند، نکوهش کرد.

خطبه او (که تاکنون بارها از سوی دانشمندان دینی شرح شده است)، نشانه تعهد اجتماعی و حضور در صحنه دفاع از بنیان‌های دینی و مبارزه با بدعت‌ها و غفلت هاست.

علی(ع) آب و هیزم می‌آورد و حضرت فاطمه(س) آرد می‌کرد و خمیر می‌ساخت و نان می‌پخت و لباس‌ها را وصله می‌زد، و آن بانوی گرامی از زیباترین مردم بود و گونه‌های مطهرش از زیبایی مثل گل بود. درود خدا بر او و پدر و فرزندان‌ش باد.

۲. امر به معروف و نهی از منکر

آن حضرت برای نهی از منکر و جلوگیری از کارهای خلاف علاوه بر استدلالات قرآنی، به دلایل عقلی نیز تمسک می‌کرد؛ همچنان که در مناظره با ابوبکر، علاوه بر قرآن، به دلایل عقلی نیز استناد می‌کرد.

روزی آن حضرت به نزد ابوبکر رفت و او را از عمل زشت غصب فدک بر حذر داشت. او در پاسخ خلیفه که او را شایسته ارث نمی‌دانست، فرمود: ای ابوبکر!

با فاطمه(س) تا آنگاه که خدای عزیز و جلیل او را قبض روح فرمود هرگز او را خشمگین نساختم و بر هیچ کاری او را اکراه و اجبار نکردم، و او نیز مرا هرگز خشمگین ساخت و نافرمانی من نکرد؛ هر وقت به او نگاه می‌کردم رنجها و انده‌هایم بر طرف می‌شد...» ۱۳

۶. دعا در حق دیگران

امام مجتبی(ع) نقل فرموده‌اند که: «مادرم فاطمه(س) را دیدم شب جمعه در محراب خود به عبادت برخاسته است و تا نمایان شدن سپیده صبح در عبادت و رکوع و سجود می‌بود، و می‌شنیدم که برای مؤمنین و مؤمنات دعا می‌فرمود و آنان را نام می‌برد و برایشان دعا می‌کرد، و برای خود هیچ دعا نمی‌کرد، به او گفتم: مادر! چرا همانطوری که برای دیگران دعا می‌فرمایی برای خود دعا نمی‌کنی؟» فرمود: «پسرم، ابتدا همسایه سپس خانه خود...» ۱۴

۷. آگاهی بخشی به فرزندان

حضرت زهرا سلام الله علیها از همان آغاز کودکی فرزندان‌ش، عبادت خدای تعالی را در روح و روان آنها تثبیت کرد و خوی پرستش خدای یکتا را در فطرت لطیف آنها سرشت و از همان آغاز به آنها علم آموخت و آنها را برای کسب معارف و تشویق در فراگیری، آماده می‌کرد، به عنوان مثال به فرزندش حسن علیه السلام که هفت ساله بود می‌فرمود: «به مسجد برو، آنچه را از پیامبر شنیدی فراگیر و نزد من بیا و برای من بازگو کن...» ۱۵

۸. مقام ایثار و گذشت

۹. تقسیم کار منزل با همسر

امام صادق(ع) می‌فرماید: «... علی(ع) آب و هیزم می‌آورد و حضرت فاطمه(س) آرد می‌کرد و خمیر می‌ساخت و نان می‌پخت و لباس‌ها را وصله می‌زد، و آن بانوی گرامی از زیباترین مردم بود و گونه‌های مطهرش از زیبایی مثل گل بود. درود خدا بر او و پدر و فرزندان‌ش باد...» ۱۶

امام علی(ع) فرموده است: «فاطمه(س) به قدری با مشک آبکشی کرد تا بر



منابع:

- [۱] - بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۱
- [۲] - کفایش، حمیدرضا، ۷۵ درس زندگی از سیره عملی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها صفحه ۲۹
- [۳] - بحار، ج ۴۳، ص ۸۱ - عیون اخبار الرضا - علیه السلام -، ج ۲، ص ۴۵ - و نیز خلاصه ای از این روایت با اندک تفاوت در مناقب شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۲۱.
- [۴] - بحار، ج ۴۳، ص ۵۳ - کشف الغمّه، ج ۲، ص ۳۰ - مناقب شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۱۹.
- [۵] - سوره «والضحی»، آیه ۵.
- [۶] - بحار، ج ۴۳، ص ۸۵ و ۸۶ - مناقب شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۲۰ - منتهی الآمال، ص ۱۶۱ - بیت الاحزان، ص ۲۴ با حذف قسمت آخر روایت.
- [۷] - سوره قصص، آیه ۶۰ و سوری شوری آیه ۳۶.
- [۸] - ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۱۴۸ - بیت الاحزان، ص ۲۸ و ۲۹.
- [۹] - ر.ک؛ نهج الحیاه، ص ۴۵.
- [۱۰] - حسینی شاهرودی، سیدمحمد، الگوهای رفتاری حضرت زهرا سلام الله علیها تربیت فرزند، صفحه ۱۴
- [۱۱] - همان پاورقی ۱۵، ص ۱۶
- [۱۲] - حسینی، سیدعلی، کرامات و مقامات عرفانی حضرت زهرا سلام الله علیها صفحه ۴۴
- [۱۳] - بحار، ج ۴۳، ص ۱۳۴، کشف الغمّه، ج ۱، ص ۴۹۲ - بیت الاحزان، ص ۳۷.
- [۱۴] - کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۵ و ۲۶ - بحار، ج ۴۳، ص ۸۱ و ۸۲ - منتهی الآمال، ص ۱۶۱ - بیت الاحزان، ص ۲۲.
- [۱۵] - محمدی اشتهاردی، محمد، نگاهی بر زندگی حضرت فاطمه سلام الله علیها صفحه ۶۴
- [۱۶] - روضه الکافی، (چاپ اسلامیة تهران)، ص ۱۶۵.
- [۱۷] - بحار، ج ۴۳، ص ۴۲ و ۸۲ - بیت الاحزان، ص ۲۳.
- [۱۸] - کشف الغمّه، ج ۱، ص ۴۷۷
- [۱۹] - بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۹
- [۲۰] - کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۳ و ۲۴ - مناقب شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۱۹ - منتهی الآمال، ص ۱۶۱
- [۲۱] - سوره آل عمران، آیه ۹۲
- [۲۲] - ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۱۰۶، به نقل از «التبر المذاب»
- [۲۳] - بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۸.

هر گاه تو بمیری چه کسی از تو ارث می برد؟ او گفت: زن و فرزندانم. حضرت زهرا(س) فرمود: پس چه شده که من نمی توانم از پدرم ارث ببرم؟ ۱۸ آن حضرت در مقام نکوهش مسلمانان بی تفاوت در ماجرای غصب خلافت، افکار آنان را به چالش می کشید و با سئوالات منطقی مواجه می ساخت و می فرمود: لیث شعری الی ای سناد استندوا؟ و علی ای عماد اعتمادوا؟ و بای عروه تمسکوا؟ و علی ایه ذریه اقدموا و احتنکوا؛ ای کاش می دانستیم به چه پناهگاهی تکیه زده اند؟ و به کدام ستون استوار اعتماد کرده اند؟ و به کدامین ریسمان تمسک جسته اند؟ و بر کدام فرزند و خاندانی پیشی گرفته و غلبه کرده اند؟ ۱۹

۳. عفاف و دوری از نامحرمان

حضرت فاطمه(س) در پاسخ این سؤال که «برای زنان چه چیز بهتر است؟» فرمودند: «برای زنان بهترین چیز آن است که مردان را نبینند و مردان آنان را نبینند» ۲۰

۴. انفاق

پیامبر - صلی الله علیه و آله - برای فاطمه و شب عروسی او پیراهنی تهیه فرمودند زیرا پیراهنی که فاطمه بر تن داشت وصله دار بود، در این هنگام مستمندی به خانه آنان مراجعه کرد و لباس کهنه ای طلبید، فاطمه(س) خواست پیراهن وصله دار به فقیر دهد، اما به یاد آورد که خدای متعال می فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ؛ به نیکی نمی رسید تا آنگاه که از آنچه دوست دارید انفاق کنید» ۲۱ به همین جهت پیراهن نو را به فقیر داد ۲۲...


۵. ساده پوشی

سلمان فارسی گوید: روزی حضرت فاطمه(س) را دیدم که چادری وصله دار و ساده بر سر داشت. در شگفتی ماندم و گفتم عجب! دختران پادشاهان ایران و روم بر کرسی های طلایی می نشینند و پارچه های زربافت به تن می کنند اما دختر رسول خداست نه چادرهای گران قیمت بر سر می کند و نه لباسهای زیبا. فاطمه(س) پاسخ داد: ای سلمان خداوند متعال لباسهای زینتی و تخت های طلایی را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.





ياس نبی (س)

بهنام هژیرخواه و یوسف رجبی 

نوشته زیر به مناسبت میلاد سیده النساء العالمین حضرت فاطمه زهرا(س) از دو بخش تشکیل شده است؛ بخشی به معرفی حضرت فاطمه(س) به عنوان الگوی زن مسلمان و در بخشی دیگر به اهمیت الگوپذیری پرداخته شده است.

بخش اول

حضرت فاطمه زهرا(س) روز بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت در مکه به دنیا آمد. در بخشش و بلند نظری و حسن تربیت وارث مادر بزرگوارشان و در سجایای ملکوتی وارث پدر بزرگوارشان، حضرت محمد(ص) بودند. نام مبارک آن حضرت، فاطمه سلام الله علیها است و القاب و صفات متعددی چون زهرا، صدیقه، طاهره، مبارکه، بتول، راضیه و مرضیه نیز برای ایشان ذکر شده است. فاطمه، در لغت به معنی بریده شده و جدا شده است و علت این نام گذاری مطابق با احادیث نبوی آن است که پیروان فاطمه(علیها السلام) به سبب او از آتش دوزخ بریده، جدا شده و برکنارند. فاطمه سلام الله علیها در خانه رسول خدا(ص) بزرگ شدند و با مجاهدات و تلاش پیگیریشان، تحت تربیت رسول الله به مقامات بلند معنوی دست یافتند؛ به طوری که در ستایش ایشان چندین آیه قرآنی نازل شد.

بدون تردید فاطمه زهرا(س) محبوبترین چهره دینی، علمی، ادبی، تقوایی و اخلاقی در میان زنان مسلمانان و دیگر مردم جهان به شمار می رود. در دامن پاک فاطمه زهرا(س) بود که دو امام بزرگوار و دو شخصیت ممتاز عالم بشری، حضرت امام حسن (ع) مظهر حلم و وقار و حضرت امام حسین (ع) سرور شهیدان تربیت یافتند، و نیز زینب کبری (س) مجسمه شجاعت

و نمونه یکتا در سخنوری و حق طلبی که پیام حسینی و حماسه عاشورا را در جهان اعلام کرد. به طور قطع مادر در تربیت فرزندان به ویژه دختران، سهم بسیار زیادی دارد، و فاطمه زهرا (س) بود که روح آموزش و پرورش اسلامی را در مهد عفت و کانون تقوای خانوادگی به پسران و دختران خود آموخت. رسول خدا(ص) به تربیت دختر عزیزشان توجه خاصی داشتند، در فرصت‌های مناسب ایشان را به بی‌اعتنایی به دنیا و ادب و ایثار و حفظ حجاب و ... ترغیب می‌فرمودند و با نصایح گوناگون و امیدبخشیدن به فضل پروردگار و توجه به ذکر و تسبیح الهی به تربیت وی همت می‌گماشتند. پیامبر اکرم(ص) بارها در سخنانشان مقام و موقعیت والای فاطمه(س) را برای مسلمانان بیان کردند و فرمودند: «فاطمه سبب خلقت افلاک است و ملائکه الهی در خدمت او هستند. او را اذیت نکنید که اذیت من است. فاطمه من، اهل بهشت است و در قیامت از شیعیانش شفاعت می‌کند.» همان گونه که در آثار و کتاب‌های فراوانی آمده است، فضایل و مناقب فاطمه(س) فراتر از حد شمارش است. ایشان در هر زمینه از امور زندگی، بر تمام زنان عالم پیش قدم بودند و گوی سبقت را در ایمان، عبادت، زهد، حجاب و ... از همگان ربودند و در شوهرداری، ایثار، انفاق، مروت، عدالت و ... سرآمد همه شدند تا در ردیف کامل‌ترین زنان عالم جای گرفتند و به «سیده النساء» ملقب شدند.

بخش دوم

اهمیت الگوگیری:

در اصطلاح منظور از «الگو»، نمونه عینی و مشهود نوعی فکر و عمل در ابعاد گوناگون است که برای رسیدن به کمال، از سوی دیگران پیروی می‌شود. هرچند انسان به لحاظ تکنولوژی پیشرفت کرده، اما در فرم کلی زندگی، انسان‌های کامل الگویی مناسب برای جوامع بشری هستند. الگوها

و دعا و صحیفه و تضرع و ذات ملکوتی و درخشندگی عنصر معنوی و همپایه و هموزن و همسنگ امیرالمؤمنین و پیامبر بودن اوست. زن، این است. الگوی زنی که اسلام میخواهد بسازد، این است.

زنی که در اختلاط و معاشرت، با مرد قاطی نمی‌شود و خود را وسیله‌ای برای جلب چشم مرد نمی‌داند و خود را بالاتر از این می‌داند؛ زنی که شأنش را عزیزتر از این می‌شمارد که خود را عریان کند و با صورت و موی و بدن خود، چشم روندگان را به سمت خویش جلب کند و هوس آنها را اشباع نماید؛ زنی که خود را در دامنه‌ی قله‌ای می‌داند که در اوج آن، فاطمه‌ی زهرا(س) (بزرگترین زن تاریخ بشر) قرار دارد؛ آن زن، زن مسلمان است. این زن باید دیگر از این بازبچه‌های فراهم آمده‌ی تمدن غربی و روشهای توطئه‌آمیز آن، رو بگرداند و به آن بی‌اعتنایی کند.

حجاب فاطمی

روزی مرد نابینایی با کسب اجازه به محضر حضرت فاطمه علیها السلام آمد. حضرت از او فاصله گرفتند و خود را پوشانیدند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که در آن جا حضور داشت، از ایشان پرسیدند: «با این که این مرد نابیناست و تو را نمی‌بیند، چرا خود را پوشاندی؟ حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ فرمودند: اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم، وانگهی او بورا استشمام می‌کند. پیامبر صلی الله علیه و آله به نشانه‌ی تأیید شیوه و گفتار ایشان فرمودند: «گواهی می‌دهم که تو پاره تن من هستی.» (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۱)

جهاد زن

می‌دانیم که جهاد، اهمیت بسیار دارد و در ردیف بزرگترین عبادات به حساب می‌آید و خداوند نیز در قرآن برای مجاهدان پاداشی بزرگ در نظر گرفته است. ولی همین جهاد، با این همه فضیلت، از عهده زن برداشته شده است و بر او واجب نیست.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: «جهادُ المرأةُ حُسْنُ التَّبَعْلِ» یعنی جهاد زن این است که خوب شوهرداری کند. «و در حدیث دیگر می‌فرمایند: «خداوند تعالی جهاد را بر مردان واجب فرمود. پس جهاد مرد به این است که از بذل جان و مال تا سرحد شهادت و کشته شدن در راه خدا دریغ نکند و جهاد زن به آن است که در برابر تندی و آزار شوهر و غیرت او بردباری نماید.»

بنابراین همان پاداشی را که خداوند به مجاهدان می‌دهد، به چنین زنانی هم می‌دهد؛ زیرا این بردباری که جهادی مقدس است و زن در برابر نفس خود انجام می‌دهد، در نتیجه آن، پایه‌های خانه و خانواده و زندگی متزلزل نخواهد شد و جلوی اختلاف و نزاع و جدایی‌ها گرفته می‌شود.

مقایسه رفتار زن مسلمان با زن غربی

متأسفانه جهان امروز در خصوص زن به بیراهه رفته است، رفتار زن امروز با رفتارهای حضرت زهرا(س) قابل تطبیق نیست، مدل حضور زنان در جامعه، بازار کار و رفتارهای آنها قابل مقایسه با رفتارهای حضرت زهرا(س) نیست. از دیدگاه غرب، زن به عنوان یک عامل تأثیرگذار در پیشبرد اهداف تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری به حساب می‌آید. از این رو جوامع غربی، زن را به عنوان یک کالای مصرفی و نه یک انسان دارای کرامت در نظر دارند. اما زن در کشورهای اسلامی دارای نقش مهمی در جامعه و خانواده است. تربیت فرزندان که قرار است آینده جامعه را رقم بزنند، بر عهده زنان است. متأسفانه چند سالی است که شاهد حضور بدون برنامه‌ریزی زنان در بازار کار و دوری آنها از مدیریت خانواده و تربیت فرزندان هستیم.

از دیدگاه غرب، زن هر چقدر در ملاء عام حضور داشته باشد و با مرد رقابت کند، کرامت بیشتری دارد! اما از دیدگاه اسلام این قضیه برعکس است. دلیل تأکید اسلام بر حجاب زن، تنها این نیست که تهییج شهوت نکند؛ حکمت مهم حجاب، کرامت و مصونیت زن و جلوگیری از تبدیل زن به کالای مصرفی است. متأسفانه دید ما بر این است که کاری کنیم تا زن مسلمان در مقابل زن غربی کم نیآورد! مگر زن غربی چه دارد که زنان مسلمان باید خود را به او برسانند؟!

و مربی‌های شایسته در تربیت افراد جامعه، امری ضروری است و در تربیت آنان تأثیر فراوان دارد. در این آفرینش خداوند برای مردان و زنان الگوهایی قرار داده که بتوانیم راه سعادت را با پیروی از آنها طی کنیم. (مهدی زاده، حسین، الگو شناسی، صفحه ۱۳)

امام باقر(ع) می‌فرمایند: انسان‌ها اگر چند فرسخ از وطن خود دور شوند، راهنما انتخاب می‌کنند؛ در حالی که راه آسمان از راه زمین دورتر و مهم‌تر است. لذا باید در امور خود راهنما انتخاب کنید. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸۴)

همان‌گونه که هنرمند برای طرح و خلق اثر هنری به الگو مشخص نیاز دارد، انسان نیز برای شکل دادن به شخصیت خویش به الگو احتیاج دارد تا ساختمان اخلاقی، فکری و شخصیتی خویش را مطابق آن بسازد. لذا زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه، نیازمند معرفی الگوهایی شایسته هستند تا از این طریق بتوانند به این خواسته درونی خود پاسخ داده و سهم عظیمی از تربیت صحیح آنان داشته باشند.

انواع الگوپذیری:

الگوپذیری از معصومین علیهم السلام به دو صورت می‌تواند صورت پذیرد: مستقیم و غیرمستقیم.

الگوپذیری مستقیم آن است که گفتار و رفتار آن بزرگواران را عیناً برنامه و راه و رسم زندگانی خویش قرار دهیم. در بسیاری از موارد، گفتاری خاص یا رفتاری مشخص از ایشان با همان شکل و قالب رفتاری می‌تواند اسوه و الگوی ما قرار گیرد. برای نمونه مداومت حضرت زهرا علیها السلام بر ذکر تسبیحات بعد از نماز واجب و توصیه ایشان به شیعیان خویش بر انجام این ذکر به عنوان تعقیبات نماز. چنین اقتدایی به آن بزرگوار، اسوه‌پذیری مستقیم خواهد بود.

الگوپذیری غیرمستقیم آن است که روح و حقیقت گفتار یا کردار آن اسوه‌های الهی را درک نماییم و با تحلیل و استنباط از سیره علمی و عملی آن بزرگواران، وظیفه‌ی خویش را در همه‌ی ابعاد زندگانی (فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ...) دریابیم. بسیاری از شکل‌ها و قالب‌های رفتاری اسوه‌ها، ویژه‌ی شرایط خاص بوده است؛ لذا منظور از آن رفتارها این نیست که همان قالب و شکل رفتاری خاص را اقتباس و تقلید کنیم؛ بلکه مطلوب و مقصود این است که روح و محتوای آن سیره رفتاری را درک نماییم و آن را در شکل‌ها و کالبدهایی نوین، طبق اقتضای شرایط زمانی و مکانی خویش، تحقق دهیم. برای نمونه در روایات می‌بینیم که فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت علی علیه السلام در یک چهار دیواری کوچک و گلین زندگی می‌کنند. از یک پوست گوسفند، به عنوان روانداشان استفاده می‌کنند. حضرت زهرا علیها السلام چادری از لیف خرما می‌بافد و از آن استفاده می‌کند و... قالب و شکل این گونه رفتارها به هیچ وجه در عصر حاضر قابل تأسی نمی‌باشند؛ اما آن چه ارزشمند و قابل تأسی است، «حقیقت»، «محتوا»، و «روح» این رفتارهاست. اسوه‌پذیران حقیقی آنانی اند که روح این رفتارها را در کالبد زندگی خویش به اجرا گذارند؛ مانند: روح بی‌اعتنایی به دنیا و حقیر شمردن مظاهر فریبنده آن، روح پارسایی و رستگاری از حب دنیا، روح ساده زیستی و پرهیز شدید از تجمل‌گرایی. (مصباح یزدی، محمد تقی، جامی از زلال کوثر، ص ۶۷ و ۹۲)

زنی که اسلام میخواهد بسازد

بشر از یک کارخانه انسان‌سازی تولید شده و یک سیستم دارد. زمان بر جسم او تأثیر می‌گذرد، اما سیستم روحی و فطرت بشر تغییر نمی‌کند؛ مانند چراغی که در سال‌های دور با نفت و روغن روشنایی ایجاد می‌کرده و امروز با برق این روشنایی را ایجاد می‌کند. سیستم انسان ثابت مانده، هم چنان که ظاهر انسان نیز در طول زمان تغییر نکرده است. لذا اسلام، فاطمه (آن عنصر برجسته و ممتاز ملکوتی) را به عنوان نمونه و اسوه‌ی زن معرفی می‌کند. آن زندگی ظاهری و جهاد و مبارزه و دانش و سخنوری و فداکاری و شوهرداری و مادری و همسری و مهاجرت و حضور در همه‌ی میدانهای سیاسی و نظامی و انقلابی و برجستگی همه‌جانبه‌ی او که مردهای بزرگ را در مقابلش به خضوع وادار میکرد، این هم مقام معنوی و رکوع و سجود و محراب عبادت



فاطمه زهرا سلام الله علیها الگوی بانوان جهان

شبکه فدک

برای زنان بود دیگر چه جای این کلام حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود که فرموده باشند:

عَنْ الشَّيْخِ المَوْثِقِ أَبِي عَمَرَ العَامِرِيِّ رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ قَالَ... وَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللهِ ص لِي اَسْوَةٌ حَسَنَةٌ. ۱ در توقیعی و نامه ای که از سوی امام عصر علیه السلام به واسطه یکی از نواب خاص حضرت در زمان غیبت صغری صادر شد آمده بود: دختر رسول خدا برای من الگویی نیکوست.

بنابراین دختر رسول خدا برای همگان الگوست. یکی از علمای معاصر در این باره می نویسد: «ایشان نه تنها الگویی برای زنان بلکه الگویی برای مردان نیز می باشد و چه بسا که در مرحله اول الگویی برای مردان و در مرحله دوم الگویی برای زنان باشد. دلیل آن این است که خداوند نور واحدی بیافرید و سپس آن

هر چند عمر کوتاهی داشت اما در همین عمر کوتاه به گونه ای زیست که زندگیش سراسر سرمشق شد؛ سرمشق برای یک عمر زندگی عارفانه و عاشقانه، زندگی مملو از نورانیت و صمیمیت، و زندگی سرشار از موفقیت و زندگی با احساس مسئولیت کردن به آنچه در پیرامونش می گذشت.

گمان نشود چون زن است تنها الگوی زنان است و مردان نمی توانند از او الگو برداری کنند.

چون حضرت در انسانیت با همه انسانها مشترک است پس می تواند الگوی همگان باشد چه مرد و چه زن. اگر حضرت فاطمه سلام الله علیها تنها الگویی

این اگر او چشم نداشت که مرا ببیند از طریق بویایی می توانست بو کند. ۵ اینجاست که فرزندان ایشان عابدترین افراد در زمان خود می شوند تا جایی که امام حسین علیه السلام برای راز و نیاز با محبوب هستی از دشمن یک شب مهلت می گیرد و بعد از واقعه کربلا نماز شب عقیده بنی هاشم حضرت زینب سلام الله علیها ترک نمی شود.

تربیت فرزندان:

همچنین ایشان در تربیت فرزندان الگوی مادران مهربان است؛ یکی از راههای تربیت فرزندان که می توان گفت بهترین روش نیز هست عمل خود مربی یعنی مادر است. حضرت فاطمه سلام الله علیها با عبادت خالصانه اش در درگاه الهی روح بندگی را به فرزندانش آموخت. با حضور به موقع و به جا در صحنه جامعه روح مسئولیت پذیری را در کودکانش پرورش داد. فرزندش امام حسن مجتبی نقل می کند که: مادرم فاطمه را در شب جمعه در محراب عبادت دیدم که به عبادت و نماز مشغول است او پیوسته به رکوع و سجود مشغول بود که شب به پایان رسید... ۶ اینجاست که فرزندان ایشان عابدترین افراد در زمان خود می شوند تا جایی که امام حسین علیه السلام برای راز و نیاز با محبوب هستی از دشمن یک شب مهلت می گیرد و بعد از واقعه کربلا نماز شب عقیده بنی هاشم حضرت زینب سلام الله علیها ترک نمی شود.

در محبت و احترام به والدین به ویژه پدر، الگوی دختران عقیف است. محبت ایشان به پدر بزرگوارش مثال زدنی است. حضرت زهرا تحمل دوری پدر را نداشت بخاطر همین رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام مسافرت با آخرین کسی که وداع می گفت حضرت فاطمه علیها السلام بود و هنگام بازگشت از مسافرت اولین کسی را که دیدار می کرد فاطمه علیها السلام بود. ۷ در لحظات پایانی عمر شریف پدرش بیش از همه بی تابی می کرد تا این که پدرش او را فراخواند و مژده ای به او داد که دخترم تو اول کسی هستی که به من ملحق می شوی ۸ اینجا بود که همه دیدند لبخندی در چهره پر از غم فاطمه سلام الله علیها پدیدار گشت.

منابع:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸ (باب ما خرج من توقیعاته) و الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۶
۲. فاطمه زهرا علیها سلام تجلیگاه رسالت الهی، محمد تقی مدرسی، مترجم قزوینی حائری، ص ۳۱ و ۳۲
۳. فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیها السلام، محمد دشتی، ص ۹
۴. مکارم الأخلاق، شیخ حسن فرزند شیخ طبرسی، ص: ۲۳۳ ناشر: شریف رضی
۵. تحلیل سیره فاطمه زهرا، علی اکبر بابازاده، ص ۱۵۹ و ۱۶۰
۶. همان، ص ۹۸
۷. فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ج ۴، ص: ۱۸
۸. الإنصاف فی النص علی الأئمة ع، سید هاشم بحرانی با ترجمه رسولی محلاتی، ص: ۲۰۶، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

را سه قسمت کرد، قسمت اول نور پیامبر مکرم اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و قسمت دوم نور مولای متقیان علی علیه السلام و ائمه هدی از فرزندان و قسمت سوم نور فاطمه زهرا علیها السلام بود که خداوند آسمانها و زمین را با آن خلق کرد... پس نمی توان آن حضرت را فقط الگویی برای بانوان به شمار آورد زیرا ایشان بخشی از نور الهی می باشد و زن و مرد باید به طور مساوی از خلق و خو و سیره آن حضرت الگو برداری کنند. ۲

از آنچه گذشت روشن شد که الگوپذیری از اول بانوی هستی، بخشی مختص به بانوان مؤمن است و بخشی برای عموم انسانهای خداجو است چه مرد و چه زن. در هر یک از این دو بخش نیز برخی رفتار فردی است و برخی رفتار اجتماعی است. در قسم اول به ما می آموزند که چگونه یک انسان کامل باشیم و در قسم دوم در جامعه چگونه حضور داشته باشیم و وظایف ما نسبت به جامعه چیست؟


همسررداری حضرت فاطمه علیها السلام

ایشان در همسررداری الگوی زنان مسلمان است. در تاریخ آمده است که در یکی از صبحگاهان امام علی علیه السلام فرمود: فاطمه جان! آیا غذایی داری تا گرسنگی ام برطرف شود؟ پاسخ داد: نه به خدایی که پدرم را به نبوت و شما را به امامت برگزید سوگند که دو روز است که در منزل غذای کافی نداریم؛ آن چه بود به شما و فرزندانم دادم و خود از غذای اندک موجود استفاده نکردم. امام با تأسف فرمود: فاطمه جان! چرا به من اطلاع ندادی تا به دنبال تهیه غذا بروم؟ قالت علیها السلام یا اباالحسن اینی لأستحیی من إلهی أن اکلک نفسک مالا تقدر علیه. حضرت زهرا علیها السلام فرمود: ای ابا الحسن من از پروردگار خود حیاء می کنم چیزی را از تو درخواست نمایم که تو بر آن توان و قدرت نداری. زنان دنیای معاصر باید از اینگونه جلوه های ایثار درس زندگی بگیرند و با ساده زیستی و مراقبت از خویشتن و دوری از آرزوی های زودگذر زندگی زناشویی را رنگی جاودانه زنند. ۳

در ارتباط با نامحرم:

در تعالیم دینی به ارتباط در حد ضرورت زن با نامحرم سفارش شده است. این مطلب در کلام و در رفتار بزرگ بانوی اسلام وارد شده است: گفتار حضرت در این باره چیست؟ ایشان می فرماید: **خیر للنساء أن لا یرین الرجال و لا یراهن الرجال**. آن چه برای زنان نیکوست این که (بدون ضرورت) مردان نامحرم را نبینند و نامحرمان نیز او را ننگرند. ۴ و اما رفتار حضرت صدیقه کبری: امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: روزی فاطمه علیها السلام در محضر رسول خدا نشست بود که مرد نابینایی اجازه ورود خواست. در این حال دختر رسول گرامی اسلام اتاق پذیرایی را ترک کرده و در اندرونی نشست. پس از رفتن مهمان، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: چرا از مرد نابینا دور شدی در حالی که او تو را نمی دید؟ فاطمه علیها السلام جواب داد: اگر او مرا نمی دید من وی را می دیدم علاوه بر

جایگاه ممتاز زن در اسلام آیت الله جوادی آملی

نسرین عبدالحسین زاده (فدایی) 

در تاریخ کنونی گوشه ای از مزایا و مظاهر اسلام تجلی کرده است و آن گرامیداشت مقام والای زن است در طلوعه اسلام عظمت زن در حجاز ظهور کرد، اعراب و غیر اعراب که به خوی جاهلی آشنا بودند با فروغ دین بیدار شدند و مقام والا و نامی زن را تشخیص دادند.

ریشه دار بودن عظمت زن در مقام عظیم انسانیت

عظمت زن در عظمت انسان است، در سایه ارتباط با پروردگار است که او ربّ العالمین است. اگر انسان بزرگ است برای اینکه خلیفه خداست که او ربّ العالمین است. انسانی که از خود هستی ندارد عظمت نخواهد داشت. انسان که در آینده نزدیک یا دور پیکر او رخت بر می بندد و می میرد و به خاک سپرده می شود عظمت نخواهد داشت مگر عظمت را به جان خود بدهد اولاً و عظمت جان را در پرتو ارتباط با عظمت ربّ العالمین بداند ثانیاً. اگر این دو مسأله روشن شد آنگاه مقام والای زن ظهور می کند.

زیرا زن و مرد مربوط به بدن است نه مربوط به روح یعنی جان انسان مجرد است و موجود مجرد نه مرد است و نه زن، نه مذکر است و نه مؤنث، این بدن است که متفاوت است نه جان. آنکه جان است نه مرد است و نه زن و آن جان خلیفه خداست.

باید مجدداً به متون اصلی دین که قرآن و سنت معصومین (علیهم السلام) است برگردیم تا ببینیم قرآن عظمت انسان را در چه می داند و فرق بین زن و مرد را در چه می داند و آیا برای زن و مرد حقوق متساوی قرار داد یا حقوق متعادل.

نیل به مقام خلافت الهی، هدف والای زنان و مردان

اسلام عظمت انسان را به روح او می داند و روح او را به خدا ارتباط می دهد و بدن او را ابزار می شمارد. درباره آفرینش انسان چنین می فرماید: من پیکر او را از طین و طبیعت می آفرینم، روح او به خدا ارتباط دارد و در این جا بین زن و مرد فرقی نیست. بدن زن و مرد به طبیعت برمی گردد و جان زن و مرد به ماوراء طبیعت برمی گردد. این اولین مسأله درباره انسان شناسی است.

مسأله دوم روح است که به خدا مرتبط است. چون آنچه خلافت می کند یا آنکه خلافت می کند گوهر روح است و گوهر روح نه زن است و نه مرد و بدن ابزار کار است.

فروغ ولایت در زنی همچون مریم (س)

یکی از آن بانوانی که در قله تاریخ بشریت نام آن ها می تابد و می درخشد وجود مبارک مریم (س) است. قرآن کریم مقام والای این بانو را چنان تبیین می کند که سه پیغمبر از پیغمبران بزرگ خدا در ارتباط با مریم (س) فیض جدیدی برده اند، روح تازه ای در آن ها زنده شده است یا آن روح قبلی خود را بازیافتند و توفیق تازه ای نصیب آن ها شده است.

اولین پیغمبری که در سایه پیوند با این بانو، بازنگری نصیب او شده است وجود مبارک زکریا (ع) است. این پیر مرد در عین حال که از انبیای الهی است و فروغ نبوت و رسالت را درک کرده است اما کفالت مریم را به عهده داشت. وقتی زکریا کرامت مریم را و استجابت دعای مریم را، پیوند عمیق مریم را با مریم آفرین دید، از آن به بعد اشتیاقی در او جوانه زد که خوب است ما هم چنین فرزندی داشته باشیم و دعا کرد و از خدا طلب فرزند کرد (هُنَا لَكَ ذَكَرًا رَهِئًا). در حال نماز این دعا را از دل برآورد و فرشتگان در

حال نماز به او وعده و بشارت دادند. این بخشی از کرامت ها و استجابت دعا و تحول غیبی در زندگی زکریا و همسرش به برکت مریم پدید آمد و وجود مبارک یحیی که با همین دعا بدنیآ آمد. این هم پیغمبر دوم و پیغمبر سوم وجود مبارک عیسی (ع) است که از انبیای بزرگ الهی و اولوالعزم است که او هم از این مریم (س) بدنیآ آمده است. عیسی (ع) موظف بود که در برابر مریم خضوع کند. نسبت به او نیکی روا دارد و این سفارش الهی بود که نسبت به مادرش مهربان باشد، عطوف باشد، متأدب باشد و مانند آن که: اَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَادُمْتُ حَيًّا (۷). وَ بَرًّا بِوَالِدَتِي وَ لَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا (۸). یعنی خدا به من سفارش کرد که نسبت به چنین مادری مهربان باشم و مانند آن. این گوشه ای از زوایای فروغ یک زن در سه پیغمبر!

عدم تساوی امورات فردی و اجتماعی زن و مرد

اگر روزی در سراسر عالم به نام زن مطرح شود به جاست، اما زن و مرد حقوق متعادل دارند نه حقوق متساوی زن و مرد در برابر قانون مساوی اند، این حق است. قانون زن و مرد روی تعادل تدوین و تنظیم شده است این حق است اما اینکه زن و مرد حق مساوی، قانون مساوی، وظیفه مساوی داشته باشند. این چنین نیست اگر آن قانون و آن وظیفه مسائل علوم باشد، معارف، افکار، اندیشه، ملکات فاضله باشد، مرد و زن مساوی اند. اما اعمال باشد، مسائل فقهی باشد، رفتار و کردار و گفتار باشد، این چنین نیست چون بخش مهم از این رفتار و گفتار و کردار و مانند آن به تن برمی گردد یعنی این روح باید با ابزار کار کند. ابزار مرد و زن یکسان نیست، کارهای سنگین جبهه و مانند آن به عهده مرد است و کارهایی که عاطفه و ظریف کاری و نازک کاری و دقت در آن معتبر است به عهده زن است، ابزار چون مختلف است نمی شود کارها یکسان باشد.

هیمنه حضرت فاطمه (س) بر زنان برجسته عالم

بنابراین محور اصلی بحث آن است که زن و مرد از نظر بدن اختلاف دارند نه از نظر جان، و جان انسانی در اثر خلافت خدا ارزش می یابد و در آن محور خلافت بین زن و مرد فرقی نیست. نمونه هایی در مکتب های الهی است که یکی از آن ها مریم (س) است ولی همان طور که قرآن مہمین بر همه کتابهاست. کسی که به حقیقت قرآن رسیده است و واقعیت قرآن را درک کرده است او هم بر انبیاء و اولیای گذشته هیمنه دارد و آن وجود مبارک فاطمه زهرا (س) است که این بانو چون به حقیقت قرآن رسیده است و همتای قرآن است. مریم (س) همتای انجیل است و قرآن مہمین بر انجیل است. پس وجود مبارک فاطمه (س) مہمین بر مریم و بر همه زنان عالم است. انتظار می رود که جامعه بشریت روزی به جایی برسد که سراسر عالم یک روز به نام این بانو یعنی سیدہ نساء عالمیان، وجود مبارک فاطمه زهرا (س) آن روز را گرامی بدارند.

ضمن گرامیداشت مقام والای زن، مخصوصاً مریم (س)، بالاخص فاطمه زهرا (س)، انتظار داریم زنان سراسر عالم عموماً، موحدان مخصوصاً، مسلمین بالاخص به مقام منیع زن بیش از پیش توجه کنند و عظمت خود را در سایه عفاف و حجاب حفظ کنند و خلافت خود را در سایه پرهیزکاری همچنان نگه بدارند.



بنام خیرلی که نماینده عشق در زمین مادر است

آثار و برکات رفتن به مسجد

مرکز پاسخگویی به سوالات دینی

قِرَاءَةٌ مُصَلٍِّ أَوْ ذَكَرَ اللَّهُ أَوْ سَأَلَ عَنْ عِلْمٍ ۃ؛ هر نشستن در مسجد بیهوده است، مگر اینکه برای سه کار باشد؛ خواندن قرآن، ذکر خدا، پرسش از علم.»

۳. آثار اجتماعی

مسجد به عنوان یک مرکز دینی برای عموم، نقش اساسی در شکل‌گیری اجتماعات مسلمین دارد. از این جهت بطور طبیعی مسجد می‌تواند کارکرد اجتماعی نیز داشته باشد. حضور زنان و مردان و تبادل اخبار و اطلاعات اجتماعی، جویا شدن از احوال هم و احوال مسلمین، تنها بخشی از این ظرفیت بزرگی است که مساجد دارند. در این مکان‌ها مؤمنان فرصت می‌یابند با جمعی آشنا شوند که از نظر دین و عبودیت با آنان هم‌رنگ هستند و توان ایجاد گروه‌های اجتماعی هماهنگ را دارند. بنابراین آنان می‌توانند از بین اهل مسجد برادران یا خواهران مناسبی، از حیث دینی، برای خود بیابند که طبعاً آثار آن در ابعاد اجتماعی بروز خواهد کرد.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بَاقِلٍ مِنَ اِحْدَى ثَلَاثٍ خِصَالٍ...: وَ اِمَّا اَخٌ يَسْتَفِيْدُهُ فِي اللّٰهِ؛ اهل مسجد به کمتر از یکی از سه چیز از مسجد بر نمی‌گردد {که یکی از آنها} دوستی است که از او در مسیر خدا استفاده می‌کند.

مسجدها، اساساً برای ایجاد ارتباط بین بنده و معبود او و اعلام بندگی و عبودیت برای آفریدگار بنا می‌شوند. بر این اساس نیز اصلی‌ترین اثر حضور در آن در بعد عبادی خواهد بود.

زنان و مردان با حضور در مساجد، می‌توانند از یک اجتماع سالم دینی بهره‌مند شوند. طبق روایتی که از امام علی علیه‌السلام نقل شد، تأثیرات رفتاری که حضور در مسجد برجای می‌گذارد، می‌تواند جامعه دینی را از فساد و گناه پاک کرده و مسلمین را به سمت یک جامعه سالم هدایت کند:

«أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدِي أَوْ يَنْتَرِكُ ذَنْبًا خَشِيئَةً أَوْ حَيَاءً؛ یا کلماتی می‌شنود که او را از فساد و گناه باز می‌دارد. و یا به خاطر ترس [از خدا] یا حیا و آبرو، گناهی را ترک می‌کند.»

بر این اساس حضور در مسجد، می‌تواند نقش بازدارنده در ارتکاب جرایم و گناهان نیز داشته باشد.

۴. آثار سیاسی

مسجد همواره در کنار کارکرد اجتماعی، عبادی و معنوی خود، کانون سیاسی در جامعه مذهبی نیز بوده است. این موضوع چه در زمان پیامبر و چه در زمان خلفاء و امام علی علیه‌السلام و دیگران قابل پیگیری است و نمونه‌های فراوانی درباره آن می‌توان ذکر کرد.

مسجد خانه خدا در زمین، مرکز وحی، منبع فیوضات معنوی و برکات گوناگون برای نمازگزاران و جامعه اسلامی است. بی‌گمان مکانی که چنین جایگاهی نزد خداوند دارد، حضور در آن، آثار فراوانی را خواهد داشت و بدون تردید شامل حال مکلفان و حاضران در مسجد اعم از زن و مرد نیز خواهد بود.

آثار حضور در مسجد چنان متنوع است که به سختی می‌توان پیرامون تمامی آنها سخن گفت؛ چنانکه در یکی از احادیث امام علی علیه‌السلام، برای حضور در مسجد هشت اثر برشمرده شده است:

«مَنْ اِخْتَلَفَ اِلَى الْمَسْجِدِ اَصَابَ اِحْدَى الثَّمَانِ؛ اِخَا مُسْتَفَادَا فِي اللّٰهِ، اَوْ عِلْمًا مُسْتَنْظَرًا اَوْ آيَةً مُّحْكَمَةً اَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّ عَلَي هُدًى، اَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، اَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدِي، اَوْ يَنْتَرِكُ ذَنْبًا خَشِيئَةً اَوْ حَيَاءً»؛ کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند، یکی از منافع هشتگانه نصیب او می‌شود: برادری مفید و با ارزش در راه خدا، یا علم و دانش نو، یا دلیل و برهان محکم [برای تثبیت عقاید]، یا کلماتی که موجب هدایت شود [می‌شنود]، یا رحمت مورد انتظاری [شامل حال او می‌شود]، یا مواظبی که او را از فساد و گناه باز دارد، [می‌شنود] یا به خاطر ترس یا حیا و آبروی خود گناهی را ترک می‌کند. برخی از آثار حضور در مسجد را می‌توان به شرح زیر مورد مطالعه قرار داد:

۱. آثار عبادی

از مساجد به عنوان خانه‌های خدا در زمین و نیز خانه‌های متقیان و مؤمنان یاد شده است. این عنوان به خوبی ماهیت عبادی مسجد را نشان می‌دهد؛ اینکه مسجدها، اولاً و اساساً برای ایجاد ارتباط بین بنده و معبود او و اعلام بندگی و عبودیت برای آفریدگار بنا می‌شوند. بر این اساس نیز اصلی‌ترین اثر حضور در آن در بعد عبادی خواهد بود: «وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ»؛ هنگام عبادت و در هر مسجدی به سوی او توجه کنید و او را بخوانید و دین [خود] را برای او خالص کنید. همچنان که در آغاز شما را آفرید، بار دیگر در رستاخیز باز می‌گردید.

هر کس که مسجدها خانه‌اش باشد، خداوند آسایش و آرامش و عبور از صراط را برای او ضمانت می‌کند. و این گونه است که مؤمن در مسجد، به مانند ماهی در دریا می‌ماند.

۲. آثار علمی

کارکرد علمی مسجد در عصر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و توصیه‌های ائمه علیهم‌السلام در این باره، ما را با یکی دیگر از آثار حضور در مسجد آشنا می‌سازد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعُوَ اِلَّا ثَلَاثَةً:

آنهاست، [شخصی که وقتی از مسجد خارج می‌شود تا زمان برگشت، توجه‌اش به مسجد باشد.

۴. قال الصادق علیه السلام: «لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلٍ مِنْ أَحَدِي ثَلَاثَ خِصَالٍ: أَمَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ يَدْخُلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَأَمَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ فَيَصْرِفُ اللَّهُ عَنْهُ بِهِ بَلَاءَ الدُّنْيَا...؛ اهل مسجد به کمتر از یکی از سه ویژگی باز نمی‌گردد؛ یا دعایی می‌کند که خداوند به برکت آن، او را به بهشت می‌برد، یا دعایی می‌کند که به سبب آن بالای دنیا را از او دور می‌کند و ی...»

قومی [با یکدیگر] در مسجدی از مساجد خداوند متعال برای تلاوت و آموختن قرآن ننشینند؛ مگر آن که آرامش برایشان نازل و رحمت الهی شامل حال آنها شود. و خداوند از آنها در میان کسانی که نزد او هستند یاد می‌کند.

عبادت

این همه نشان می‌دهد، حضور در مسجد، علاوه بر آثار دنیوی، از جنبه اخروی و کمالات معنوی نیز - به عنوان عاملی تأثیرگذار - مورد توجه است. نقل است که شیخ الرئیس ابوعلی سینا برای ابو سعید ابوالخیر نوشت: چه لزومی دارد، مردم همه در مسجد اجتماع کنند، با اینکه خداوند از رگ گردن به انسان نزدیکتر است. هر جا که باشی اگر رابطات با خدا برقرار باشد، نتیجه خواهی گرفت. وی در پاسخ نوشت: اگر چند چراغ در یک جا روشن باشد، اگر یکی از آنها خاموش شد، چراغ‌های دیگر روشن است، ولی اگر همان چراغ‌ها هر کدام در یک اطاق باشد، اگر یکی از آنها خاموش شد، آن اطاق در تاریکی فرو خواهد رفت. انسانها نیز این‌گونه‌اند؛ تربیت سیاسی که در مسجد ارائه می‌شود، به دلیل ماهیت مذهبی آن می‌تواند نسلی را پدید آورد که پشتوانه جامعه دینی باشند و در برابر حوادث سیاسی هوشیاری لازم را داشته باشند. بعضی گناهکارند، اگر تنها باشند، شاید موفق به کسب فیوضات الهی نشوند، ولی اگر در جمع باشند، شاید خداوند به برکت افراد دیگر، آنها را هم مشمول برکات خود سازد. ۹.

نکته:

هرچند در تمام ثمرات حضور در مسجد، زنان و مردان مشترک‌اند و تبعیض بین آنها به چشم نمی‌خورد، اما نکته‌ای وجود دارد که اطلاع از آن، موجب درک مطلوب بودن حضور بانوان است. حقیقت این است که بانوان فرصت بیشتری در اختیار دارند بر خلاف مردان که اغلب عمر آنان را موضوع تأمین معاش اشغال می‌کند. همچنین، همبستگی و دل‌بستگی بین زنان بیشتر از مردان است و آنان قدرت انتقال و سرعت انتقال بیشتری نسبت به مردان دارند و در تبادل اطلاعات دینی، سیاسی، اخلاقی و اجتماعی موفقتر هستند. و نیز به دلیل لطافت روحی و صافی قلب و عاطفه مادری و همسری توان تأثیرگذاری بیشتری در خانواده دارند. از این جهت است که حضور آنان در مسجد، می‌تواند کل فضای خانواده و به دنبال آن جامعه را دگرگون کند. از سوی دیگر، ویژگیهای اخلاقی و سلیقه‌ای بانوان به گونه‌ای است که آنان می‌توانند خدمات بیشتر و بهتری برای مسجد ارائه کنند.

منابع:

۱. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰.
۲. اعراف/۲۹.
۳. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۸۶؛ وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۸۶.
۴. مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۳۶۳.
۵. همان، ج ۳، ص ۵۵۴.
۶. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۲.
۷. مستدرک، ج ۳، ص ۳۶۱؛ بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۴؛ امالی طوسی، ص ۱۳۹.
۸. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۱.
۹. داستانها و پندها، ج ۹، ص ۵۸.

در این دوران نه تنها آثار سیاسی حضور مردان در مسجد بلکه آثار سیاسی حضور زنان در مسجد نیز مشهود است. که حضور زنان و مردان و تبادل اخبار و اطلاعات اجتماعی، جویا شدن از احوال هم و احوال مسلمین، تنها بخشی از این ظرفیت بزرگی است که مساجد دارند.

فاطمه علیهاالسلام در مسجد و دفاع وی از حق ولایت علی علیه‌السلام، یکی از آنهاست. همچنین سخنرانی حضرت زینب در مسجد که از مسلمات تاریخی است. ۴. این اثر را در انقلاب اسلامی نیز می‌توان به خوبی مشاهده کرد.

تربیت سیاسی که در مسجد ارائه می‌شود، به دلیل ماهیت مذهبی آن می‌تواند نسلی را پدید آورد که پشتوانه جامعه دینی باشند و در برابر حوادث سیاسی هوشیاری لازم را داشته باشند. از این رو حضور زنان در کنار مردان در مسجد ضروری می‌باشد، چرا که اگر زنان از حضور در این مکان محروم شوند، در واقع این تربیت بطور ناقص انجام خواهد شد. در حالی که بانوان به دلیل تأثیر عمیق‌تر بر فرزندان و نقش تربیتی خود، در صورت برخورداری از تربیت سیاسی مسجد، بلوغ سیاسی را بطور شگفت‌انگیزی افزایش خواهند داد.

۵. آثار روحی و اخلاقی

فضای مسجد، نورانی و الهی است. چنانچه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز در حدیثی به آن اشاره فرموده است: «مَا جَلَسَ قَوْمٌ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ تَعَالَى يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ [و] يَتَدَارِسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا تَزَلَّتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَعَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ ۴؛ قومی [با یکدیگر] در مسجدی از مساجد خداوند متعال برای تلاوت و آموختن قرآن ننشینند؛ مگر آن که آرامش برایشان نازل و رحمت الهی شامل حال آنها شود. و خداوند از آنها در میان کسانی که نزد او هستند یاد می‌کند. در حدیث دیگری از آن حضرت می‌خوانیم که فرمود: «مَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بَيْتَهُ ضَمِنَ اللَّهُ لَهُ بِالرُّوحِ وَالرَّاحَةِ وَالْجَوَازِ عَلَى الصَّرَاطِ ۵؛ هر کس که مسجدها خانه‌اش باشد، خداوند آسایش و آرامش و عبور از صراط را برای او ضمانت می‌کند. و این گونه است که مؤمن در مسجد، به مانند ماهی در دریا می‌ماند. اطمینان و آسایش حاصل از حضور در مسجد، توانایی انجام صحیح وظایف و تکالیف شرعی دیگر را نیز بدست خواهد داد.

در این زمینه این نکته را نیز یادآور می‌شویم که به دلیل لطافت های روحی و تأثیر پذیری عاطفی شدید در بانوان، نیاز به حضور برای کسب آرامش الهی و قلبی، درباره آنان بیشتر احساس می‌شود. البته برای مردان نیز پس از هیاهو و غوغای کار حضور در مسجد می‌تواند محل آرامشی باشد و نکته دیگر اینکه تأثیری که در جماعت هست در افراد نیست.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «كَانَ أَبِي إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ جَمَعَ النِّسَاءَ وَالصَّبِيَانَ ثُمَّ دَعَا وَأَمَّنُوا»؛ هرگاه پدرم از چیزی غمگین می‌شد، زنها و بچه‌ها را فرا می‌خواند و دعا می‌کرد و آنها آمین می‌گفتند.

۶. آثار معنوی و اخروی

در روایات از ثواب ها و اجرهای متعدّد برای حاضران در مساجد، فراوان یاد شده است از جمله:

۱. «إِنَّ فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبًا: إِنَّ بَيْوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ فَطُوبَى لِمَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي وَحَقَّ عَلَيَّ الْمَرْوَرُ أَنْ يَكْرِمَ الزَّائِرَ» ۶؛ در تورات نوشته شده است که [خداوند می‌فرماید]: مسجدها خانه‌های من در زمین هستند. خوشا به حال کسی که خود را در خانه‌اش تمیز کند و در خانه من به زیارت من بیاید و حق زائر این است که میزبان او را محترم شمارد.

۲. قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: «الْمَسَاجِدُ سُوقٌ مِنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ قَرَاهَا الْمُعْفِرَةُ وَتَحَفَّتْهَا الْجَنَّةُ» ۷؛ مساجد بازاری از بازارهای آخرتند. آمرزش و بخشش [از وسایل پذیرایی آنها است و هدیه آنها بهشت است.

۳. قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: «سَبَعَةَ يَظْلُهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ... رَجُلٌ قَلْبُهُ مُتَعَلِّقٌ بِالْمَسْجِدِ إِذَا خَرَجَ مِنْهُ حَتَّى يُوَدَّ إِلَيْهِ» ۸؛ هفت گروه در قیامت مورد توجه خدا قرار می‌گیرند... [که از جمله



راهکارهای جذب جوانان به مسجد (۱)

محقق: محمد امیری

مقدمه

مسجد به عنوان اصلی ترین پایگاه اسلامی نقش مهمی در تربیت، آموزش و ایجاد نزدیکی بین اعضای خود که مسلمانان هستند، دارد. پایگاهی که همواره در روایات از آن به بزرگی یاد شده است. یکی از رسالت های پیامبر اکرم (ص) پس از دریافت وحی الهی و رسانیدن آن به مردم، ایجاد پایگاهی به نام مسجد بود تا مکانی برای عبادت و ذکر حق تعالی و تشکیل اجتماعات اسلامی و مردمی باشد. بعد از آن بود که مسلمین در صفوف وحدت بخش نماز جماعات که در مساجد برگزار می شد، روح تربیت و نشاط را در جامعه به وضوح مشاهده کردند. به طوری که اینک بعد از گذشت قرن های متمادی از پیدایش اسلام، مسجد نه تنها اعتبار و ارزش خود را حفظ کرده بلکه همواره در برهه های مختلف زمانی، نقش مهمی در تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته است. در کشور ما مخصوصاً در دوران انقلاب و هشت سال دفاع مقدس، مسجد مکانی برای بسیج نیروهای مردمی، آموزش، سازماندهی و پشتیبانی نیروهای بسیجی و مردمی بوده در این میان حضور جوانان در کنار سایر قشرهای مردم دیده می شود. حضور آنان در نمازهای جماعت و تشکیل حلقه های کمک های مردمی، بسیج نیروهای اعزامی به جنگ، ایجاد کلاسهای آموزشی و ... نقش مؤثرتری در رونق مساجد داشته است، اما با گذشت زمان و سپری شدن آن روزهای سخت، نه تنها کارکرد مسجد در کشور تفاوت پیدا کرده، بلکه با کم رنگ شدن حضور جوانان در مساجد به علت های مختلف رونق روزهای گذشته را ندارد.

متأسفانه در سالهای بعد از جنگ تحمیلی به خاطر سهل انگاری، نبود برنامه ریزی صحیح و بی اعتنائی به این سنگر اسلامی، مسجد در گرایش و جذب جوانان ضعیف عمل کرده است. امروزه با تغییر نیازهای نسل جوان و تحول روحیات آنها، نقش بارز مسجد به عنوان کانون تربیت دینی جوانان به روشنی مشخص می گردد. جوانی که امروزه در قرن بیست و یکم به سر می برد، جوانی است که با بحران هویت دینی و فرهنگی روبرو است و با هجمه فرهنگی بیگانگان دست و پنجه نرم می کند، دشمن خاموش در پشت سرش سعی در القای مفاهیم و الگوهای شیطانی خود به جوانان است و این هشدار است «تهاجم فرهنگی». این زنگ خطری برای همه ماست تا از پیشرفت چنین ویروس خطرناکی جلوگیری کنیم. پس از اینجاست که مسجد می تواند به روح پرسشگر و کنجکاو جوان پاسخی درخور و متناسب با نیازهایش بدهد و الگوی شایسته ای از دین و فرهنگ ایرانی - اسلامی به او معرفی کند.

برای جذب جوانان به مساجد و نماز جماعت و شرکت در سایر برنامه های فرهنگی مساجد شیوه ها و عواملی وجود دارد که به برخی از آن ها اشاره می شود:

الف) مسجد

ب) هیأت امنای مسجد

ج) امام جماعت

د) برنامه های فرهنگی مسجد

ه) خانواده

و) مدرسه

ز) سایر عوامل پیوند دهنده میان مسجد و جوانان

مسجد و ویژگی های آن می تواند عامل جذابی به منظور گرایش نوجوانان و جوانان به آن باشد. این ویژگی ها و خصوصیات عبارتند از:

۱- فضای مناسب و ظاهر خوب آن (احداث و زیباسازی مساجد و نمازخانه ها)

مسئولان ذیربط در عصر کنونی باید در احداث مساجد تا حد زیادی مداخله کنند، انتخاب محل احداث، نقشه ی مورد نظر، امکانات و فضای سبز آن و... باید حساب شده و از روی اصول باشد؛ احداث مسجد در کوچه و پس کوچه ها و با مساحت کم، بدون دیگر امکانات سوت و کور است و رغبتی در دل جوانان و نا آشنایان به مسجد ایجاد نخواهد کرد. مسجد و نمازخانه باید احساسات و خاطره های زیبا و به یاد ماندنی را برای همه به ویژه نوجوانان و جوانان تداعی کند. لذا باید تدابیری اتخاذ شود که نوجوانان و جوانان، مسجد را محل آرامش بخش، زیبا و دوست داشتنی بدانند تا با انگیزه و علاقمندی بیشتر به آن روی آورند. استفاده از ظرفیتهای خاص معماری زیبایی سنتی ایرانی - اسلامی در فضای درونی و بیرونی مساجد با توجه به روحیه زیبایسند جوانان می تواند احساسات و خاطرات خوشایند را در نوجوانان و جوانان زنده کند و این خود عاملی برای جذب جوانان به سوی مسجد می باشد. جوان زیبایی را می پسندد و با توجه به فطرت پاک خود به سوی آن گرایش پیدا می کند. یکی از ضرورت ها، زیبایی مساجد و توجه به روح زیبا شناختی در معماری آن است. این حس زیبا اگر در روح مسجد دیده شود، جوانان از آن استقبال می کنند.

گاهها دیده شده مسجدی که حتی شکل و بنای قدیمی دارد، اما به لحاظ موقعیت جغرافیایی مناسب، مورد استقبال عموم، خصوصاً جوانان قرار گرفته است.

۲- نظافت و پاکیزگی مسجد

تمیزی و پاک بودن از جمله عواملی به شمار می رود که باعث گرویدن جوانان به مسجد و نماز می شود، لذا مسوولان مسجد باید در خصوص غبار روبی،

جذب نوجوانان و جوانان به مسجد باید از مؤذنان، قاریان و مداحان خوش صدا، جذاب و جوان استفاده نمایند. برخی از اذان ها که از صدا و سیما پخش می شود، جذابیت لازم رو داشته و خود انسان را به گوش دادن آن وا می دارد، این امر برکسی پوشیده نیست که در صدر اسلام یکی از ویژگیهای مبلغانی که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) برای شهرهای مختلف اعزام می فرمودند داشتن صوت زیبا بوده است و چه تعداد افرادی که به واسطه صوت زیبای قران جذب اسلام شده و دین اجدادی خود را به همین واسطه کنار گذاشتند. پس مطمئنا این مورد میتواند برای جذب جوانان تأثیر خوبی داشته باشد، موردی که پیامبر اعظم اسلام هم از این روش برای جذب مردم به اسلام استفاده می فرمودند.

۷- استفاده از تخصص های گوناگون

برای رفع مشکلات روزمره ی مساجد و تقلیل هزینه های آن می توان از افرادی که در شغل های گوناگون مهارت دارند، استفاده کرد و در مواقع لزوم از آن ها کمک گرفت. به کارگیری این تخصص ها هم در زمینه ی امور فنی و حرفه ای و اقتصادی و هم در امور فرهنگی و غیر مادی خواهد بود. مسائل و مشکلاتی که در برنامه های فرهنگی، تبلیغی و دینی مساجد وجود دارند و باعث ایجاد فاصله بین جوانان و مسجد می شوند، عبارتند از:

۱- متنوع نبودن برنامه های مساجد و نیز روشهای تبلیغ و ناآشنا بودن گردانندگان آن با شیوه های نوین جذب نوجوانان و جوانان به مسجد و در مقابل متنوع و جذاب بودن برنامه های مراکز و اماکن تفریحی اجتماعی نظیر: باشگاههای ورزشی، کلوب ها، کافی نت ها، ماهواره و ... باید اذعان داشت که برنامه های بعضی از مساجد اغلب یکنواخت، کسالت آور و خسته کننده است.

۲- اعمال روشهای خشک و مستبدانه در بعضی برنامه ها و آموزشهای مذهبی و به کارگیری شیوه های غلط تعلیمی و درخواست اطاعت کورکورانه و بی قید و شرط که موجب بی علاقتی و دلسردی از دین و مراکز دینی به خصوص مساجد در میان نوجوانان و جوانان می شود.

۳- ملحوظ نداشتن شاخصهای مذهبی، فرهنگی، بومی، نژادی، زبانی و نیز عدم به کارگیری اولویت های اصلی در برنامه های فرهنگی-تبلیغی موجب شده است تا تعدادی از برنامه ها و فعالیتهای اجرایی برای نوجوانان و جوانان از نتایج مثبت و مطلوبی برخوردار نباشد.

۴- کمتر مشاهده می شود که در انجام برنامه های مذهبی و اسلامی از وجود اندیشمندان و صاحب نظران بزرگوار استفاده شود. استفاده از اساتید دانشگاهی و حوزوی مطلع، موجب اقبال نوجوانان و جوانان به مساجد خواهد شد.

۵- حاکم بودن افکار عام نگر، همراه با اجرای برنامه های عامه پسند و سنتی که اینگونه برنامه ها بیشتر مورد پسند بزرگسالان و سالخوردگان است.

۶- طولانی شدن برنامه های اجرایی مساجد، به ویژه سخنرانی و خطابه و عاظ، ائمه جماعات و مبلغین و نیز اقامه نماز و اجرای مراسم دعا و زیارت.

۷- خلاء برنامه ریزی منسجم، مرتب و منعطف در مساجد موجب شده است تا اغلب مساجد ما دچار برنامه های یکنواخت و کسل کننده شوند.

۸- حاکم نبودن روحیه جوان گرایی و تفکر جوانی و در نظر نگرفتن سلاقی و نظرات جوانان، در برنامه ریزی فعالیت ها توسط مدیریت مساجد.

۹- منطبق نبودن برنامه های مساجد با نیازهای فکری و فرهنگی جوانان و متناسب نبودن با شرایط زمان و مسائل مبتلا به روز جامعه.

۱۰- فقدان تجهیزات، لوازم و ابزار مناسب نرم افزاری مدرن و روز در مساجد (رایانه، وسایل آموزشی و کمک آموزشی و ...)

۱۱- نبود برنامه های زمان بندی شده و تعریف شده کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت در مساجد.

نظافت منظم روزانه یا هفتگی، شستن فرش ها و عطر افشانی اقدام کنند. نظافت دستشویی، ایجاد امکانات بهداشتی نظیر صابون، مایع ضد عفونی کننده، آب گرم در زمستان ها و شستشوی مرتب و منظم محیط دستشویی ها و به کار بردن خوشبو کننده های مناسب از ضروریات مساجد است. یکی از عوامل گریز جوانان و نوجوانان از محیط های نماز، بوی بدی است که به مرور زمان فرشها و موکتهای محل نماز، به خود میگیرد است، که این امر به ظاهر ساده، اما مهم برای جوانان، باعث دوری جوانان از این محیط ها میگردد. استفاده از پاشویه و یا ایجاد فرهنگ شستن پا، قبل از ورود به مسجد در کنار شستن منظم فرشهای محل نماز، میتواند به از بین بردن این مانع کمک کند.

۳- وسایل صوتی، گرما زا و سرما زا

مسائل ناخوشایندی مثل نامناسب بودن صدای بلند گویا، سرد یا گرم بودن بیش از حد مسجد، تنظیم نامناسب نور در مسجد و دیگر عواملی از این قبیل، باعث ایجاد سابقه ی ذهنی منفی در اذهان افرادی که به مسجد می روند، شده و موجبات نارضایتی و گریز جوانان از مسجد است. رفع این مشکل مدیریت مدبرانه هیأت امنای مسجد و افراد اداره کننده امورات و مناسبتهای مسجد را می طلبد. در واقع با یک برنامه ریزی منظم در روشن و خاموش کردن وسایل گرما زا و سرما زا میتوان اثرات مخرب این دستگا ها، در دوری جوانان از مسجد را کاهش داد.

این باور باید در مدیران مساجد ایجاد شود، که تهیه وسایل امروزی و کارآمد، حتی با هزینه زیاد، امری لازم و ضروری است. نماز خواندن و یا انجام فعالیتهای دیگر مساجد، با لرزیدن از سرما و یا عرق ریختن از گرما به شکل صحیحی انجام نمی شود و میتواند باعث دوری نوجوانان و جوانان که تحمل کمتری نسبت به این موضوعات دارند بشود.

ضمن اینکه ما شاهد هستیم در مساجدی که در مناطق سنی نشین احداث می شود، که غالباً در مناطق گرمسیر می باشد، برای جذب جوانان به مساجد خود، از بهترین وسایل خنک کننده استفاده میکنند، به گونه ای که جوان در خانه خود از چنین سیستم خنک کننده ای برخوردار نیست و این در مناطقی که گرمای شدید و آزار دهنده دارد، میتواند عامل جذب جوانان و نوجوانان به مساجد شود.

۴- تصمیم گیری متمرکز

مؤمنان و نمازگزاران و مسوولان مربوط می توانند به منظور تنظیم برنامه ها در امور مساجد و جلوگیری از پراکندگی و تعدد تصمیم گیری ها، با انتخاب تعدادی از افراد جوان و متعهد و حتی المقدمور متخصص، همچنین ریش سفیدان با نظرات امام جماعت در قالب هیأت امناء، امور مساجد را با صلابت و برنامه ریزی منسجم اداره کنند. جوانان و نوجوانان به دلیل اشتغال به تحصیل در مدرسه که خود از نظم و قانون خاصی تبعیت میکنند، به این امر (نظم) عادت و دقت لازم را دارند، به همین دلیل، به هم ریختگی برنامه ها و نا منظم بودن آنها میتواند انگیزه جوان را از آمدن به مسجد کم کند.

۵- ایجاد امکانات فرهنگی ورزشی

مسوولان و گردانندگان مساجد می توانند با تهیه و تخصیص امکانات فرهنگی از قبیل: کتابخانه، کامپیوتر، سالن مطالعه، تشکیل گروه های تواشیح، سرود، همخوانی قرآن و تشکیل جلسات آموزش قرآن در دوره های گوناگون، کلاس های تقویتی رایگان و کلاس های آموزشی دیگر، باعث جذب جوانان به مساجد شوند. جوانان سرشار از نیازهای متنوع و مختلف هستند و علاقه و کشش آنها به مکانهای مختلف به سبب میزان برآورده شدن این نیازها در آن مکان خاص می باشد، با یک برنامه ریزی دقیق و کمک از خود جوانان و نوجوانان برای کشف این نیازها، میتوان با احتساب امکانات مسجد در رفع آن نیازها کوشش لازم صورت داد که این میتواند یکی از بهترین راه های جذب جوانان به مسجد باشد. یکی از مساجد شلوغ و مملو از جوانان، مسجدی بود که بهترین و بزرگترین باشگاه کاراته محله با بهترین اساتید در زیر زمین آن مسجد تشکیل میشد.

۶- استفاده از افراد خوش صدا

استفاده از قاریان قرآن و مؤذن های مسن و افراد بد صدا در بعضی از اوقات در مساجد باعث دفع جوانان از مساجد می شود. مسوولان مسجد در جهت

تنوع فعالیت های مسجدی در جهت تعلیم، ایمان و تقوای مذهبی

دکتر محمد جهانفر
استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



مقدمه:



معمولا آموزش متنوع و دلنشین مذهبی بسیار اثرگذار است که موجب بروز ایمان هم می گردد و استمرار و به کارگیری ایمان زمینه ساز تقوا و پرهیزکاری می گردد. تنوع و بهره گیری از انواع فعالیت های مذهبی خود از رموز روانشناسی اجتماعی است. که در تبلیغ و رساندن هرچه بیشتر محتوای مذهبی جامعه اثرگذار است. به عبارت دیگر نوآوری و تنوع از جمله عوامل سازنده برای تفهیم مطالب (Confirmation) در جهت تعظیم شعائر اسلامی است که قلب مؤمنین را به پرهیزکاری سوق می دهد این تنوع برای خدمت رسانی در ادیان مختلف بودایی، هندو، کلیسایان و خاصه در مسیحیت تا حدی ضمانت اجرایی یافته است که با آمارگیری از فقرا و تامین نسبی آنان به تقلیل آسیب های اجتماعی آنان کمک می کرده است و به نوبه خود انگیزه ای برای ورود افراد به معابد ادیان مختلف ایجاد کرده است. ولی مقررات حضور عبادی با فاصله هفتگی یا ماهانه در بین مذاهب مزبور آنچنان کارگشای مذهبی اجتماعی نبوده است. در حالی که در اسلام انجام فریضه نماز جماعت مکرر روزانه (روزانه ۵ نوبت نماز که هر هفته ۳۵ نوبت نماز برگزار می شده و با تنوع ۲ تا ۴ رکعتی) و ملاقات های جمعی مکرر مسلمانان در مساجد خود زمینه ساز ارتباط جمعی منسجم برای حضار می گردیده است که تبعات احوال پرسی و رفع مشکلات احتمالی مردم جامعه اسلامی به شکل مناسب تری نوید بخش ساماندهی و رفع مشکلات اجتماعی مردم می گردیده است.

لزوم انسجام اجتماعی:

از جمله مطالب جامعه شناسی اسلامی انسجام اجتماعی است. منظور ما از انسجام، هماهنگی و یکپارچگی در امور اجتماعی است. اگر پیامبر اکرم (ص) قبل از بعثت خود الگوی امانتداری اجتماع خود شده، بهترین گزینه خدیجه کبری (س) برای تجارت گردید که بعد ها ثروتش برای ترویج اسلام نقش آفرین شده است. اگر پیامبر (ص) پس از نماز جماعت پاسخگوی مشکلات زندگی اجتماعی

مردم بوده است. اگر از کلیمی بیمار شده ای که قبلا به سر حضرتش خاکستر می ریخت عیادت می کرد. اگر در انبار خیراتی خرما حاضر شده و می فرمود: چنانچه مالک انبار خرما در هنگام حیات خود حتی چند پوسته خرما باقیمانده را به دست خود خیرات می داد در نزد خداوند تقرب بیشتری میافت. اگر با کسبه بازار انس گرفته و می فرمود: از ربا احتراز کنید، با تولید اقتصادی و کسب و کار مشروع به در آمد خود بیافزاید تا خمس مال شما نیز برای افراد بی بضاعت پربرت شود. اگر عهد و امانت در معاشرت را دائما توصیه می کرد و بلاخره ده ها اگر دیگر... همگی دال بر لزوم انسجام اجتماعی بوده است که سخت مورد تاکید قرآن کریم است. گویی که انسجام اجتماعی لازمه امور آموزش و پرورش اجتماعی مسلمانان هم بوده است. در روزگار معلمی هر هفته یکبار پس از اتمام دروس نظری با هماهنگی قبلی (با ورزشگاه ها، شرکت های تولیدی، فناوری های علمی، تعاونی ها و بلاخره مسجد محلی) دانش آموختگان را با خواندن سرود ملی (ای ایران، ای مرز پرگهر ...) راهی میدان فوتبال می کرده و پس از اتمام سرگرمی ورزشی، در شرکت های انتخابی به نحوه تولید محصولات و بهره گیری از فناوری های تولیدی آشنا می کردیم و یا به نحوه کار و نتایج فعالیت های تعاونی ها آشنا می ساختیم ولی در هنگام ظهر حضور و مشارکت در نماز جماعت مسجد محلی به همراه مختصر پذیرایی برای آنان مغتنم بود همگی به دلیل لزوم انسجام اجتماعی بود. به عبارت دیگر تمامی نهاد های آموزشی و فرهنگی مذهبی، اقتصادی و اجتماعی زمینه پرورش افراد را به شکل یکپارچه و منسجم فراهم می کرده و به نوعی یک انسجام اجتماعی را فراهم می کردند. گویی که نه تنها در صدر اسلام انسجام اسلامی موجبات اجتماعی شدن افراد را فراهم می کرده است بلکه در نظام جمهوری اسلامی تمامی نهاد های اجتماعی به شکل منسجم با دیگر نهاد ها مرتبط و فعالیت یکدیگر را شکوفا می کرده اند. اگر ده ها نهاد اجتماعی به صورت خود محوری که فقط به وظایف خود اکتفا می کنند عمل کنند قطعاً مدیریت اجتماعی کشور را دچار اختلال می کنند به این ترتیب امور عبادی و مسجدی نیز به نوعی به انسجام اجتماعی جامعه ایران کمک خواهد کرد.



تنوع و جاذبه های اجتماعی:

بر اساس تحقیق دانشگاهی تهران (۱۳۸۱ به بعد) برای جلب مشارکت گروه های مردمی و خاصه جوانان به مساجد عوامل متعددی از فردی و شخصی گرفته تا عوامل مدیریت روحانی گرامی در مساجد بسیار موثر بوده است. آن مسجدی جاذبه بیشتری یافته که مثل یک نهاد اجتماعی چند منظوره و نسبتا فعال باشد. یعنی به موازات انجام فریضه مرتب نماز جماعت هدف های متعدد و متنوع اجتماعی را برنامه ریزی می کرده است که از جمله آنها: هدف گیری الگوهای فرهنگی مساجد، ترویج ارزش ها و هنجار های دینی در بین جوانان، رفع نیاز های جاری (وام دهی، درمان خیریه، ایجاد سالن های مختلف برای برنامه های ارشادی و اجتماعی، فرهنگسازی برای جوانان) با تجهیزاتی از قبیل مقررات کتابخانه ای بسیار موثر بوده است.

به این ترتیب علاوه بر برگزاری منظم نماز جماعت که درست در وقت نماز (و به دلایل متعدد بدون جماعت خوانی مقبول نخواهد بود) به موجب تحقیق مزبور در حین برگزاری نماز جماعت تنوع صوتی (که در نماز ظهر و عصر با صوت کوتاه و شبانگاه با صوت بلند و دلنشین خوانده می شود) اثر روانی مطلوبی بر نمازگزاران می گذارد. تنوع در مدیریت و رهبری مقبول بر انواع خدمات اجتماعی مسجدی که برای جذب جوانان به مساجد کاملا اثر بخش باشد از جمله پیشنهادات تحقیقی مزبور بوده است (دکتر به پژوه، دکتر جهانفر (مهمترین پیشنهاد تحقیقی دانشگاه تهران، الگو شدن امام جماعت مسجد با مدیریت توانمند از حیث تجلی بخشیدن به نماز جماعت، توانمندی و مدیریت خدمات اجتماعی و بالاخره تقوای مبتنی بر دانش مذهبی امام جماعت بوده است. ارزش و اعتبار این نماز جماعت در حدی است که باید یادآور شویم اولین نماز اسلامی به شکل جماعت (پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع) و خدیجه کبری(س)) برگزار شده است که امروزه در بین اعضای خانواده های مذهبی متداول است بدین معنی که نماز فرادا فقط در شرایط خاص جدایی مسلمانان متداول است. تو گویی که نماز به شکل جماعت اعتبار ویژه ای داشته است به خصوص که واژه های مربوط به سوره حمد معنی جمعی دارد (ایپاک نعبد و

ایپاک نستعین) در قنوت و ادعیه هم واژه ها جمعی است (ربنا، آتنا، و قنا) (لا تُؤاخذنا إن نسينا و...) احتمالا به همین دلیل است که مقام رهبری به نهاد امور مساجد کشور توصیه کرده اند با دقتی که در انتخاب امام جماعت موجه برای مساجد معمول می دارند، لازم است محور تمام فعالیت های مسجد حتما امام جماعت باشد. برای نمونه نحوه مدیریت امام جماعت مسجد جامع (شهرک قدس) می تواند به شکلی مصداق و الگوی کارگشای مذهبی اجتماعی مردم ما باشد (خاصه وقتی اتاق فکر مسجدی هم به ایشان کمک نمایند). ذیلا به چند نمونه از فعالیت های متنوع مسجد جامع شهرک غرب اشاره می گردد:

نمونه هایی از تنوع فعالیت های مسجدی:

۱. تشکیل جلسات هفتگی تجوید قرآن و قرائت ۲ صفحه ای قرآن با توجه به معنا در بین نماز مغرب و عشاء
۲. تشکیل کتابخانه مجهز به منظور جذب جوانان و ارتقاء فرهنگی
۳. برگزاری کلاس های رسمی علمی و مذهبی در جهت پرورش روحانیون در حوزه علمیه با طبقه بندی های علمی و مذهبی موثر
۴. ایجاد امکانات الکترونیکی جدید همچون رایانه، اینترنت و شبکه های اجتماعی در جهت تجهیز حوزه علمیه مسجد شهرک و ترسیم خطوطی در جهت شبکه های مفید فرهنگی و مذهبی برای جوانانی که در معرض هجومه های فرهنگی هستند. (از قبیل سایت اطلاعاتی مسجد جامع شهرک قدس)
۵. برگزاری اردوهای مرکب از نوجوانان مسجدی برای بازدیدهای فرهنگی و مذهبی که موجب علاقمندی جوانان به مسجد می گردد
۶. برگزاری دعای ندبه و تفسیر قرآن به همت امام جماعت گرامی (آیت الله هاشمی تبریزی)
۷. برگزاری مراسم دلنشین دعای کمیل در شبهای جمعه
۸. نامگذاری اطفال که معمولا بین دو نماز جماعت برای تیرک بیشتر اطفال صورت می گیرد.

و جالب توجه امام جماعت عزیز انجام می شده است.

۲۱. یک تنوع دلنشین در ایام آخر ماه صفر و نیز جمادی الاول و ثانی که ایام سوگواری شهادت زهراى اطهر (س) با برگزاری جلسات مذهبی منظمی که در منزل شخصی و حسینیه مجهز امام جماعت شهرک به همراه پذیرایی لازم صورت می گرفته است. که خود به نوعی تنوع و نوآوری تلقی می گردد.

۲۲. تنوع مذهبی دیگر چند روز اعتکاف به درگاه ایزد متعال است به همراه پذیرایی لازم که خود درسی متنوع برای تقرب بیشتر به درگاه باری تعالی بوده است.

۲۳. تنوع دیگر در برگزاری جشن های مکرر مذهبی و دلنشین برای اعیاد غدیر خم، مبعث رسول اکرم، ولادت ائمه اطهار در ماه های مختلف سال خاصه در ماه رجب و چند جشن جالبی که برای ولادت حضرت ابالفضل و حضرت حسین (ع) و زین العابدین (ع) در ماه شعبان و حتی ایام جشن مربوط به زهراى اطهر (س)، زینب کبری (س) و یا فاطمه معصومه (س) نسبتاً مجلل و به همراه نوعی پذیرایی برگزار می شده است. بخصوص در روز غدیر خم که بزرگترین عید مذهبی است؛ ما شیعیان همگی در گوش عزیزان زمزمه می کنیم، شادی خاصی نیز احساس می کنیم این جمله است: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْأَئِمَّةِ الْمُعْصَمِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.** ناگفته نماند که بر خلاف تصور بعضی دین اسلام یک دین زندگی است و نه دین عزاداری به خصوص که احتمالاً اثر تحول آفرین جشن اعیاد نسبتاً عمیق و روح انگیز و دلپذیر است.

۲۴. ایجاد و تکمیل بنای مجاور مسجد با هدف کسب درآمد در جهت تامین هزینه ها و برنامه های متعدد مسجدی اقدامی سازنده برای ابقای فعالیت های مسجدی و جشنهای پر بهاء مذهبی است.

۲۵. پیش اندیشی های ابتکاری امام جماعت گرامی برای تنظیم برنامه ی جلسات ترحیم و بهره گیری مردم از سالن های مسجد به همراه تشویق متولیان مجالس در جهت جایگزینی تابلو یا تاج گل مصنوعی بهره گیری از تاج گل هایی که به کرات در مسجد استفاده شود. احتمالاً درآمد حاصله از تاج گل های مصنوعی مسجدی می تواند زمینه ساز تامین امور خیریه همچون تامین جهیزیه و ازدواج جوانان بی بضاعت قرار گیرد و ممکن است این قبیل درآمد های مسجدی پاسخگوی تقلیل بعضی از آسیب های اجتماعی و رفع نیاز هایی به شکل سازمان یافته قرار گیرد و با هدف های متعالی به همراه قصد و اراده سنجیده در حوزه مسجدی هزینه گردد تا واژه اقتصاد مسجدی به همراه کسب درآمد و مساعدت به افراد بی بضاعت تحقق یابد.

در نتیجه

باید گفت مسجد به عنوان کانون عظیم فرهنگی با ابزار جلب محبت مردمی، می تواند با مناسب ترین روشهایی که مهر اسلام و خلق عظیم پیامبر گونه را تسری دهد، وظایف سنگین ارشادی و تعاونی عمده ای را به عهده گیرد. به امید آنکه تمامی مساجد ما نقش عظیم فرهنگی خود را تحقق بخشند و با برنامه های سنجیده اقتصادی و اجتماعی الگویی برای تمامی موسسات فرهنگی کشور باشند. به نحوی که انسجام مسجدی مکمل انسجام اجتماعی و مدیریت شایسته در جمهوری اسلامی ایران باشد.

۹. برگزاری مراسم جشن تکلیف دختران و پسران مسجدی با برنامه ای منظم

۱۰. برنامه ریزی برای هماهنگ کردن مدیران مدارس در جهت هدایت دانش آموزان اطراف مسجد که در نوبت های هفتگی برای حضور در نماز جماعت ظهر و عصر (به همراه پذیرایی لازم) که تجلی خاطری برای همگان ایجاد می کند.

۱۱. تنظیف و تکمیل مرتب فضای نماز جماعت که چشم انداز نمازگزاران را مطلوب تر می سازد.

۱۲. بیان ظرافت های نماز پیامبر اکرم (ص) در فرصت های مناسب یا آثار معنوی نماز و آثار ارزشمند نماز که سبب دوری از فحشا و منکر شده و بخصوص تشویق نوجوانان مسجدی را به همراه دارد.

۱۳. روی خوش امام جماعت به همراه تبسم دائمی که برای نمازگزاران تنوع دلنشینی را به دنبال داشته و ظهور ایمان و تقوای مذهبی را فراهم کرده است. در اینگونه جماعات نمازگزارانی که روی خوش امام جماعت را می بیند زیبا ترین سپاس از خداوندی که در برابر نعمت های نماز جماعت به ما عطا کرده است احساس می کند.

۱۴. برگزاری نماز جماعت اندیشیده مسجدی با در نظر گرفتن حوصله و وقت نمازگزاران پیر و جوان، انتخاب دعای متناسب بعد از هر نماز و دلنشین کردن نماز جماعت این مسجد منطبق با نتایج تحقیقی دانشگاه تهران بوده است.

۱۵. یادآوری روز جهانی مسجد (۳۱ مرداد و آتش زدن مسجد الاقصی ۱۹۶۹ میلادی توسط اشغالگران قدس) به لزوم حرمت این مسجد نیز اشاره ای داشته است.

۱۶. تقدیر امام جماعت گرامی از نمازگزاران فعال (شفاهی و کتبی) و یا خادمان امور رفاهی و خدمات مسجدی در روز جهانی مسجد از جمله برنامه های موثر این مسجد است.

۱۷. تجلیل با لوح تقدیر از نحوه مدیریت ارزشمند امام جماعت توسط هیئت امناء انتخابی مسجد تدارک دیده می شود که همگان را خشنود می ساخته است. نهاد امور مساجد نیز می تواند تجلیل از امام جماعت گرامی را عهده دار شود.

۱۸. حضور نماینده مسجد به عنوان نظارت محوری مسجد بر امور شهرک، فعال سازی بسیج مسجدی، امور تعاونی های مصرف، فرهنگسرای محلی، امور نشر مذهبی محلی و ایجاد واحد های آموزشی و فرهنگی زنانه و مردانه نسبتاً چشمگیر و مفید واقع می گردیده است.

۱۹. در جهت تعظیم شعائر اسلامی این مسجد جامع به تنظیم برنامه های متعددی همت گمارده اند، تنوع لازم نیز ایجاد گردیده است و بعضاً سخنرانی های مذهبی علمی نسبتاً دلنشین بوده است و خود الگویی مناسب برای مساجد دیگر می تواند باشد.

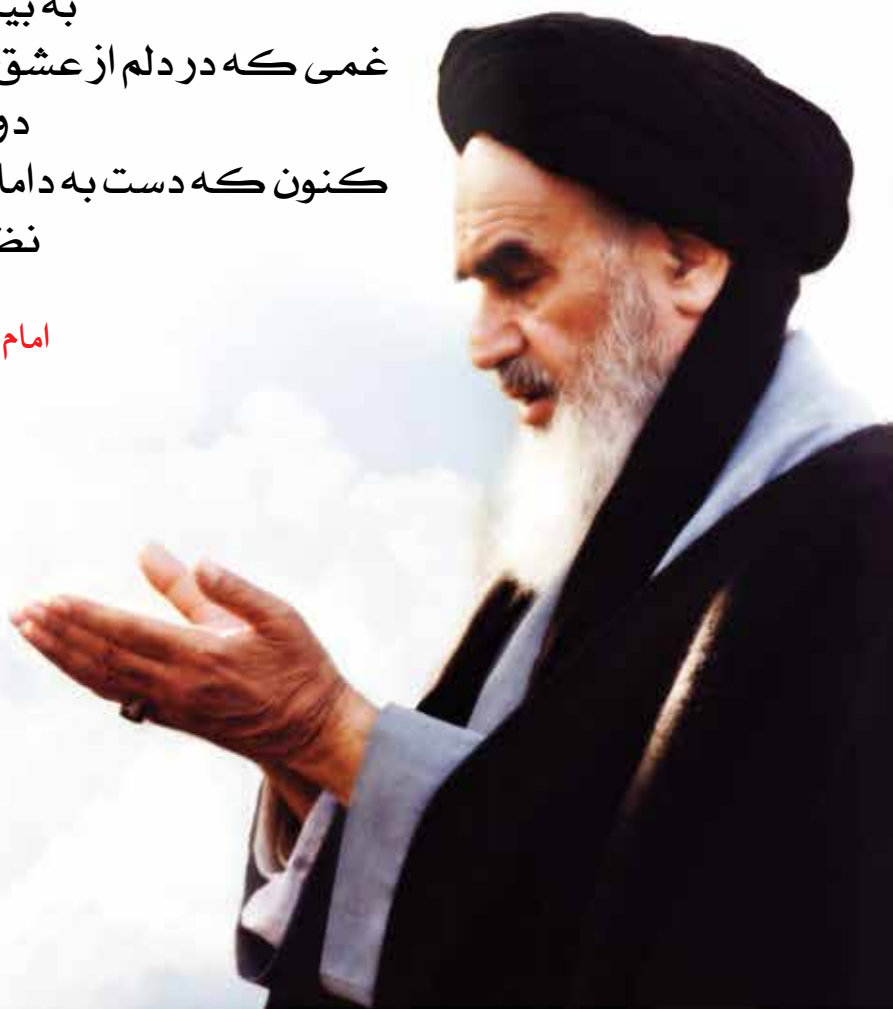
۲۰. با توجه به تقویم زمانی برنامه ای برای جشن ها و عزاداری ها در ماه های محرم، صفر، رجب، شعبان و سخنان ناب و سنجیده امام جماعت گرامی در ماه رمضان به همراه پیش اندیشی های ارزشمند و جلب مشارکت علاقمندان به اهداء نذورات، تنوع برای دعوت سخنرانها، مداحان و نیز پذیرایی داخلی و نذورات خارج مسجد همگی با مدیریت متنوع نسبتاً منظم




قبله‌ی عشق

بهار شد، در میخانه باز باید کرد
به سوی قبله‌ی عاشق، نماز باید کرد
نسیم قدس به عشاق باغ، مژده دهد
که دل زهر دو جهان، بی‌نیاز باید کرد
کنون که دست به دامان سرو می‌نرسد
به بید عاشق مجنون، نیاز باید کرد
غمی که در دلم از عشق گُل‌عداران است
دوا به جام می‌چاره ساز باید کرد
کنون که دست به دامان بوستان نرسد
نظر به سرو قدی سرفراز باید کرد

امام خمینی (ره)



پیرامون نوروز

تحریریه نشریه 

یافت. یکی از کهن‌ترین و بزرگ‌ترین منابعی که به جشن و افسانه‌ها و آیین‌های مربوطه پرداخته است، کتاب «آثار الباقیه» اثر ابوریحان بیرونی (متوفی ۴۴۰ هجری قمری) است. او می‌نویسد: سال نزد فارسیان چهار فصل بود ... بر حسب این فصول عیدهایی داشتند که به اهمال در کیسه روز این عیدها جابه‌جا می‌شد. از جمله این اعیاد یکی روز اول فروردین ماه یعنی نوروز بود. که روز بس بزرگ است که به علت زنده شدن طبیعت گویند. آغاز خلقت جهان در آن روز بوده است. چنین به نظر می‌رسد که پنج روز نخستین سال «نوروز عامه» یعنی جشن همگانی بود. حال آنکه روز ششم که «خرداد روز» نام داشت، «نوروز خاصه» یعنی جشن پادشاهان و بزرگان بوده است.

احترام نوروز در اسلام هر چند که به مذهب شیعه منحصر نیست، اما چنان در میان شیعیان فراگیر است که حتی روایاتی از امامان شیعه در بزرگداشت نوروز نقل شده است. برای مثال علامه مجلسی در «السماءوالعالم» از امام صادق علیه‌السلام حدیثی را بدین مضمون نقل می‌کند: در آغاز فروردین، آدم آفریده شد و آن روز فرخنده‌ای است برای طلب حاجت‌ها و برآورده شدن آرزوها و دیدار پادشاهان و کسب دانش و زناشویی و مسافرت و داد و ستد. در آن روز خجسته بیماران بهبودی می‌یابند و نوزادان به آسانی زاده می‌شوند و روزی‌ها فراوان می‌گردد. «مجلسی همچنین حدیث دیگری را درباره نوروز نقل می‌کند که منتسب به امام کاظم علیه‌السلام است و آن این است که «این روز بسیار کهن است. در نوروز خداوند از بندگان پیمان گرفت تا او را پرستش کنند و برای او شریک قائل نشوند و به آیین فرستادگان‌شان درآیند و دستورشان را بپذیرند و آن را اجرا نمایند و آن نخستین روزی است که آفتاب بدمید و بادهای بار دهنده بوزید و گل‌های روی زمین پدید آمد و هم جبرئیل بر پیامبر نازل شد و نیز روزی است که ابراهیم بت‌ها را شکست و هم پیامبر علی را بر دوش خود گرفت تا بت‌های قریش را از خانه کعبه بینداخت.

علاوه بر عدم مخالفت اسلام با آیین نوروز و از آن فراتر تأیید این مذهب بر نوروزگان، تداوم گرامیداشت نوروز در دوره اسلامی را می‌توان به علاقه شدید ایرانیان برای حفظ موارث باستانی خود نیز نسبت داد.

«برتولد اشیولر» ایران‌شناس بزرگ آلمانی در این باره می‌گوید: از جشن‌های قدیمی ایرانی، بیش از همه جشن سال نو (نوروز؛ شکل عربی آن نیروز) و نیز در پایان تابستان جشن پاییز (مهرگان) طبیعتاً بر اساس تقویم قدیمی برگزار می‌شد. البته مسلمانان، به‌ویژه در زمان عمر دوم (عمر بن عبدالعزیز) کوشش کردند تا این اعیاد را ملغی کنند و کسانی را که در این مواقع به طور کلی هدایای متداولی برای مقامات بالاتر می‌فرستادند، تحت فشار قرار دادند.

اما این رسم چنان عمیق با اندیشه و احساس مردم ایران وابسته بود که به زودی پیروزمندان برای خود جایی باز کرد و با اوج گرفتن کار عباسیان، اما به‌ویژه در زمان آل‌بویه کاملاً در همه جا متداول شد و حتی در بین‌النهرین (درست در بغداد و حتی در بصره) رسمی همه‌گیر شد. در سوریه، مصر و شمال آفریقا نیز این جشن در برخی از زمان‌ها به طور نامنظم برگزار می‌شد.

نوروز واژه‌ای است مرکب از دو جزء که روی هم به معنای روز نوین است و بر نخستین روز از نخستین ماه سال خورشیدی آن گاه که آفتاب به برج حمل انتقال می‌یابد گذارده می‌شود. و اصل پهلوی این واژه نوک روچ یا نوک روز بوده است. بیرونی در تعریف نوروز نقل می‌کند: نخستین روز است از فروردین ماه و از این جهت روز نو نام کردند، زیرا که پیشانی سال نو است و آنچه از پس اوست از این پنج روز همه جشن‌هاست.

مورخین و محققان درباره جایگاه نوروز با هم اختلاف دارند. به نظر می‌رسد آریائی‌ها از مهاجرت به فلات ایران و هم مرز شدن با تمدن میان‌رودان سال را به دو قسمت تقسیم می‌کردند که هر یک با انقلابی شروع می‌شد و دو جشن نوروز و مهرگان سرآغاز این دو انقلاب بودند. یعنی هنگام انقلاب تابستانی جشن نوروز گرفته می‌شد و زمان انقلاب زمستانی جشن مهرگان پاس داشته می‌شد.

برخی معتقدند که جشن نوروز و مهرگان جشنی بوده است که در ایران قبل از ورود آریائی‌ها وجود داشته است و اقوام قبل از آریائی‌ها که در فلات ایران ساکن بوده‌اند به آن عمل می‌کرده‌اند.


«نوروز» را ایرانیان گرامی می‌دارند و آیینی است کهن که گرچه طی هزاران سال دگرگون یافته، اما هرگز از میان نرفته و از سوی اقوام و مذاهب مختلفی که در سرزمین ایران حضور پیدا کرده‌اند، مهر تأیید خورده است. بدین سان امروزه نوروز از نمادهای بزرگ و وحدت بخش ملت ایران با همه تکرهای قومی، مذهبی، فرهنگی و زبانی است.

آیین‌ها و رسم‌های مردم فرآیند الزامات و نیازهای درهم تنیده مادی و معنوی، در پیوند جغرافیایی و شیوه‌های تولید و ساختارهای اقتصادی دوره‌ای مختلف‌اند که برحسب ضرورت پیوسته در حال تغییرند و به مقوله‌هایی که در ژرفا معنا دارند پاسخ می‌دهند.

ظهور اسلام و برخورد مسالمت آمیز آن با سایر ادیان و آیین‌ها از جمله اعتقادات مذهبی و ملی ایرانیان موجب شد که مراسم و آداب مربوطه، به یکباره از جامعه اسلامی ایران رخت بر نیندند، فقط با مسلمان شدن تدریجی ایرانیان از وسعت آنها کاسته شد و اندک اندک همراه اعتقادات دینی اسلام، اسطوره‌ها و داستان‌های عربی نیز در میان توده مردم نفوذ کرد. طی گذشت ایام، زمانی که برخی از سنت‌ها و آداب در تضاد آشکار با اعتقادات و رسوم گذشته قرار می‌گرفت ایرانیان می‌کوشیدند سنت کهن ملی را در قالب شخصیت‌های اسلامی باز یابند و به عبارت روشن‌تر سنت‌های ملی ایرانی را با سنت‌های اسلامی در آمیختند. در نتیجه از میان انبوه جشن‌های ایرانی قبل از اسلام آنچه میان ایرانیان مسلمان باقی ماند منحصر به عید نوروز، جشن سده و جشن‌های کوچک‌تری مانند جشن گل سرخ که در اصفهان مرسوم بوده است. از میان جشن‌های یاد شده بزرگ‌ترین اعیاد ملی ایرانیان جشن نوروز است.

نوروز تنها جشنی است که از دوران باستان با عظمت تمام و همراه با انبوهی افسانه و آیین تا به امروز ادامه یافته است. عظمت نوروز را از نقش‌های تخت جمشید گرفته تا آثار ادبی و هنری گوناگون عربی و فارسی در همه جا می‌توان

اسلام و نوروز

تحریریه نشریه 

قریش را از کعبه به زیر افکند و خرد کرد، چنان که ابراهیم نیز چنین کرد. همان روزی است که پیامبر (ص) به یاران خود فرمود تا با علی (ص) به عنوان امیرالمومنین بیعت کنند. همان روزی است که قائم آل محمد (ص) و اولیای امر در آن ظهور کنند. همان روزی است که قائم بر دجال پیروز شود و او را بر دار می کشد و هیچ روز نوروزی نیست که ما در آن منتظر گشایش و فرجی نباشیم، زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست.

بزرگداشت نوروز تا به امروز ادامه داشته و سفره هفت سین بدون قرآن مجید و تحویل سال بدون دعای «یا محول الحول و الاحوال» ممکن نیست.

مدت برگزاری جشن هایی چون مهرگان، یلدا، سده و بسیاری دیگر معمولاً یک روز یا یک شب بیشتر نیست، ولی جشن نوروز که درباره اش جشن ها و آیین های نوروزی گویاتر است، چرا که دستکم یک تا دو هفته ادامه دارد. ابوریحان بیرونی درباره مدت برگزاری جشن نوروز می نویسد: چون جم درگذشت پادشاهان همه روزهای این ماه را عید گرفتند. عیدها را شش بخش نمودند: پنج روز نخست را به پادشاهان اختصاص دادند، پنج روز دوم را به اشراف، پنج روز سوم را به خادمان و کارکنان پادشاهی، پنج روز چهارم را به ندیمان و درباریان، پنج روز پنجم را به توده مردم و پنجه ششم ره به برزگران. (آثار الباقیه)

فروردین ماه که نخستین روز آن نوروز است نخستین روز سال است و نام پارسی آن بیان کننده این معنی است و این روز با داخل شدن خورشید به برج سرطان برابر زیجهای آن، هنگامی که سال را کیسه می کردند برابر بود. سپس در روزهای بهار این روز پس از افتادن از جای خود سرگردان شد و در جایی قرار گرفت که سال همه این احوال را از فروریختن باران و برآمدن شکوفه ها و برگ درآوردن درختان تا هنگام رسیدن میوه ها بپیماید.

این بود که نوروز را انگیزه پیدایش و آفرینش جهان دانستند و گفتند در این روز بود که خداوند چرخ گردون (سپهر) را پس از آنکه مدتی بی جنبش بود به گردش درآورد. ستارگان را پس از چندی ایستادند و خورشید را آفرید.

نوروز به عنوان یک جشن و عید باستانی تاریخی طولانی دارد و مورد تایید اسلام هم می باشد، چرا که ابعاد مثبت آن زیاد است و اساس آن توجه به خلقت و زایش جهان است.

نوروز بیشتر به عنوان یک سنت باستانی ایرانی شناخته می شود، اما در اسلام هم مورد تایید قرار گرفته و روایت های زیادی در این باره وجود دارد که به یک مورد آن اشاره می کنیم.

در کتاب آثارالباقیه آمده که عبدالصمد بن علی روایت می کند: در نوروز جامی سیمین که پر از حلوا بود برای پیامبر هدیه آوردند و آن حضرت پرسید که این چیست؟


گفتند امروز روز نوروز است. پرسید که نوروز چیست؟ گفتند عید بزرگ ایرانیان است. فرمود در این روز بود که خدا عسکره را زنده کرد. پرسیدند عسکره چیست؟ فرمود عسکره مردمی بودند که از ترس مرگ ترک دیار کرده و سر به بیابان نهادند و خداوند به آنان گفت بمیرید و مردند.

سپس آنان را زنده کرد و ابرها را امر فرمود که به آنان ببارد، از این روست که پاشیدن آب در این روز رسم شده است. سپس از آن حلوا تناول کرد و جام را میان اصحاب خود قسمت کرده و گفت کاش هر روزی بر ما نوروز بود. در جلد چهاردهم بحارالانوار آمده که معلی بن خنیس روایت می کند: روز نوروز به خدمت جعفر بن محمد صادق (ع) درآمدم گفت آیا این روز را می شناسی؟ گفتم فدای تو گردم این نوروز روزی است که ایرانیان آن را بزرگ می دارند و به یکدیگر هدیه می دهند. پس حضرت صادق (ع) گفت سوگند به خداوند که این بزرگداشت نوروز به علت امری کهن است که برایت بازگو می کنم تا آن را دریابی.

پس فرمود ای معلی! روز نوروز، روزی است که خداوند از بندگان پیمان گرفت که او را بپرستند و برای او شریک نگیرند و به پیامبران و راهنمایان او بگروند و به پیشوایان دین ایمان بیاورند. همان روزی است که آفتاب در آن طلوع کرد و بادهای وزیدن گرفت و زمین در آن شکوفا و درخشان شد. همان روزی است که پیامبر خدا (ص) امیرالمومنین علی (ع) را بر دوش خود گرفت تا بت های

رُزُق حلال

روزی حلال

حجت الاسلام مجید آقا بابا 

مقدمه

امر معاش و کسب زندگی از انگیزه های مهم انسان برای تلاش و کوشش در طول تاریخ بوده که موجب رقابت مثبت و منفی بوده بین انسانها گردیده است، آیا بین تلاش و کسب روزی او نسبت مستقیم دارد، اختیار انسان تا چه حد در آن دخیل است؟ و آیا عوامل دیگری غیر از تلاش و اختیار انسان در تحصیل روزی نقش دارند؟ این عوامل چه می باشند؟ یکی از مسائل مطروح در آیات و روایات مسئله رزق و روزی است که به خاطر اهمیت آن در زندگی انسان، با استعانت از خداوند سبحان، در این مقاله به ابعاد مختلف این موضوع، خواهیم پرداخت.

معنی رزق

در لغت به معنای روزی، جیره (معین، ۱۳۶۴: ج ۱، ۱۹۸)، روزی دادن (دهخدا، ۱۳۳۸: ج ۷، ۱۰۵۷۰)، هر چه از آن نفع برند (صافی پور، بی تا: ج ۲، ۴۴۶)، نفع بخشیدن (پادشاه، ۱۳۳۶: ج ۳، ۱۰۷۴) است. جمع آن ارزاق و در اصطلاح به چیزی گفته می شود که خدا به جاندار می رساند و او می خورد (جرجانی: ۷۰) گاهی به اعطای دائمی اطلاق می شود، خواه دنیوی یا اخروی، و گاهی به نصیب و بهره و بعضاً به غذائی که وارد معده می شود، تعبیر شده است. (اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۶۴) دیگر به معنی جیره سرباز که در اول هر ماه پرداخت می شود. (المنجد: ۳۶۱)

کاربردهای کلمه رزق در قرآن کریم:

الف: خوراک روزانه و مواد غذایی

«وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۳۳) بر آن کس که فرزندش متولد شد (پدر) لازم است که خوراک و پوشاک مادران را به طور شایسته بپردازد.

«فَلْيَنْظُرِ آيَتَهَا مِنْ كَيْ طَعَمًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ» (کهف: ۱۹)، تا مشاهده شود کدام طعام پاکیزه تر و حلال تر است تا از آن روزی خود فراهم آرید.

ب: قرآن: (بهره ای از خیر)

«وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكذَّبُونَ» (واقعہ: ۸۲) و (به جای استفاده از قرآن) بهره خود را تکذیب آن قرار می دهید.

ج: نبوت و علم

«قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنِهِ مِنْ رَبِّي وَرَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا» (هود: ۸۸) شعیب گفت ای قوم نظر شما چیست؟ اگر مرا از جانب پروردگار جهت روشن و دلیل قاطع باشد و از او بر من روزی حلال و پاکیزه (نبوت و علم) برسد.

د: باران

«يُنزِلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا» (غافر: ۱۳) و از آن آسمان (به وسیله باران) بر شما روزی فرستاد.

ه: خوراک پرزخی

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹) البته می پندارید که شهیدان راه خدا مرده اند، بلکه زنده اند و نزد خدا متنعم خواهند بود.

آیه ی یاد شده مربوط به عالم برزخ و درباره ی زندگی پرزخی شهدا است، مفسرین بر اساس روایات به اتفاق کلمه پرزقون را روزی پرزخی معنا کرده اند و گفته اند خداوند شهدا را تا روز قیامت با خوراکی ها و شراب های بهشتی مهمان خود می گرداند. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۵۷۴)

رزق دارای معنی عام (مادی و معنوی) است و عبارت از هرگونه نعمت و خیر و بهره ای است که در زندگی نصیب شود مانند مال و ثروت، جاه و مقام، علم و کمال، عزت در انتظار، فرزند، سلامت روح و جسم و موارد دیگر و به همین



جهت است که در دعا آمده است:

«اللهم ارزقني عقلاً كاملاً و لباً راجحاً و علماً نافعاً و عائلاً كثيراً و جاهاً عظيماً و ولداً صالحاً و ايماناً ثابتاً و خيراً الدنيا و الآخرة و حيوة طيبة و شفاعته مقبولة و حج بيتك و زياره نبيك و الاثمه المعصومين و الدفن في جوارهم و الحشر معهم» (طیب، ۳۶۶: ج ۱، ۱۱۰).

خدایا به من عقل کامل و خرد افزون و دانش مفید و اهل زیاد و آبروی عظیم و فرزند صالح و ایمان ثابت و خیر دنیا و آخرت و زندگانی پاکیزه و شفاعت پذیرفته شده عنایت فرما و حج خانهات و زیارت قبر پیامبرت و ائمه معصومین (ع) و دفن در جوار ایشان و محشور شدن با ایشان را روزیم گردان.

رزق طیب

از موارد مورد بحث رزق، رزق طیب و طیبات رزق است که آیات متعددی در قرآن کریم به آن اشاره دارد، از جمله در سوره اعراف، آیه ۳۲:

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» بگو چه کسی زینت الهی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است. بگو: این نعمت‌ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند (هر چند دیگران نیز استفاده می‌کنند) ولی روز قیامت مخصوص ایشان است. کلمه طیب دارای چند معنا می‌باشد: چیزی که لذت‌بخش باشد، آنچه که شرع حلال کرده است، چیزی که پاک باشد، چیزی که برای نفس و بدن اذیت و ضرری نداشته می‌باشد و سازگار با طبع باشد. (دهخدا، ۱۳۳۸: ج ۱۰، ۱۵۵۹۰) واژه طیب در اینجا به معنای انواع مختلف غذاهایی است که انسان با آن ارتزاق می‌کند و یا عبارت از مطلق چیزهایی است که آدمی در زندگی و بقای خود از آنها استمداد می‌جوید: مانند: مسکن، همسر و ... برخی گفته‌اند منظور از طیبات خوردنی‌های لذیذ است. (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۹، ۸۹)

آیا آنچه از حرام بدست می‌آید رزق است؟

رزق نعمت الهی است، پس آنچه از حرام بدست می‌آید نعمت محسوب نمی‌شود، بلکه بلا و نعمت است، اگرچه صاحبش نعمت توهم نماید. بنابراین آنچه که انسان در راه حرام بهره‌برداری می‌کند، رزق خدا نیست و نباید وسیله معصیت را به خدا نسبت داد برای اینکه خدا گناه بندگان را به خود نسبت نداده و تشریح عمل زشت را از خود نفی می‌نماید. همانگونه که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعرا: ۲۸) «همانا خداوند امر به زشتی ننموده است آیا درباره خدا چیزی را که می‌گویید که نمی‌دانید»

از ساحت مقدس خدای متعال بعید است که از عملی نهی کند و سپس بدان امر نماید و وسیله آنرا برای معصیت کار فراهم نماید. هیچ منافاتی بین این دو مطلب نیست که از سویی مثلاً، طعام و شراب حرام به حسب تشریح رزق نیست و از سوی دیگر به حسب تکوین، رزق و آفریده خدا باشد، برای اینکه خدای متعال در تکوین تکلیفی نفرموده است. بله! اگر فرموده بود خوک خلقت نکند نگاه خودش خوک خلق می‌کرد بین گفتار و کردارش منافات

بود و لکن هر جا که خدا مردم را از رزق نفی کرده است به حسب تشریح و هر جا رزق را به خود نسبت داده به حسب تکوین است.

رزق خدا دو قسم است: یکی رزق عمومی که عطیه عامه الهی است و تمامی روزی‌خواران را در بقای هستی امداد می‌کند، و قسم دوم آن رزق خاصی است که در مجرای حلال واقع می‌شود و همانطور که رحمت عمومی خدا و رزق عمومی‌اش به حکم آیه «وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا» (فرقان: ۲) «و هر چیزی را آفریده و حد و اندازه‌ای برای آن تدبیر نموده است» مکتوب و مقدر است، همچنین رحمت خاصه و رزق خاصی نیز مکتوب و مقدر است، همان طور که هدایت - که یکی از رحمت‌های خاصه است - مکتوب و مقدر در تشریح است و برای هر انسانی چه مؤمن و چه کافر نوشته شده است. به همین جهت برای همه ارسال رسل و انزال کتاب نموده و فرموده:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا» إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (ذاریات: ۵۶-۵۸). «جن و انس را نیافریدیم مگر اینکه مرا پرستش کنند من از آنها رزق و طعام بر خود نخواستم همانا روزی بخشنده خلق تنها خداست که صاحب قوت و قدرت است»

زیادی رزق عامل طغیان

قرآنی کریم در سوره شوری آیه ۲۷ زیادی رزق را عامل طغیان بندگان معرفی نموده و می‌فرماید:

«وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ نَبَزْلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ» و اگر خدا روزی را برای بندگانش وسعت می‌داد مسلماً در زمین سر به عصیان برمی‌داشتند و لیکن به اندازه‌ای که می‌خواهد نازل می‌کند به راستی او به (حال) بندگانش آگاه و بیناست.

معنای آیه شریفه این است که اگر خدای تعالی رزق همه بندگان خود را وسعت بدهد و همه سیر شوند شروع می‌کنند به ظلم کردن در زمین، چون طبیعت مالی و قدرت و ثروت این است که وقتی زیاد شد. طغیان و استکبار می‌آورد. همچنان که در جای دیگری فرمود:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ» «علق: ۶-۷) همان انسان آنگاه که خود را بی‌نیاز ببیند هر آینه طغیان می‌کند.

لکن باید توجه داشت که چون اکثر انسان‌ها به جانب هوا و هوس مایل هستند، پس اگر خداوند روزی را بر همه وسعت می‌داد اکثراً یاغی و طاغی می‌شدند، اما برخی از انسان‌ها چنین نیستند.

همچنین باید به نکته نیز توجه کرد که باید توجه داشت که گاهی کمبود روزی به خاطر سستی و تنبلی خود انسان است. در این صورت کمبودها و محرومیت‌ها خواست حتمی خداوند نیست، بلکه نتیجه اهمال فرد تنبلی است که دامن‌گیرش شده است در اسلام انسان براساس اصلی سعی و کوشش که در آیات قرآن و در سنت پیامبر و ائمه هدی منعکس است دعوت به تلاش و جهاد شده است. حالا اگر انسان نهایت تلاش خود را بکار گرفت اما نتیجه مورد انتشار خود را نگرفت و گشایش در روزی ایجاد نشد، باید بداند در این امر مصلحتی نهفته است و نباید بی‌تابی کند، مأیوس نشود، زبان به ناسپاسی نگشاید، به تلاش خود ادامه دهد و تسلیم رضای الهی باشد.



شیخ بهائی

حجت الاسلام علیرضالو

است، وی در سفرهای خود ناشناس و در کسوت فقیر و درویش سیر می کرد و با صاحبان ادیان و مذاهب اسلامی به بحث و احتجاج پرداخته و در بعضی موارد تقیه می کرده است.

از سفرهای مهم و تاریخی شیخ بهائی، سفر پیاده او به مشهد است. شاه عباس به سبب نذری که داشت دوباره با پای پیاده از اصفهان به مشهد رفت و ۳ ماه در این شهر ماند که در این سفر نیز شیخ بهائی همراه او بود.

اساتید و شاگردان

اولین و مهمترین استاد بهائی، پدرش بود که نزد وی تفسیر و حدیث و ادبیات عرب و مقداری معقول خواند و از او اجازه روایت دریافت کرد. بیشتر تحصیلات بهائی، در قزوین بود که آن زمان حوزه علمی فعالی داشت. پس از قزوین، در اصفهان به تحصیل خود ادامه داد و از اساتیدی چون ملاعبدالله یزدی، شیخ احمد گجایی، شیخ عبدالعالی کرکی (فرزند محقق کرکی). شهرت علمی و موقعیت اجتماعی بهائی موجب شد شاگردان بسیاری داشته باشد که معروف ترین و مشهورترین شاگردانش:

- محمد تقی مجلسی
- صدر المتألهین شیرازی
- سید ماجد بحرانی
- محمد محسن فیض کاشانی

شیخ بهاء الدین محمد بن حسین عاملی معروف به شیخ بهایی در هفدهم ذی الحجه سال ۹۵۳ هجری قمری (۸ اسفند ۹۲۵ هجری شمسی) در بعلبک به دنیا آمد، پدرش عزالدین حسین بن عبدالصمد حارثی از شاگردان و دوستان شهید ثانی بود.

نسب شیخ بهایی به حارث همدانی از اصحاب امیر المومنین حضرت علی علیه السلام می رسد از این جهت حارثی همدانی هم معروف و شهرت دارد، یکسال بعد تولدش از بعلبک به جبل عامل لبنان رفتند، اما به علت نا امن بودن جبل عامل بعد از شهادت شهید ثانی به ایران مهاجرت نمودند و در اصفهان ساکن شدند (در هنگام ورود به ایران شیخ ۱۳ سال داشت) بعد از سه سال اقامت در اصفهان شاه طهماسب اول پدر شیخ بهایی را به قزوین دعوت کرد و منصب شیخ الاسلام این شهر را به او اعطاء کرد.

شیخ با دختر شیخ علی منشار عاملی ازدواج کرد، اما برای او فرزندی ذکر نکرده اند. شیخ بهائی پس از مرگ پدرش در ۹۸۴ ه.ق، در بحرین به امر شاه طهماسب به هرات رفت و به جای او به شیخ الاسلامی هرات منصوب شد. این اولین منصب رسمی وی بود. پس از وفات پدر همسرش (شیخ علی منشار) در همان سال، شیخ الاسلام اصفهان شد.

شیخ بسیار مسافرت نموده و علماء فراوانی را درک کرده، از جمله در این مسافرت ها به عراق، حلب، شام، مصر، حجاز و بیت المقدس عزیمت نموده



• ملا حسنعلی شوشتری

• ملا صالح مازندرانی

شیخ بهایی در تمام علوم رسمی زمان خود دست داشت و در شماری از آنها منحصر به فرد بود. او در حوزه معارف دینی و علوم اسلامی استاد بود. با همه این برتری علمی که او را جامع علوم منقول و معقول می نامند اما تفسیر قرآن را اشرف علوم می دانست؛ گذشته از علوم و معارف اسلامی، مهمترین حوزه فعالیت علمی بهائی، ریاضی و سپس معماری و مهندسی بوده و در جغرافیا و نجوم نیز تبحر داشته است.

آثار معماری

آثار معماری و مهندسی شیخ بهائی را از حیث انتساب می توان به سه دسته تقسیم کرد:

آثاری که نسبت آنها به او قوی است، مانند اثر مهندسی تقسیم آب زاینده رود برای ۷ ناحیه از نواحی اصفهان که خصوصیات آن به تفصیل در سندی که به طومار شیخ بهائی شهرت دارد آمده است.

آثاری که به گزارش منابع به بهائی منتسب است، مانند:

۱. طراحی کاریز نجف آباد معروف به قنات زرین کمر

۲. تعیین دقیق قبله مسجد امام اصفهان

۳. طراحی نقشه حصار نجف

۴. طراحی و ساخت شاخص ظهر شرعی در مغرب مسجد شاه اصفهان و نیز

در صحن حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام

۵. طرح دیواری در صحن حرم حضرت علی (ع) در نجف به قسمی که زوال

شمس را در تمام ایام سال مشخص می کند

۶. طراحی صحن و سرای مشهد به صورت یک ۶ ضلعی

۷. اختراع سفیدآب که در اصفهان به سفیدآب شیخ معروف است

۸. ساختن منارجنبان

۹. طراحی گنبد مسجد امام اصفهان که صدا را ۷ مرتبه منعکس می کند

۱۰. ساختن ساعتی که نیاز به کوک کردن نداشت.

آثاری که انتساب آنها به شیخ بهائی بعید است و بیشتر نوع و

شخصیت نادر بهائی دستمایه انتساب این خوارق عادات و افسانه های تاریخی

به وی شده است، مانند حمام معروف شیخ بهائی در اصفهان که می گویند

مدت زیادی آب آن تنها با نور شمعی گرم بوده است.

وفات

ایشان در سال ۱۰۳۰ قمری در اصفهان دار فانی را وداع گفته و بنا بر وصیت

ایشان به مشهد انتقال یافت و در محل تدریس خود در پایین پای امام

رضا(ع)، به خاک سپردند.





وصیت نامه شهید سرلشکر خلبان حسین خلعتبری

اگر ذره ای از خاک وطنم بر کف پوتین سرباز دشمن چسبیده باشد،
آن را با خونم در زمین وطنم می شویم

داشت. گزارشهای عملیاتی نشان می دهند که چندین فروند ناوچه اوزای عراق توسط این شهید منهدم گردیده است، به طوری که به وی لقب «شکارچی اوزا» داده بودند و نیز او را «قهرمان جنگ دریایی» می خواندند. علاوه بر ویژگی های والای این شهید، یعنی روحیه شجاعت، عزت نفس، ایثار و کمک به هموع، باید عشق به اهل بیت(ع) را نیز از ویژگی های بزرگ او شمرد، چنان که در خصوص یکی از عملیات های برون مرزی از وی نقل شده است که می گفت: «وقتی پایگاه های الرشید و المثنی در قلب بغداد را در هم کوبیدم، متوجه یک گنبد طلائی شدم و با رادیو گفتم من یک گنبد طلائی می بینم که فرمانده عملیات در جوابم گفت زیارتان قبول! آنجا حرم مطهر امام موسی کاظم(ع) است... ناگاه اشک از چشمانم سرازیر شد و به ایشان سلام دادم». شهید خلعتبری سرانجام در اول فروردین ۱۳۶۴ پس از این که یک هواپیمای پیشرفته عراقی را سرنگون کرد، هدف موشک دوربرد هواپیمای دیگر دشمن قرار گرفت و بدن پاره پاره اش همچون رهبر و مقتدایش حسین بن علی(ع) به عنوان سند افتخاری به این ملت همیشه بیدار و امام شهیدان تقدیم گردید. او همواره می گفت تا مادامی که نیروهای دشمن در خاک کشور من هستند استراحت و گوشه نشینی را بر خود حرام می دانم و اگر ذره ای از خاک وطنم بر کف پوتین سرباز دشمن چسبیده باشد، آن را با خونم در زمین وطنم می شویم و نمی گذارم که حتی ذره ای از خاک پاک ایران را با خود ببرند و در این راه مرگ بزرگترین نعمت خدایی برای خود می دانم.

روحش شاد باد

بی گمان، مردانی که دل در گرو حقیقت دارند، آسمانی اند، جیفه دنیایی هرگز آنان را فریفته نسازد و ملک فانی خاکی، آلوده شان نگرداند. این بصیرت بزرگ به مردان آسمانی، بینشی زیبا در انتخاب راه می بخشد، هم از این روست که این مردان، عاشقانه، رداى سبز شهید را پوشیده و در آسمان حضرت دوست ماوی می گزینند. و تردیدی نیست که شهید عالی مقام سرلشکر حسین خلعتبری هم یکی از جمله عاشقانی است که دنیا را چونان پلی برای رسیدن به جانان دانست و چه زیبا از این پل عبور کرد. شهید حسین خلعتبری در سال ۱۳۲۸ در روستای بصلکوه رامسر در یک خانواده متدین و کشاورز دیده به جهان گشود. او پس از گذراندن دوران تحصیلات ابتدایی و دبیرستان، در سال ۱۳۵۱ وارد دانشکده خلبانی شد. شهید خلعتبری با شروع انقلاب اسلامی، همراه با دیگر دلاور مردان نیروی هوایی در صف انقلابیون قرار گرفت و بارهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی(ره) بیعت نمود. شهید سرلشکر خلعتبری پس از پیروزی و در دوران دفاع مقدس، خود را وقف دفاع از کشور و انقلاب نمود. او با توجه به روحیه شجاعت و ایثار، همیشه در صف اول خلبانان تیز پرواز قرار داشت. شهید خلعتبری جزو اولین گروه و فرمانده پروازی هشت فروند از ۱۴۰ جنگنده ایرانی بود که ساعاتی پس از تجاوز دشمن به ایران، یعنی درست در روز اول مهر ماه ۱۳۵۹ به عراق حمله نمود و پاسخ دندان شکنی به نیروهای دشمن داد. این عزیز سفر کرده در طول مدت مأموریتش در بوشهر، به همراه شهید سرلشکر عباس دوران در از بین بردن نیروی دریایی عراق، نقش اول را



خیبرشکنان (۴)

فرازی از سخنان سومین شهید محراب: آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب
«آهای بسیجی خوب گوش کن چه می‌گویم، می‌خواهم به تو پیشنهاد یک معامله‌ای را بدهم که در این معامله، سرت کلاه برود!! من دستغیب حاضرم یکجا ثواب هفتاد سال نمازهای واجب، نوافل، روزه‌ها، تهجدها و شب‌زنده‌داری‌هایم را بدهم به تو، و در عوض آن دو رکعت نمازی را که تو در میدان جنگ، بدون وضو، پشت به قبله، بالباس خونی و بدن نجس خوانده‌ای، از تو بگیرم، آیا تو حاضر به چنین معامله‌ای هستی!!»

محمد داوود اردانی

بهر امتحان ای دوست گر طلب کنی جان را
آن چنان برافشانم کز طلب خجل مانی

اهداف عملیات

بازدارندگی از موشک‌باران شهرهای بی‌دفاع کشورمان از طرف ارتش عراق و تسلط بر جاده بصره-العماره، قطع ارتباط نیروهای شمال و جنوب عراق و آزادسازی جزایر مجنون

شرح عملیات

۱. دشمن در ساعت‌های ۱۱۰ و ۱۳۰ شهر خرم‌آباد را با سه تیر موشک زمین به زمین مورد اصابت قرارداد که در نتیجه ۵۰ نفر شهید و ۳۵۰ نفر

مجروح شدند. در این موشک‌باران ناجوانمردانه دشمن ۲۰۲ باب منزل، ۴۱ باب مغازه و دو دبیرستان تخریب شدند

۲. در ساعت ۵۲۶ شهر بروجرد مورد اصابت موشک زمین به زمین دشمن قرار می‌گیرد. این موشک‌باران دشمن باعث شهید شدن ۲۹ نفر و مجروح شدن بیش از صد نفر از مردم بی‌دفاع این شهر گردیده و تعداد زیادی خانه و مغازه تخریب می‌شود.

۳. دشمن به موشک‌باران شهرهای خرم‌آباد و بروجرد قناعت نکرده و در ساعت‌های ۱۶۱۵، ۱۶۳۰، ۱۶۳۵، ۱۶۴۵ شهرهای پل‌دختر، اسلام‌آباد، سقز، مهاباد و کوه‌دشت را بمباران می‌نماید. شهدای شهرهای پل‌دختر، کوه‌دشت و مهاباد بیش از ۴۰ نفر و مجروحین آن‌ها بالغ بر ۳۹۰ نفر گزارش شده است.



برای تنبیه دشمن متجاوز هواپیماهای نیروی هوایی خودی در ساعت ۰۸۲۵ مورخه ۶۲/۱۲/۴ ستون‌های متحرک و یگان‌های دشمن را در بزرگراه العماره به بصره و در ساعت ۱۱۳۶ پادگان رواندوز عراق در شمال آن کشور را بمباران کردند و ضمن وارد ساختن تلفات و ضایعات سنگین به نیروهای عراقی در منطقه خیبر و منهدم ساختن بیش از ۷۰ درصد از پادگان رواندوز عراق همگی سالم به پایگاه‌های خود مراجعه نمودند و مجدداً در ساعت ۱۵۱۵ نیز با بمباران کردن نیروهای عراقی در منطقه جنوب ضربات سنگینی به دشمن وارد نموده و قسمت‌های عمده‌ای از نیروهای عراقی را متلاشی و نابود ساختند و پیروزمندانه به پایگاه‌های مربوطه مراجعت کردند.

جهت بازدارندگی از موشک‌باران شهرهای بی‌دفاع، تعقیب و تنبیه متجاوز در خاک عراق و پاسخ دندان‌شکن به شرارت‌های دشمن سحرگاه جمعه مورخه ۶۲/۱۲/۵ پس از اقامه نماز و توجیه رهبر تیم پروازی، به طرف خاکریزهایی که بالگردها در میان آن‌ها برای درمان ماندن از بمباران دشمن استتار شده بودند، حرکت کردیم و پس از بازدید کامل از بالگردها همزمان موتورها را روشن نموده و در زمان معین در سکوت رادیویی به صورت دسته‌جمعی قرارگاه جفیر را به مقصد نقطه‌ای در خاک عراق که آن را به نام سرهنگ شالچی نام‌گذاری کرده بودند به پرواز درآمدیم. پس از ۱۵ دقیقه پرواز در منطقه شالچی فرود آمدیم، در کنار جاده‌ای به عرض تقریبی ۸ متر چادر کوچکی برپاشده بود، سرهنگ صیاد شیرازی که در منطقه حضور داشت به استقبال ما آمد و تک‌تک ما را در آغوش گرفت و خیرمقدم گفت، برادر حاج محسن رضایی که یک دستش به گردنش آویزان بود، در کنار آن چادر قدم می‌زد. سرهنگ صیاد شیرازی نقشه‌ای که از دشمن به غنیمت گرفته شده بود را روی زمین پهن کرد، ما خلبانان برای توجیه دور نقشه حلقه زدیم و همگی با هم سوره مبارکه والعصر را قرائت نمودیم. وضعیت و آرایش نیروهای عراقی توسط سرهنگ صیاد شیرازی شرح داده شد، او به ما گفت: «عزیزان در قسمت جلو و سمت راست مواظب حمله بالگردهای جنگنده دشمن باشید، احتمال حمله‌ور شدن آن‌ها وجود دارد، که ضروری است بالگردهای تهاجمی کبرا با آن‌ها مقابله کنند. در سمت چپ منطقه حدود ۸۰۰ نفر از نیروهای دشمن در محاصره ما هستند که هنوز موفق به جمع‌آوری آن‌ها نشده‌ایم، آنها احتمالاً سلاح سنگین در اختیار ندارند، اما مجهز به سلاح‌های سبک هستند، مواظب باشید که هدف گلوله آن‌ها قرار نگیرید. در جلو شما رود دجله و جاده العماره و بصره قرار دارد و به این ترتیب توجیه به پایان رسید و فرمودند، اگر سؤالی نیست در پناه امام زمان (ع) حرکت کنید».

سرهنگ صیاد شیرازی با شناختی که از بنده (نگارنده) داشت به من گفت: «مواظب باش کسی به طرف اسرانی که در محاصره‌اند تیراندازی نکند». پرواز دسته‌جمعی ما با رعایت اصول ایمنی و در سکوت مطلق رادیویی در حالیکه تیزپروازان شجاع و قهرمانان جنگنده‌های کبرا از سه جهت حفاظت ما را عهده‌دار بودند به محل موردنظر به پرواز درآمدیم. پس از ۱۷ دقیقه پرواز در خاک عراق به قلب نیروهای دشمن رسیدیم بالگردهای تهاجمی کبرا با گشودن آتش خشم ملت مظلوم ایران بر قوای بعثی عرصه را بر آن‌ها تنگ نمودند، و ما موفق شدیم رزمندگان را با رعایت شرایط خاص در جزیره پیاده کنیم.

عملیات انتقال نیرو پی‌درپی بدون وقفه در مسیرهای تعیین‌شده در خاک عراق انجام می‌شد. تیم پروازی ما فقط برای انجام سوخت‌گیری پس از فرود، چند دقیقه موتورها را خاموش می‌کردیم و بالگردهای جنگنده کبرا هم برای سوخت‌گیری و بارگیری مهمات در قرارگاه جفیر فرود می‌آمدند. روز بسیار سخت و دشواری را در میان آب، آتش و خون در حالی سپری می‌کردیم که بالگردهای توپدار دشمن تحرکات ما را زیر نظر داشتند و هرازگاهی بما حمله‌ور می‌شدند، ولی خلبانان شجاع بالگردهای تهاجمی کبرا آن‌ها را تار و مار می‌کردند و هواپیماهای شکاری دشمن هم، نقطه‌به‌نقطه در تعقیب ما بودند، این عملیات در حالی به پایان رسید که ۹ ساعت در آسمان عراق در حال پرواز بودیم. با فرارسیدن تاریکی شب در قرارگاه جفیر فرود آمدیم و به همراه دو طلبه جوان که از طرف آیت‌الله منتظری (ره) به منطقه آمده بودند، نماز جماعت را اقامه نمودیم و سپس برای استراحت و تبادل خاطرات آن روز دورهم جمع شدیم. ششم اسفندماه ۱۳۶۲ در یک عملیات مشترک بین نیروی هوایی، هوا دریا و هوانیروز جهت انتقال رزمندگان به جزیره مجنون جنوبی با هلیکوپتر 214 به شماره بدنه (۴-۹۴۳۶) به خلبانی احمد زینلی و عباس حسنی و مهندس پرواز امرالله ملاجان و هلیکوپتر 214 به شماره بدنه (۴-۹۴۳۵) به خلبانی حاج غلامحسین زینعلی سیاوشانی و بنده «نگارنده» و مهندس پرواز شهید محمد جعفر نظری هلیکوپتر 212AB به شماره بدنه (۴۱۵) به خلبانی ناسروان پرویز خوش آهنگ و نوابان یکم محسن صالحین و یک فروند هلیکوپتر 214 به عنوان هلیکوپتر نجات در حالی که ۳ فروند هلیکوپتر جنگنده کبرا در سه جهت حفاظت ما را عهده‌دار بودند به پرواز درآمدیم، جزیره مجنون شمالی را پشت سر گذاشتیم و به نزدیکی جزیره مجنون جنوبی رسیدیم این در شرایطی بود که قسمت راست جزیره شدیداً زیر آتش توپخانه دشمن قرار داشت و دود ناشی از انفجار قسمتی از فضا را پوشانده بود. تعداد ۴ فروند هلیکوپتر توپدار عراقی در سمت چپ جزیره در چند کیلومتری ما در حال پرواز بودند. که صدای یکی از خلبانان خودی در رادیو شنیده شد، گفت:



آن‌ها حدود ۱۵ نفر بودند که به شدت ترسیده و هراسان به نظر می‌رسیدند، با توجه به این‌که بنده مسلح نبودم به کمک یکی از رزمندگان، آن‌ها را خلع سلاح کردیم، به‌نوعی با رفتار و گفتار خود سعی در آرامش آن‌ها داشتم، که ناگهان متوجه دو فروند جنگنده عراقی از نوع میراژ در ارتفاع تقریبی ۲۰۰ پا از سمت راست شدم، به‌سرعت خود را به داخل کابین بالگرد رسانیدم که دیگر برای عکس‌العمل و پرواز کمی دیر شده بود با توکل به خدا در همان حال باقی ماندیم، هلیکوپتر ما هدف ثابت خوبی برای شکاری‌های دشمن شده بود، ولی در آن لحظه به ما شلیک نکردند شاید خلبانان میراژ متوجه بعثین در بند ما شده بودند و یا نی‌های بلند روئیده شده در سمت راست ما، دید آن‌ها را کور کرده بود، لذا با سرعت کم از بالای سر ما عبور کردند.

در همین حال سرگرد نظریان روی فرکانس رادیو آمد و گفت: «بچه‌ها مهمان داریم، برمی‌گردیم» پس از آن هلیکوپترهای همراه بدون وقفه به پرواز درآمدند، ما هم از زمین بلند شدیم، یک فروند جنگنده میراژ عراقی در حال دور زدن به سمت ما بود، با حداکثر سرعت و بر خلاف جهت گردش او دور زدیم و در ارتفاع پایین مماس با نيزارها سعی می‌کردیم فرصت هدف‌گیری را از او سلب نماییم، اما زمانی که هلیکوپتر ما در تبرس هواپیمای جنگنده دشمن قرار گرفت، هردو ما برخلاف جهت یکدیگر در پرواز بودیم که شلیک را آغاز کرد، گلوله‌ها از مسلسل‌هایش می‌بارید، گلوله‌های آتشین آب و نيزارها را به هم می‌دوختند و به ما نزدیک می‌شدند، نفس در سینه‌ام حبس شده بود، ضمن رعایت دستورالعمل‌های عملیاتی مرتب ذکر می‌گفتم، لحظه‌به‌لحظه به گلوله‌های هواپیمای شکاری دشمن نزدیک‌تر می‌شدیم، لحظات سخت بین مرگ و زندگی و افکاری که به سراغم آمده بود.

خلبان میراژ عراقی کاملاً در معرض دید من قرار داشت، درحالی‌که رگبار تیر از مسلسل‌های جنگنده‌اش به‌طرف ما می‌بارید، آه از نهادم برآمد و ضمیر ناخودآگاهم فریاد برآورد، معبودا در این واپسین دم زندگی ما را به خود وامگذار. سرانجام جنگنده دشمن در حال شلیک از بالای سرمان گذشت، و تیرهایش به امر الهی به خطا رفت. این در حالی بود که اگر هواپیمای دشمن در پشت سر ما قرار می‌گرفت شانس بیشتری برای شکار ما پیدا می‌کرد، که به خواست خدا با یک مانور به‌موقع این شانس را از او گرفتیم.

خلبانان در حال پرواز در جزیره همگی نگران ما بودند و مرتب فرکانس رادیو را اشغال می‌کردند و می‌گفتند: «سمانه ۳۶ سالمی؟ موقعیت خود را اعلام کن؟»

جواب: سالمیم. نگران نباشید، خداوند شمارا حفظ کند.

در آن زمان هواپیمای شکاری F14 که مأمور تأمین گشت رزمی هوایی منطقه عملیاتی خیبر را تحت کنترل رادار بندر امام عمل می‌نمودند، با تغییر تاکتیک در ارتفاع پایین پرواز می‌کردند.

با توجه به فعالیت‌های بی‌امان نیروی هوایی، هوانیروز و هوادریا در منطقه عملیات خیبر اثرات بسیار مثبت و سازنده‌ای در جهت پیشبرد اهداف عملیاتی رزمندگان ایران اسلامی داشت که مطالب فوق بخشی از فعالیت‌های هوایی در منطقه بوده است.

در خاتمه از امیر سرتیپ دوم خلبان، دکتر نیکبخش حبیبی، ریاست محترم دفتر مطالعات و تحقیقات نه‌اجا، سرتیپ دوم خلبان دکتر سیاهش مشیری، سرتیپ دوم فنی علی ضیاء، سرهنگ خلبان سید علی محمد رفیعی و کلیه دوستان و همکاران محترم که در این امر خطیر بنده را یاری نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌گردد. در ضمن بدین‌وسیله پیشاپیش عید سعید نوروز را به همه خوانندگان تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم.

این شاء الله ادامه دارد...

(فرمانده سمت چپ میهمان داریم) هلیکوپتر جنگنده‌ای که در سمت چپ ما در حال پرواز بود، عبدالله نجفی هدایت آن را به عهده داشت، با آرامی و متانت گفت: (بچه‌ها من به سمت آن‌ها می‌روم، من را تأمین حفاظتی کنید)

ما درحالی‌که به قلب دشمن می‌تاختیم ناظر رشادت و بیبایی آن خلبان شجاع در مصاف با هلیکوپترهای عراقی بودیم. بعد از مدتی تاخت‌وتاز یکی از هلیکوپترهای توپدار دشمن با آتش عقاب جنگنده ما سرنگون شد و بقیه فرار را برقرار ترجیح داده و منطقه رزم را ترک کردند.

توپخانه دشمن بعثی بلاانقطاع جزیره را گلوله‌باران می‌کرد هرچه جلوتر می‌رفتیم شدت آتش بیشتر می‌شد. هلیکوپترهای ۹۴۳۵ و ۴۱۵ قبل از چاه‌های نفت فرود آمدند و ما طبق دستور ادامه دادیم.

موج انفجار گلوله‌هایی که برکنارمان منفجر می‌شد هلیکوپتر را می‌لرزاند. بنده (نگارنده) چند بار با هلیکوپتر کبرا که رهبری دسته پروازی ما را عهده‌دار بود و جلوتر از ما پرواز می‌کرد تماس گرفتم و شدت آتش دشمن را تذکر دادم، اما دستور این بود که مابعد از چاه‌های نفت فرود بیایم.

ما به چاه‌های نفت رسیدیم آتش توپخانه دشمن سرسام‌آور بود، در هنگام فرود نزدیک زمین که رسیدیم شدت انفجار به حدی بود که علاوه بر لرزش شدید، لحظه‌ای کنترل هلیکوپتر دشوار شد و ما محکم به زمین برخورد کردیم.

در آن لحظه بحرانی زمانی که تمام حواسم به نشان‌دهنده‌های داخل کابین معطوف شده بود، رزمندگان در یک چشم به هم زدن هلیکوپتر را ترک کرده بودند. مثل رگبار از هر طرف گلوله می‌بارید، به مهندس پرواز شهید جعفر نظری که مسئولیت سوار و پیاده کردن بسیجیان را داشت گفتم، به آن‌ها بگو سوار شوند برگردیم، صلاح نیست در این شرایط اینجا بمانند. پس از چند لحظه شهید نظری گفت: من حریفشان نشدم که برگردند، همگی متفقاً می‌گویند «پیروزی یا شهادت»

دود غلیظی اطراف ما را احاطه کرده بود، گلوله‌هایی که در باتلاق فرود می‌آمدند زمین را همچون ژله می‌لرزاندند و گل‌ولای را به هوا پرتاب می‌کردند و هرلحظه امکان اصابت گلوله به ما وجود داشت، در زیر آتش بی‌امان دشمن از زمین بلند شدیم و به قرارگاه جفیر بازگشتیم.

عقربه‌های ساعت ۳ بعدازظهر را نشان می‌داند، جناب سرگرد محمدولی نظریان افسری بلندقامت با چشمانی درشت و نافذ و چهره‌ای گندم‌گون، قلبی سرشار از محبت و استادی حاذق بود، او بریفینگ پروازی که در آن ۷ فروند هلیکوپتر ترابری شرکت داشتند را انجام داد.

در آغاز سخن رو به بنده (نگارنده) کرد و پرسید «داود (نگارنده) چند تا بچه‌داری؟» گفتم یک دختر کوچک دوماهه، سؤال کرد اسمش چیه؟ گفتم اسم مادر نهم سمانه، جناب سرگرد پس از توجیه شرح وظائف رو به خلبانان کرد و گفت: «بچه‌ها امروز اسم پروازی ما سمانه است، داود تو سمانه ۳۶ هستی و به ترتیب سمانه ۳۵ و.....»

ساعت ۴ بعدازظهر دسته پروازی ۷ فروندی ما حامل رزمندگان و مهمات بدون اسکورت به سمت جزیره به پرواز درآمدیم، حاج غلامحسین زینعلی سیاوشانی و بنده اولین فروند و هلیکوپتر نجات مزین به آرم هلال‌احمر آخرین فروند دسته پروازی ما بود، که بافاصله طولی تقریبی ۳۰۰ متری ادامه دادیم و در محل موردنظر در جاده‌ای به عرض تقریبی ۸ متر که در سمت راست آن بلندی نيزارها به ۷ متر می‌رسید فرود خود را اعلام کردیم. در زمان فرود تعدادی از نیروهای بعثی که در حاشیه جاده پناه گرفته بودند را مشاهده کردم، ما نشستیم، سرگرد نظریان هم‌فروند خود را اعلام نمود، به دلیل فاصله طولی تا فرود آخرین هلیکوپتر و تخلیه مهمات چنددقیقه‌ای زمان لازم بود. نفرات همراه ما مشغول پیاده کردن مهمات داخل هلیکوپتر شدند، بنده ناهاهنگی خلبان همراه به‌سرعت از هلیکوپتر پیاده شدم و به‌طرف نیروهای بعثی که در کنار جاده بین آب و خشکی پناه گرفته بودند دویدم،



خاطره‌ای از دوران دفاع مقدس از سرتیپ خلبان نیروی هوایی ارتش ج.ا.ایران محمد اسماعیل پیروان



همانطور که در شماره قبلی این فصلنامه عرض کردم هدف اصلی رژیم بعث عراق در خلیج فارس این بود که با استفاده کامل از قدرت نیروی دریایی و هوایی خود و با حمله به جزیره مهم و استراتژیک خارک (مرکز صادرات نفت ایران) و همین‌طور کشتی‌های بزرگ صادرات نفت و کشتی‌های تجاری که مایحتاج حیاتی کشور را به بنادر شمالی خلیج فارس حمل می‌کردند، شاهرگ اقتصادی ما یعنی صادرات نفت را قطع و مسئولین کشور را در اداره جنگ درمانده کنند و جنگ را به نفع خود به پایان برسانند.

علاوه بر مقابله با هواپیماهای مهاجم عراقی و پشتیبانی هوایی از نیروی دریایی ارتش در انهدام ناوچه‌های دشمن یکی دیگر از اقدامات نه‌اجاز در خنثی کردن این تلاش مذبح‌خانه دشمن بمباران تنها پایگاه دریایی مهم دشمن یعنی ام‌القصر بود. این بندر بدلیل اهمیت بالایی که برای رژیم بعث عراق داشت با پدافند هوایی بسیار سنگین محافظت می‌شد.

در همین راستا در مورخه ۱۳۵۹/۸/۲ مأموریت بمباران پایگاه دریایی ام‌القصر به پایگاه هوایی بوشهر ابلاغ گردید. جناب سرگرد رضا لیبی (امیر سرتیپ خلبان آزاده) و بنده ستوان یکم محمد اسماعیل پیروان به‌عنوان لیدر پرواز و سروان ابوالفضل مهدی یار و ستوان یکم محمود شادمان بخت به‌عنوان شماره ۲ پرواز انتخاب و تعیین شدیم و با دو فروند هواپیمای جنگنده بمب‌افکن اف-۴ (فانتوم) مسلح به ۱۲ تیر بمب ۷۵۰ پوندی و حدود ۱۳۰۰ تیر فشنگ در مسلسل‌های هواپیما برای انجام این مأموریت خطیر، پرواز خود را با نام و یاد خدای بی‌همتا آغاز کردیم.

البته قبل از پرواز مسیر مناسبی را با توجیه افسر اطلاعات عملیات انتخاب و کلیه مسائل و موارد مورد نظر این‌گونه مأموریت‌ها توسط لیدر پرواز کاملاً توضیح داده شد و توجیه گردید.

عملیات بمباران باید تأسیسات نگهداری، مخازن سوخت، انبارهای مهمات و ناوچه‌هایی را که در بندر پهلو گرفته بودند را مورد اصابت و انهدام قرار می‌داد. مسیر پروازی را طوری انتخاب کرده بودیم که حتی‌الامکان نیروهای دشمن متوجه حضور هواپیماهای ما در عراق نشوند و همچنین از تاکتیک پرواز در ارتفاع پست استفاده کردیم تا توسط رادارهای دشمن نیز مشاهده نشویم. همه چیز بر وفق مراد پیش می‌رفت، برابر نقشه پروازی از شمال هدف به داخل خاک دشمن نفوذ کردیم و در نقطه از پیش تعیین شده به سمت جنوب و سپس به شرق تغییر سمت دادیم بطوریکه پس از بمباران نیازی به تغییر سمت نداشته باشیم و مستقیماً به سمت مرزهای کشورمان پرواز کنیم. حداکثر سرعت مجاز و حداقل ارتفاع را پرواز کردیم و همه سوئیچ‌های بمب‌ها و مسلسل‌ها را در حالت آماده قرار دادیم تا اینکه هدف از فاصله دور نمایان شد. لیدر وضعیت شماره ۲ را سؤال کرد گفتم مهدی یار و شادمان بخت بامهارت تمام و در بهترین موقعیت پرواز می‌کنند.

آن‌قدر همه چیز خوب انجام شده بود که رادارهای دشمن تا نزدیکی ام‌القصر

متوجه حضور ما نشده بودند ولی با شنیدن صدای هواپیماها پدافند هوایی به شدت شروع به تیراندازی و شلیک موشک کردند. بمب‌های ما دوتادوتا به محل‌های مورد نظر اصابت می‌کرد و به آتش می‌کشید و گلوله مسلسل‌های هواپیما ناوچه‌ها و هر چه در مسیرمان بود را متلاشی می‌کرد و این در حالی بود که موشک‌های زیادی از جهات مختلف با ارتفاع کمی از بالای هواپیماهای ما عبور می‌کرد، هدف پشت سرمان قرار گرفته بود، پشت سرم را نگاه کردم خاک و دود و آتش همه‌جا را فرا گرفته بود، در این زمان توپ‌های ضد هوایی دشمن هواپیماهای شماره ۲ را مورد اصابت قرار دادند بطوریکه مهدی یار برای جلوگیری از برخورد هواپیما به زمین مقداری ارتفاع هواپیما را زیاد کرد که بلافاصله یکی از موشک‌های حرارتی از پشت به دم و موتور هواپیما برخورد و منفجر و هواپیما را از کنترل خارج نمود.

همزمان تعدادی گلوله توپ ضد هوایی به هواپیماهای ما برخورد کرد تکان‌های شدیدی وارد شد ولی توانستیم هواپیما را کنترل کنیم. مهدی یار و شادمان بخت پیش از انفجار هواپیما و برخورد به زمین با صندلی پران از هواپیما بیرون پریدند و چتر هردو خلبان را دیدم که باز شد و به نظر می‌رسید که در چند کیلومتری ام‌القصر به زمین خواهند رسید.

ما با استفاده از آخرین قدرت موتورها با حداکثر سرعت در حال دور شدن از آتش پدافند دشمن بودیم که دو فروند میگ ۲۳ از سمت چپ و عقب و ارتفاع بالاتر به سمت ما شیرجه رفتند ولی با سرعتی که ما داشتیم نتوانستند خودشان را به ما برسانند و موشک شلیک کنند.

در ادامه مسیر بازگشت تعدادی تریلی دیدیم که در جاده فاو بصره از سمت جنوب به شمال در حرکت بودند. جناب لیبی با یک نشانه‌روی دقیق آخرین گلوله‌های باقیمانده در مسلسل را به سمت یکی از تریلی‌ها شلیک کرد که به کوهی از آتش تبدیل شد بطوریکه از روی شعله‌های آن عبور کردیم و متوجه شدیم تریلی‌ها حامل مهمات برای نیروهای عراقی بوده‌اند.

به پایگاه هوایی بوشهر رسیدیم، چرخ‌های هواپیما با سطح باند تماس گرفت و ما بایستی تا لحظاتی بعد علت عدم بازگشت هم‌زمان خلبانان غیور و شجاع ابوالفضل مهدی یار و محمود شادمان بخت را برای فرمانده و همکاران توضیح می‌دادیم.

بعد از مدتی مطلع شدیم مزدوران بعثی پس از به اسارت گرفتن خلبانان ما از شدت عصبانیت آن‌ها را مظلومانه به شهادت رسانده‌اند. روحشان شاد که با نثار جان ارزشمند خویش درس بزرگی به دشمن دادند و افتخار و سربلندی و امنیت را برای ملت قهرمان ایران به ارمغان آوردند.

سرگرد خلبان رضا لیبی در مورخه ۱۳۶۰/۲/۲۴ در مأموریت بمباران یکی از مراکز نفتی مهم در خاک دشمن باتفاق هم‌زمش خلبان کاوه کوهپایه مورد اصابت موشک ضد هوایی دشمن قرار گرفتند و به اسارت دژخیمان بعثی درآمدند و پس از تحمل ده سال اسارت به همراه سایر آزادگان قهرمان به میهن عزیز ایران اسلامی بازگشتند.

امیر سرتیپ خلبان محمد عقبایی

برگرفته از کتاب ستارگان نبرد هوایی



میگ-۲۳ عراقی را در پهنه آب های نیلگون خلیج فارس در منطقه خور عبدالله همراه سروان فضل الله جاویدنیا، سرنگون کند. محمد عقبایی اوایل سال ۱۳۵۷ با خانم مریم اسحاقی ازدواج کرد و صاحب چهار فرزند به نام های فاطمه، حورا، شیما و شهاب شد. عقبایی که در سال ۱۳۶۹ در دوره کارشناسی ارشد فرماندهی ستاد (دافوس) فارغ التحصیل شد، ضمن بر عهده داشتن مشاغلی چون: رئیس بازرسی و ایمنی منطقه هوایی شهید بابایی، افسر عملیات هوایی ریاست بازرسی و ایمنی نهجا، رئیس دایره، جانشین مدیر، مدیر بازرسی همان ریاست و سرانجام رئیس رابطان نهجا در پست فرماندهی ستاد مشترک وقت و انجام دادن بیش از سه هزار ساعت پرواز، که حدود ششصد ساعت آن در شب بوده است، تا سال ۱۳۸۱ لباس مقدس نظام را بر تن داشته باشد و در این زمان با ۳۵ سال خدمت و درجه سرتیپ دومی به افتخار بازنشستگی نایل آید. او در طول سال های دفاع مقدس بارها تشویق شد و طی چند بار جمعاً هجده ماه ارشدیت درجه شامل حالش شد. از ریاست جمهوری وقت، حضرت آیت الله سید علی خامنه ای و فرماندهان نیروی هوایی: سرهنگ هوشنگ صدیق و سرتیپ منصور ستاری لوح تقدیر دریافت کرد. یکی از مهمترین خاطرات امیر سرتیپ ۲ محمد عقبایی مربوط است به یک پرواز پوشش هوایی در کابین عقب سروان فضل الله جاویدنیا در مورد هدف قراردادن یک فروند هواپیمای میگ-۲۳ عراقی، وقتی که شهید عباس بابایی و کابین عقبش، ابراهیم انصارین، در بال راست و یدالله خلیلی و کابین عقبش، محمد مسبوق، در بال چپ شاهدان عینی این بودند. او می گفت: وقتی این هواپیما با برخورد موشک فونیکس به کوهی از آتش تبدیل شد و همراه خلبان به قعر آب های خلیج فارس فرو رفت، با غرور، فریاد بلند الله اکبر سر دادم و گفتم: «این ضربت اسلام است بر سر کفر جهانی!» اما شهید والامقام بابایی بعد به من تذکر داد: «شجاعت و غرور بی جا می تواند موجب نابودی شود!» در این واقعه با این جمله کوتاه تلنگری به من زد تا بیشتر مواظب نفس خودم باشم. محمد عقبایی یکی از افرادی بود که سهم بزرگی در جایگزینی و آزمایش های موفقیت آمیز موشک زمین به هوای هاوک به عنوان موشک هوا به هوای جایگزین فونیکس روی تامکت با عنوان پروژه سجیل داشت.

محمد عقبایی بیستم تیرماه ۱۳۲۶ در محله شهری تهران و در میان خانواده ای متعارف دیده به جهان گشود. پدرش، حسن، معلم بود. وقتی دیده از جهان فروست، مادر فرزندان را به روستای زادگاهش، جزینان طالاقان برد. محمد دوبرادر و یک خواهرش سالها در این روستای خوش آب و هوا زندگی کردند. او دوره ابتدایی را در مدرسه جزینان و دوران متوسطه و بالاتر را تا کلاس یازده در دبیرستان محمد رستگار در روستای شهرک طالاقان گذراند، اما دیپلمش را در سال ۱۳۴۹ در رشته طبیعی از دبیرستان دکتر خان علی خیابان سینای تهران گرفت. وی در سال ۱۳۴۹ جزء دانشجویان دانشگاه افسری ارتش درآمد و در سال ۱۳۵۲ شانه هایش یه درجه ستوان دومی مزین شد. به محض فارغ التحصیلی، وقتی شنید دانشکده خلبانی نیروی هوایی دانشجویی پذیرد، ثبت نام کرد و بعد از گذراندن آزمایش های پزشکی، آزمون هوش، معلومات عمومی و زبان به کسوت دانشجوی خلبانی درآمد. آموزش های زبان انگلیسی عمومی و تخصصی را همزمان با آکادمی پرواز طی کرد و آموزش اولیه پرواز را با هواپیمای ملخ دار سبک بونانزا گذراند. سپس در سال ۱۳۵۴ برای تکمیل دوره عازم ایالت تگزاس امریکا شد. زبان انگلیسی پیشرفته را در آنجا به پایان رساند و به پایگاه دریایی پنساکولا، نزدیک شهر وارینگتون واقع در ایالت فلوریدا رفت، تا آماده یادگیری فنون پروازی شود. ابتدا دوره نجات خدمه از مرگ یا سورویول را گذراند. چون قرار بود در آینده کنترل کابین عقب هواپیمای فوق مدرن اف-۱۴ را به دست گیرد، پرواز با هواپیمای تی-۳۴، تی-۳۹ و تی-۲ را به مدت ۲۵۰ ساعت تجربه کرد و اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ موفق به اخذ نشان خلبانی شد. وقتی به ایران برگشت، به گردان ۸۲ تاکتیکی پایگاه هشتم شکاری آن زمان در اصفهان منتقل شد و اولین پرواز های خود را تیرماه ۱۳۵۷ با معلم خلبان آمریکایی و ایرانی از جمله: اسکات، مارتینی، میلنر، استاتزمن، نوریس، محمدرضا عطایی، سعید آغاسی بیک و بهرام قانعی آغاز کرد. بعد از انقلاب در ۲۹ فروردین ۱۳۵۸ اولین رژه را در کابین عقب سروان محمد فرح آور در پرونده اش ثبت کرد و برای مقابله با متجاوزان آمریکایی در صحرای طبس، در کابین عقب سرهنگ عباس حزین شرکت داشت. او خدمت در پایگاه های شیراز و بوشهر را نیز تجربه کرد و از پایگاه های دیگری چون تبریز و امیدیه ماموریت انجام داد. اگر چه در تمامی طول جنگ هرگاه نیاز بود، وظیفه خطیر حفاظت از آسمان ایران از شرق تا غرب و شمال تا جنوب کشور را شبانه روز بر عهده داشت و حتی ماموریت های افسر ناظر مقدم را در منطقه عملیاتی جنوب انجام می داد. از افتخارات به یادماندنی اش دوبار پرواز پوشش هوایی در قالب کار تیمی عملیات معروف به ۱۴۰ فروندی در روز اول مهر ۱۳۵۹ است که در کابین عقب ستوان یکم پرویز مرادی و سروان جلیل زندی انجام گرفت. او همچنین موفق شد دو فروند شکاری دشمن را در تاریخ یازدهم آذر ماه ۱۳۶۰ با همراهی سروانخلبان جعفر بهادران در منطقه اهواز و یک فروند



عکس فاطمه الزهرا سلام

گزارش تصویری از ایام فاطمیه در
حسینیه حضرت آیت الله هاشمی تبریزی








گزارش تصویری از برگزاری کلاس های قرآن در مسجد جامع شهرک غرب (ویژه نوجوانان)



اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی، راهکارها و راهبردها

تحریریه نشریه 

مقدمه

با ظهور انقلاب اسلامی، شکل جدیدی از حکومت در دنیا پدیدار شد که بنای سازگاری با قطب قدرت استکبار را نداشته و به مبارزه با استکبار پرداخت. ظهور چنین حکومتی آن هم در منطقه خاورمیانه که از لحاظ اقتصادی و ژئوپلیتیکی دارای اهمیت بسیار زیاد است، باعث شد که نظام استکبار جهانی با تمام قوا به مبارزه با انقلاب برخیزد.

با پایان یافتن جنگ و عدم پیروزی استکبار در زمینه های نظامی، تهاجمات به عرصه های دیگر کشیده شد. یکی از این عرصه ها که خصوصاً در سال های اخیر با تهاجمات گسترده همراه بوده است، عرصه اقتصادی است. بنابراین خود انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و نظریه پردازی و الگو سازی در عرصه های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبار ستیزی را برپا کند، نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم اقتصاد مقاومتی است.

تعریف اقتصاد مقاومتی

بنا به تعریف برخی از اقتصاد دانان از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف کننده یک کشور قرار می گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی سازی آن بر اساس جهان بینی و اهداف دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد، باید هر چه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که اقتصاد مقاومتی معنا پیدا می کند.

محورهای اساسی اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم سازی، بحران زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می شود، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدیرانه، پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تاکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خود اتکایی است.

برخی محورهای اساسی و مهم اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

• حمایت از تولید ملی

تأکید مقام معظم رهبری در ابتدای سال بر ضرورت تداوم تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، مبین سه وظیفه برای دولت، دست اندرکاران تولید و مردم می باشد، سه حلقه ای که نحوه تعامل آنها بر روی هم، تاثیر مستقیم دارد و نتیجه نهایی آن، به این تعامل وابسته است. یعنی هر چه قدر که

مردم را تشویق به خرید کالای داخلی کنیم ولی کیفیت تولید کالای داخلی پایین باشد، عملاً رغبتی از سمت مردم به خرید کالای تولید داخلی نخواهد بود. اگر تولید کننده هم برای تولید کالای باکیفیت همت کند ولی دولت و سیستم بانکی کشور، خدمات پولی و مالی ارائه ندهند و یا قوانین اقتصادی، فضای کسب و کار را سخت کند و یا مردم نسبت به کالای داخلی بی رغبت باشند، باز هم نتیجه منفی خواهد بود. لذا باید تمامی ارتباطات این سه حلقه باهم اصلاح شده و در راستای افزایش تولید ملی بهبود پیدا کند.

• سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی

محدود سازی اقتصاد دولتی و آزاد سازی اقتصاد از پیامدهای مهم اصل ۴۴ قانون اساسی است. اقتصاد مقاومتی فعال و پویا نیازمند برنامه ریزی استراتژیک و راهبردی، مبتنی بر مردمی کردن اقتصاد از طریق میدان دادن بیشتر به فعالان بخش خصوصی و رفع موانع و مشکلات این بخش می باشد. بخش خصوصی به عنوان موتور و محرک اصلی رشد اقتصادی و صنعتی است که با بکارگیری سرمایه خود و جذب و مشارکت سرمایه های غیردولتی، استفاده بهینه از منابع انسانی و اعمال مدیریت کار آمد، ضمن ایفاء نقش خود در رشد اقتصادی و صنعتی کشور، می تواند اهداف توسعه ای دولت را محقق نماید. اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است و بخش خصوصی بدون شک برترین بستر، برای همراهی مردم به عنوان اصلی ترین ارکان مقاومت در جامعه، برای ضد ضربه کردن اقتصاد در برابر تحریم هاست.

• توجه به نخبگان و استفاده از فناوری نوین

نخبه به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می شود که اثرگذاری وی در تولید علم، هنر و فناوری کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و متوازن کشور گردد. زمانی که فناوری های نوین مشمول تحریم قرار می گیرند و کشورهای دشمن اجازه نمی دهند این فناوری ها به ایران برسند، اگر از نخبگان حمایت شود، می توان این فناوری ها را تبدیل به فعالیت تجاری کرد. میدان دادن به نخبگان در عرصه صنعت، تجارت و کشاورزی، از ویژگی های اقتصاد مقاومتی است و نیز باید شرایط به گونه ای باشد که نخبگان بدون مانع کارهای خود را پیش برند. آنچه جای نگرانی است، تحریم خارجی نیست بلکه نگرانی در خصوص موانع تولید و تجارت در داخل کشور است که گاهی شدیدتر از تحریم ها عمل می کند.

نقش دولت و مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی

شناسایی نقاط ضعف کشور در اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به نقاط قوت، یکی دیگر از الزامات کشور در رسیدن به جایگاه واقعی خویش در عرصه جهانی

که به خدای متعال اتکا دارد و ملتی استوار و هوشمند است حتماً پیروز این میدان خواهد بود. نظام اسلامی قادر است با برنامه ریزی، تلاش، تدوین استراتژی‌ها و اقدامات لازم با محوریت اقتصاد مقاومتی، بخش عمده‌ای از تهدیدهای امروزی را نیز به فرصت تبدیل کند.

راه کارهای ذیل جهت رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی ضروری است:

۱. نقطه شروع اقتصاد مقاومتی، سیاست گذاری برای اصلاح الگوی مصرف است. مصرف، تولید را جهت می دهد و این دو در کنار هم، جهت سرمایه گذاری را مشخص می کنند. رونق تولید داخلی و کاستن از وارداتی که می تواند به افول و کم رونقی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، موجب استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج و ارتقای تکنولوژی در سطح کلان تر می شود. البته باید به گونه ای عمل کرد که اقتصاد مقاومتی به معنای تحمیل فشار به مردم نباشد.

۲. افزایش بهره وری در تولید، کاهش قیمت تمام شده تولیدات، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولیدات خارجی و کاهش واردات، حمایت از تولید ملی به ویژه تولیدات استراتژیک

۳. کاهش آمار بیکاری و خشکاندن ریشه های فقر و آسیب های اجتماعی ناشی از بیکاری در جامعه

۴. فعال سازی سیستم های حمایتی پولی و مالی و بیمه ای بخش تولید برای تحرک در اقتصاد داخلی و نیز حمایت از صادرات کالاهای غیرنفتی

۵. افزایش واردات دانش فنی، خطوط تولید و ماشین آلات در ازای کاهش واردات کالاهای مصرفی با توجه به اهمیت این نوع معاملات در عصر اطلاعات، همزمان با تولید علم و تولید دانش فنی و حمایت از شرکت های دانش بنیان

۶. توجه به معضل تورم و برقراری یک نظام قابل پیش بینی و قابل مدیریت در قبال شاخص تورم و تطبیق آن با سطح حقوق و دستمزدها و نیز قیمت ارز در پیش گیری سیاست های بهینه در این فرآیند

۷. تبدیل تهدیدها به فرصت ها در روند تامین کالاها به این معنا که به محض اعمال تحریم در برخی از کالاها، شکل دهی به عزم ملی درحوزه فناوری و صنعت و تجارت برای ایجاد خود کفایی کامل یا حداقل خود اتکایی در تولید و تامین این اقلام

۸. برقراری ارتباطات خاص اقتصادی با برخی از کشورهای دوست، گسترش ارتباطات اقتصادی با کشورها و بلوک های منطقه ای و گسترش شرکای تجاری از یک شریک عمده به چند شریک کوچک تر

۹. شکل گیری روحیه جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمیت ایرانی. ضمن آنکه برای تقویت اقتصادی ملی، دیپلماسی اقتصاد مقاومتی نیز لازم است. هدف از این نوع دیپلماسی تبیین دستاوردهای اقتصاد مقاومتی در مقابل فشارهای وارده است. فشارها در مورد کالای مصرفی و شاخص های روزمره اقتصادی وارد می شود، ولی دستاوردهای مقاومت کشور، دستاوردهای استراتژیک و بلند مدت هستند، همچون خود کفایی در تکنولوژی ها و فناوری های برتر (هسته ای)، استقلال درسیاست خارجی و...

است که برای تحقق آن باید همکاری نزدیکی میان دولت و مردم صورت گیرد.

نقش مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی

تحقق اقتصاد مقاومتی صرفاً با مشارکت مردمی امکان پذیر است و لاغیر. برای بالابردن مشارکت مردمی باید از هر نوع فعالیت اقتصادی مردمی استقبال کرد. فضایی باید بر کشور و جامعه حاکم گردد که همه مردم خودشان را مولد در اقتصاد و شریک در پیشرفت و مقاومت کشور، حس کنند و برآن ببالند. در نظریه های اقتصادی نقش مردم به عنوان مصرف کنندگان کالاها بسیار حائز اهمیت است.

از مهم ترین نقش های مردم در تحقق اقتصادی می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

• مدیریت مصرف

امروزه تعادل در مصرف یک حرکت جهادی است و همه دستگاه های دولتی و غیر دولتی و همچنین آحاد مردم باید موضوع پرهیز از اسراف و استفاده از تولیدات داخلی را جدی بگیرند. جلوگیری از هر گونه اسراف و تبذیر، مهم ترین اصل در ارائه یک الگوی اسلامی مصرف است. از این رو خداوند در آیه ۶۷ سوره فرقان، حرکت در مداری به دور از افراط و تفریط را رسیدن به پایداری دانسته است. پس فرد یا جامعه ای که در مسیر پایداری در مصرف حرکت کند به پایداری در اقتصاد می رسد و جامعه به همان مطلوب یعنی اقتصاد سالم، شکوفا و مقاومتی دست خواهد یافت.

• قناعت (ساده زیستی و دوری از تجملات)

امیرمومنان علی علیه السلام بهترین اقتصاد و زندگی سالم اقتصادی که آسایش انسان را تامین کند، اقتصاد مبتنی بر قناعت تعریف می کنند، پس قناعت و اقتصاد واقعی به معنای مصرف به مقدار کفایت است که مهم ترین عامل در ایجاد آسایش پایدار و راحتی دانسته شده است. مردم جامعه باید تفکر خود را نسبت به مصرف تغییر دهند و از مصرف گرایی و ریخت و پاش غیر ضروری در همه ی موارد خودداری کنند.

• تولید ثروت حلال

تولید ثروت حلال باید در جامعه نهادینه شود و در کنار آن تولید ثروت های کاذب از طریق دلالی به امر مذموم در میان آحاد جامعه مبدل شود.

• ترجیح مصرف کالای داخلی بر کالای خارجی

پر واضح است که مردم حق استفاده از کالای باکیفیت را دارند، ولی ترجیحاً باید کالای ساخت داخل را مصرف کنند و این امر نیازمند تحکیم نگاه علمی است، به نحوی که دست اندرکاران عرصه تولید، دولت و دانشگاه ها حلقه ارتباط صمیمی و تعامل پایداری را باید با یکدیگر داشته باشند. زیرا صیانت از اعتبار تولید داخلی در عرصه جهانی وظیفه ملی و اسلامی است، و منافع زود گذر نباید منفعت ملی را به خطر بیندازد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

با توجه به بررسی همه عوامل موثر و زیر سیستم در اقتصاد مقاومتی باید گفت که تحریم ها نمی توانند خلل مهمی برای کشوری با قدرت جمهوری اسلامی ایران و با این مرزهای گسترده و منابع خدادادی ایجاد کنند، کشوری



اقتصادی

گردآورنده: احمد عزیز



تورم

تورم (Inflation) از نظر علم اقتصاد اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی و یا قیمت است. تورم عموماً به معنی افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می‌شود.

تورم، روند فزاینده و نامنظم افزایش قیمت‌ها در اقتصاد است. هر چند طبق تئوری‌های مختلف، تعاریف متفاوتی از تورم صورت می‌گیرد، اما تمامی آنها به روند فزاینده و نامنظم افزایش در قیمت‌ها اشاره دارند. مفهوم امروزی تورم، در قرن نوزدهم میلادی متداول شد. قبل از آن، مفهوم دیگری از تورم وجود داشت که جهت نشان دادن افزایش حجم اسکناس‌های غیرقابل تبدیل به طلا به کار برده می‌شد. نرخ تورم برابر است با تغییر در یک شاخص قیمت که معمولاً شاخص قیمت مصرف‌کننده است.

رشد اقتصادی

رشد اقتصادی به تعبیر ساده عبارت است از افزایش تولید یک کشور در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال مورد بحث به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می‌شود.

علت این که برای محاسبه رشد اقتصادی، از قیمت‌های سال پایه استفاده می‌شود آن است که افزایش محاسبه شده در تولید ناخالص ملی، ناشی از افزایش میزان تولیدات باشد و تأثیر افزایش قیمت‌ها (تورم) حذف گردد.

توسعه اقتصادی

باید بین دو مفهوم "رشد اقتصادی" و "توسعه اقتصادی" تمایز قایل شد. رشد اقتصادی، مفهومی کمی است در حالیکه توسعه اقتصادی،

مفهومی کیفی است.

"توسعه اقتصادی" عبارتست از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. به علاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرآیند تولید تغییر می‌کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی‌تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه به دلیل وابستگی آن به انسان، پدیده‌ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) که هیچ محدودیتی ندارد.

توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد: اول، افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه‌کنی فقر) و دوم، ایجاد اشتغال که هر دوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. در کشورهای توسعه‌یافته، هدف اصلی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالیکه در کشورهای عقب‌مانده، بیشتر ریشه‌کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است.

رکود اقتصادی

رکود در تعریف اقتصادی به دو دوره سه ماهه پیاپی رشد منفی در اقتصاد یک کشور اطلاق می‌شود.

دوره‌ای که کاهش معنی‌دار در چهار عامل تولید، درآمد، اشتغال و تجارت ایجاد شود. این دوره معمولاً حداقل بین ۲ ماه تا یکسال است. به این ترتیب رکود بر این اساس به معنای کاهش بودن رشد تولید ناخالص داخلی واقعی است.

سیاسی

حکومت دموکراسی

دموکراسی حکومتی است که در آن، شهروندان مشارکت دارند و احزاب و جامعه مدنی فعالند. حاکمیت از آن مردم است و مردم در انتخاب حاکمان و تدوین خط مشی های اساسی نقش دارند.

حکومت دموکراسی گاه به صورت جمهوری است، چنان که در بسیاری از کشورهای مدعی دموکراسی، برقرار است و گاه به صورت مشروطه است؛ چنان که حکومت های انگلیس و ژاپن در عین دموکراتیک بودن، سلطنتی مشروطه نیز هستند.

حکومت آریستوکراسی

حکومت به دست گروهی اندک است که مدعی برخورداری از تبار بلند و شرافت طبقاتی اند. مبنای اریستوکراسی توارث یا ثروت می باشد.

این مدل حکومتی در طبقه بندی حکومتی ارسطو و افلاطون آمده است. از منظر ارسطو، اریستوکراسی حکومتی است که به دست گروهی از مردم اعمال می شود و صلاح عموم را در نظر دارد. پس در اریستوکراسی، بخش کوچکی از شهروندان در اداره جامعه و تدوین سیاست ها نقش دارند.

جمهوری

در حکومت جمهوری، اقتدار و مناصب دولتی از طرف مردم به طور مستقیم یا غیر مستقیم به حکام واگذار می شود. حکومت جمهوری در مقابل حکومت سلطنتی است و به حکومتی اطلاق می شود که اولاً حاکم به طور مستقیم از سوی مردم و یا غیر مستقیم از طرف پارلمان انتخاب شود. حاکم برای مدت محدود انتخاب می شود. حاکم هیچ امتیاز شخصی بر دیگران ندارد و در مقابل قانون مسؤول است.

حکومت جمهوری امروزه به شکل های گوناگونی در کشورها جریان دارد. در بعضی از کشورها رئیس جمهور مستقیماً از سوی مردم انتخاب می شود و در برخی کشورها به طور غیر مستقیم، یعنی رئیس جمهور با واسطه از جانب مردم انتخاب می شود، مثل رژیم حاکم بر ترکیه که رئیس جمهور توسط آرای نمایندگان مجلس انتخاب می شود. رژیم جمهوری یا ریاستی و یا پارلمانی است.

جمهوری ریاستی: در سیستم ریاستی، رئیس جمهور عضو قوه مقننه نیست و قوه مقننه می تواند رئیس جمهور را به جهت خطاهایش که در قانون اساسی پیش بینی شده محاکمه کند. در این سیستم، وزرا و رؤسای سازمان های اداری را رئیس جمهور انتخاب می کند و اعضای کابینه در برابر رئیس جمهور مسؤول و پاسخ گو می باشند و تفکیک قوا حاکم است.

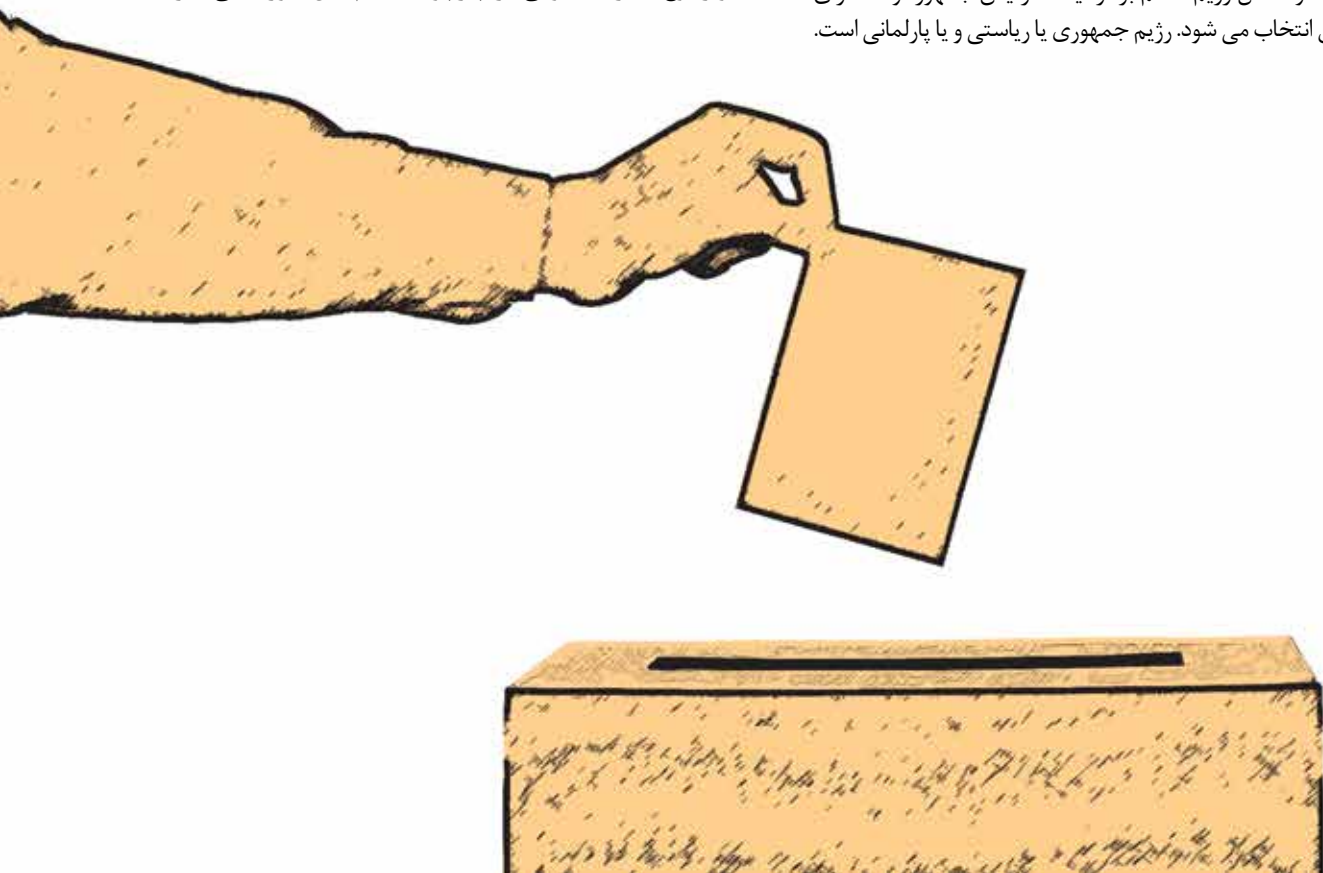
جمهوری پارلمانی: گاهی از آن به سیستم کابینه ای نیز یاد می شود. در نظام پارلمانی، ریاست تشریفاتی از ریاست قوه مجریه جدا است. کابینه در دست یک حزب یا ائتلافی از احزاب است و وزرا عضویت مجلس مقننه را دارا هستند. هم چنین کابینه وضع قوانین بودجه و انتصابات را به عهده دارد. کشورهای مشترک المنافع و تابع انگلیس سیستم پارلمانی دارند.

ارزیابی سیستم جمهوری

۱. در نظام های بشری، جمهوری از شکل های خوب حکومت است که در بسیاری از کشورهای جهان رواج دارد و همان طور که اشاره شده یا مستقیم است، یعنی رئیس جمهور با آرای مستقیم مردم برگزیده می شود و یا غیر مستقیم است، یعنی رئیس جمهور توسط نمایندگان مجلس انتخاب می شود. طبیعی است که در مقایسه با دیکتاتوری در چنین نظامی ظلم کم تری صورت می گیرد.

۲. علی رغم آن که برخی کشورها نام جمهوری را یدک می کشند، اما در آن ها حاکمیت فردی و دیکتاتوری جریان دارد. برخی از کشورهای جهان سوم در ظاهر جمهوری اما در مقام عمل دیکتاتوری هستند. در برخی از این کشورها رئیس جمهور مادام العمر است و قوانین نیز ناشی از خواست و اراده او است. جمهوری آتاتورک در ترکیه، جمهوری عراق و در بسیاری از دیگر کشورها از این جمله اند.

۳. حکومت الهی با حفظ حدود و قوانین اسلامی می تواند در قالب جمهوری جنبه عملی بیابد. طبیعی است حاکمیت در چنین حکومتی از آن خداوند است و رجوع به آرای عمومی در چارچوب احکام دین صورت می گیرد.





آشنایی با «غصب»

احمد عزیزى 

غصب در لغت به معنای گرفتن مال یا حق، از راه ظلم است.

به بیان ساده غصب عبارت است از سلطه استقلالی نسبت به مال غیر از روی عدوان؛ مشابه همین تعریف را قانون مدنی ایران در ماده ۳۰۸ چنین بیان کرده است: «غصب استیلا بر حق غیر است به نحو عدوان اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است. در چنین شرایطی فرد متصرف مسئولیت مطلق و محض دارد که هم مسئول تلف عین مال و هم منافع آن باشد. خواه این تجاوز عمدی باشد یا غیر عمدی.

باید توجه داشت که برای تحقق غصب چند امر باید وجود داشته باشد تا غصب محقق شوود و این امور از ارکان غصب می‌باشند:

استیلاء: به این صورت که برای تحقق غصب لازم است که غاصب بر مال دیگری مسلط شود؛ اما در صورتی که شخصی، مالک را از تصرف در مال خود مانع شود، بدون آنکه خود او تسلط بر آن مال پیدا کند به موجب ماده ۳۰۹ غاصب محسوب نمی‌شود لیکن در صورت اتلاف یا تسبیب ضامن خواهد بود.

تعلق به غیر: در غصب لازم است که غاصب بر حق متعلق به دیگری مسلط شود؛ بنابراین در تسلط فرد بر حق خود به هیچ عنوان غصب مصداق نخواهد یافت. مانند تسلط ورثه بر ترکه در صورتی که دین وجود داشته باشد. در این صورت هر چند شخص مرتکب گناه شده است و یا ضامن می‌باشد لکن غاصب نیست.

عدوان: تسلط بر مال دیگری میبایست از روی ظلم و علان باشد. یعنی نه اذنی از طرف شارع و قانون گذار وجود دارد و نه اذنی از طرف مالک مال. در صورت تسلط فرد بر حق دیگری اگر با مجوز قانونی باشد عنوان غصب تحقق نخواهد یافت؛ فرد باید بر حق دیگری به نحو غیرقانونی و بدون مستند تسلط یابد تا غصب تحقق یابد. اجتماع همزمان ارکان فوق در یک زمان لازم است تا شرایط غصب تحقق یابد. بنابراین اگر فردی بر مال دیگری به سببی قانونی مسلط شود مانند ولّی، وکیل، مستاجر، و ... و سپس سبب قانونی، از بین رود و امری موجه برای ادامه استیلاء وی باقی نماند، از آن موقع وی غاصب محسوب خواهد شد. به همین دلیل است که ماده ۳۱۰ ق.م. مقرر می‌دارد: «اگر کسی که مالی به عاریه یا به ودیعه و امثال آنها در دست‌اوست منکر گردد از تاریخ انکار در حکم غاصب است.»

تکلیف غاصب

در رابطه با اینکه غصب حرام است میان فقهاء شرع هیچ اختلافی وجود ندارد؛ لکن در مورد علت حرمت بعضی به آیات و روایات استدلال کرده‌اند و برخی نیز به حکم عقل تردیدی در تحریم غصب نداشته و به حکم ملازمه حکمی عقل و شرع، ممنوعیت شرعی آن را نیز اعلام کرده‌اند. اما صرف نظر از این احکام کلی در جزییات تکالیف غاصب اختلاف‌ها نمایان می‌شود. با این حال غصب دو تکلیف اصلی در این باره دارد:

رد عین: «تکلیف به رد عین مال مغضوب در صورت بقای آن» ماده ۳۱۱ ق.م. نیز در همین راستا مقرر می‌دارد: «غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید» تکلیف اصلی غاصب تنها استرداد عین مال است.

رد بدل در صورت تلف: بر اساس ماده ۳۱۱: اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آن را بدهد. اما اگر مال همچنان باقی باشد اما امکان دسترسی به آن نباشد غاصب باید بدل مال را بدهد.

دو تکلیف فوق را باید در طول یکدیگر دید؛ به این نحو که تکلیف به رد عین مال تکلیف اصلی غاصب است تا زمانی که عین مال باقی است اما با تلف آن تکلیف دیگری بر ذمه وی قرار می‌گیرد و آن دادن بدل مال است.





ضمان قهری: ضمان قهری عبارت است از مسئولیت شخص به انجام کاری و یا جبران زبانی که ناشی از عمل قضایی یا قرارداد عقد نباشد که ماده ۳۰۷ قانون مدنی غصب، اتلاف، تسبیب و استیفاء را موجب ضمان قهری شناخته است.

اتلاف: به طور کلی هرکس به صورت مستقیم مال کسی را تلف کند یعنی در این کار مباشر تلف باشد نه مسبب آن، مسئول جبران خسارت وارده به مال است. مطابق ماده ۳۲۸ قانون مدنی هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از آنکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.

تسبیب: تسبیب عبارت است از وارد کردن ضرر به مال غیر که فعل و منشاء ضرر بوسیله خود فاعل به هدف هدایت نشده باشد بلکه بر اثر تقصیر و بی مبالاتی و غفلت و عدم احتیاط وی ضرری متوجه غیر گردد (مثل اینکه زنجیر سگ را محکم نبندد و سگ رها شده و به عابرین حمله کند) مطابق با ماده ۳۳۱ قانون مدنی هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آنرا بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید.

استیفاء: استیفاء بر دو قسم است؛ استیفاء از عمل دیگری و استیفاء از مال دیگری. مورد اول عبارت است از: «هرکس برحسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهبای آن عمل باشد، عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که تبرع داشته است» (ماده ۳۳۶ ق.م). مورد دوم عبارت است از: «هر گاه کسی بر حسب اذن صریح یا ضمنی از مال غیر استیفاء منفعت کند، صاحب مال مستحق اجرت المثل خواهد بود، مگر اینکه معلوم شود که اذن در انتفاع مجانی بوده است».



تأثیر فساد مالی بر امنیت ملی

محقق: نعمت الله رادی



استاد سطح عالی حوزه و دانشگاه، کارشناس فرهنگی سازمان زندانها

مقدمه:

«امنیت» اساسی ترین نیاز بشر است و تأمین آن نخستین وظیفه حکومت هاست. واژه «امنیت» همانند بسیاری از واژه های سیاسی و اجتماعی دیگر، تحولات زیادی را از سر گذرانده است؛ به نحوی که نمی توان به یک تعریف خاص از آن بسنده کرد، بلکه باید از عناصر اصلی آن سخن گفت. عنصر اصلی در مفهوم «امنیت»، فقدان تهدید یا به حداقل رساندن تهدیدهای اجتماعی است، و احساس آرامش در زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، ثمره امنیت، هیچ مکتب و نظام سیاسی نمی تواند فارغ از مسأله امنیت باشد، وگرنه نسبت به فلسفه وجودی خود بی اعتنا بوده و پایدار نمی ماند. اسلام به عنوان یک نظام حقوقی و سیاسی، که به نیازهای فردی و اجتماعی توجه دارد، از این قاعده مستثنا نیست.

از نظر اسلام، امنیت نخستین شرط یک اجتماع سالم است و به قدری دارای اهمیت می باشد که از سوی خداوند متعال، پاداش های بزرگی برای حافظان آن معین گردیده و برای افرادی که امنیت عمومی را به مخاطره بیفکنند مجازات های سختی همانند بریدن دست و پا و اعدام پیش بینی شده است.

فساد مالی:

مراد ما از فساد مالی به دست آوردن ثروت از راه هایی است که در شرع مقدس اسلام ممنوع گردیده، و در صورتی که این مسأله بین مردم و کارگزاران نظام شیوع پیدا کند، به عنوان یک معضل اجتماعی و سیاسی مطرح خواهد بود. از نظر اسلام، مال و ثروت همان گونه که عامل استقلال و پیشرفت مادی است و رشد و ترقی مادی انسان وابستگی زیادی به آن دارد، تعالی معنوی و روحی انسان نیز در گرو مشروع بودن و حلیت آن است، به نحوی که در برخی از روایات، شرط بقاء ایمان و جزء مهم عبادت و بندگی خدا، بهره مند بودن از مال حلال معرفی شده است. به همین دلیل، اولیای الهی برای این موضوع اهمیت وافری قایل بودند و به شدت از مال حرام و شبهه ناک پرهیز می کردند. از نظر اسلام، همان سان که بهره مندی از روزی حلال در عروج انسان نقش

اساسی دارد، استفاده از حرام نیز در سقوط و انحطاط انسان، نقش کلیدی دارد. فساد مالی افراد علاوه بر این که خود آن ها را از رشد و تعالی باز می دارد، زمینه شیوع فساد در جامعه را نیز فراهم می کند. در صورتی که افراد از اموال عمومی به طور نامشروع بهره مند شوند و به نحوی وابسته به حکومت اسلامی باشند، زیان سیاسی و اجتماعی آن ها مضاعف خواهد بود.

با گسترش فساد مالی در جامعه، به طور طبیعی، عدالت اجتماعی رنگ خواهد باخت و جای آن را تبعیض، فساد و فقر خواهد گرفت و در نتیجه، حکومت دینی فلسفه وجودی خود را، که همانا برقراری عدالت اجتماعی در ابعاد گوناگون است، از دست خواهد داد و در مواردی، حتی ممکن است واکنش طبقات محروم و نابودی حکومت را به دنبال داشته باشد.

اساسا هدف کلی ادیان الهی برقراری موازین عدالت اجتماعی و متعادل ساختن سازمان های اجتماعی است تا از این طریق، زمینه تکامل اخلاقی و معنوی افراد فراهم آید. فلسفه اصلی حکومت اسلامی نیز برقراری عدالت اجتماعی و گرفتن حق ستم دیده از ستمگر و پاس داشتن حقوق مادی و معنوی افراد است. در صورتی که فساد مالی شیوع پیدا کند و اموال عمومی در اختیار عده ای خاص قرار گیرد، فلسفه حکومت زیر سؤال می رود و در این صورت، طغیان مردم و نافرمانی مدنی امری طبیعی خواهد بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام در حکومتشان با جدیت، مسأله عدالت را دنبال می کردند و با هر چیزی که شائبه تبعیض و بی عدالتی در آن بود، سخت برخورد می نمودند، بخصوص نسبت به کارگزاران حکومت حساس بودند و از آن ها به شدت مراقبت می کردند.

حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر نوشتند:

«پرهیز از امتیازخواهی و این که چیزی را به خود مخصوص داری که [بهره] همه مردم در آن یکسان است؛ و از تغافل در آنچه به تو مربوط است و برای همه روشن است، برحذر باش. همچنین امیرمؤمنان علیه السلام به مالک اشتر یادآور می شوند که



حکومت اسلامی اقتدار خود را مدیون قدرت لایزال خداوند متعال و حمایت مردم مؤمن و موحد است. در صورتی که فساد مالی در جامعه شیوع پیدا کند و نخبگان و مسؤولان نظام نیز گرفتار این بلا شوند؛ علاوه بر این که لطف خدای سبحان از حاکمان برداشته می شود مردم مؤمن نیز حاضر به همکاری نیستند. وقتی مردم ببینند حاکمان به جای خدمت گذاری به آن ها در فکر سودجویی و همراهی با طبقات مرفه و بی درد هستند، طبعاً حاضر به پشتیبانی از آن ها نخواهند بود. این موضوع برای حکومتی که برخلاف همه دنیا (که نظام سکولار را پذیرفته اند) حرکت می کند و می خواهد ارزش های دینی را حاکم نماید و به هیچ قدرت خارجی وابسته نیست، از اهمیتی مضاعف برخوردار است.

حضرت علی علیه السلام در این باره می فرمایند:

بی گمان، آنچه بیش از همه دیده و الیان به آن روشن است، برقراری عدالت در کشور و گسترش دوستی ملت است و بی گمان، دوستی افراد ملت به یکدیگر آشکار نگردد، جز آن گاه که دل ایشان از کینه پاک شود و خیرخواهی مردم راست نیاید، جز آن که بر گرد زمام داران خود جمع شوند و از وجود دولت مردان خود احساس سنگینی نکنند و از دوام حکومت و درازی مدت بر سر کار بودن ایشان به ستوه نیایند.

نتیجه:

شیوع فساد مالی، تهدیدی علیه امنیت ملی میباشد. فساد مالی تنها بعنوان یک مسئله اقتصادی بیان نمیشود بلکه در حوزه های مختلف از جمله؛ اخلاق، سیاست، اجتماع، آموزش و غیره موثر است. با توجه به هشدارهای و تاکید های مکرر ائمه اطهار علیهم السلام خصوص پیامبر مهربانی صلی الله علیه و آله و امیربیان علی علیه السلام و از طرفی فرامین رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای (حفظه الله) در جامعه کنونی به این مهم خواهیم رسید که با مفسدان اقتصادی باید برخورد قاطع و جدی شود و راههای نفوذ دشمن را برای ایجاد این فساد، دفع و در صورت دخول؛ رفع کنیم تا جامعه ای سالم داشته باشیم.

مبادا دیگران به سبب وابستگی به تو، انحصارطلبی کنند و امتیازات نابجا کسب نمایند. آن حضرت به مالک اشتر نوشتند: «برای زمامدار، نزدیکان و خویشاوندانی است که اهل استیثار و برتری جستن و امتیازخواهی و دست درازی کردن هستند و در داد و ستد، انصاف را کم تر به کار بستن. پس ریشه ستم را با بریدن اسباب آن از بیخ بر کن و به هیچ یک از اطرافیان و بستگانت زمینی را به بخشش و امگذا؛ و مبادا در تو طمع کنند که قراردادی به سود ایشان منعقد کنی که مایه زیان سایر مردم باشد.

علی علیه السلام در دوران حکومتشان در حدّ غیرقابل توصیفی، تقوای مالی را رعایت می کردند و همه طمع ها را از خود قطع کرده بودند، آن بزرگوار آنگاه که وارد عراق شدند، فرمودند:

با این جامه ها به سرزمین شما آمدم، و بار و بُنه ام همین است که می بینید. اگر از سرزمین شما با چیزی جز آنچه با آن آمده ام بیرون روم، از خیانت کاران خواهم بود.

فساد اخلاقی:

فساد مالی از جهت دیگری نیز به نحوی تهدید برای امنیت ملی به حساب می آید؛ وقتی کسانی که از راه های غیرمشروع ثروتی به هم زدند و از راه حرام ارتزاق کردند، از نظر اخلاقی، فاسد می شوند و حکومت اسلامی راه، که مجری قوانین اسلام است، بر نمی تابند و درصدد براندازی نظام اسلامی برمی آیند و با دشمن همکاری می کنند؛ به خصوص اگر این افراد از کارگزاران حکومت باشند، این خطر جدی تر خواهد بود.

مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند:

وقتی پول حرام در میان مردم و نخبگان و مسؤولان رایج شد، فساد اخلاقی نیز جامعه را در برمی گیرد و کشور عملاً به پایگاه دشمن تبدیل می شود.

عدم حمایت مردم از حکومت اسلامی:

از جمله آثار مخرب فساد مالی بر امنیت ملی، این است که حکومت پشتوانه مردمی خود را از دست می دهد و در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی، آسیب پذیر خواهد شد.

امروز يك چیزی فرق کرده

نیلوفرگل زاده



که؛ تصویر زنان رنگ وارنگ نوبی خیابان را از یاد ببرد. دستانت باید نرم و لطیف باشد تا مبادا مردت خیره ی دستان نرم و بدون ترک زن دیگری شود. به افکار خودم پوزخندی زدم و کرم نرم کننده را روی دستم خالی کردم. به ساعت نگاهی انداختم؛ چقدر امروز تند تند وقت می گذرد. صدای بم مرد کوچک خانه، پسر ۱۹ ساله ام مرا از فکر و خیال بیرون کشید.

• مامان من میرم بیرون

باز هم هیاهوی دور شدن پسر یکی یکدانه ام در دلم پیچید.

• مگه امروز هم کلاس داری مامان جان؟

ابروهای پر پشتش که به پدرش رفته بود رو در هم کشید و گفت:

• ای بابا؛ گیر نده دیگه.

پسر کوچولوم بزرگ شده بود و حالا تو روی مادرش ایستاده بود.

امروز یک چیزی فرق داشت؛ چون از حرف پسریم بغضم گرفت و قطرات اشک توی چشمم نشست.

قابلمه را روی گاز گذاشتم و شعله را کم کردم.

امروز چقدر زود تمام شد و هنوز باران قطع نشده بود. انگار کل شهر را داشت آب می برد. بی حوصله سفره را چیدم و آرام همه را صدا کردم تا برای خوردن شام بیایند. گرمی وجود همسرم و پسریم و دخترکم اطراف سفره را پر کرده بود. با صدای همسرم سر بلند کردم و باز هم با ابروهای پر پشت و در هم گره خورده روبه رو شدم.

آخ که فراموش کرده بودم که قیمة دوست ندارد.

صدای غرغر هایش که میدانم از خستگی زیادش ناشی میشد؛ گوش هایم را پر کرده بود. امروز یک چیزی فرق داشت. چون بغض با دستان قدرتمندش گلویم را میفشرد. با چشمان اشکی از جایم بلند شدم و آنها را با تعجبی که از دیدن اشک های من در وجودشان به تلاطم افتاده بود، تنها گذاشتم. در لحظه ی آخر صدای آرام دخترکم را شنیدم که گفت امروز مامان فرق کرده... چرا نفهمیده بودم؟ همه چیز مثل همیشه بود و این من بودم که فرق کرده بودم. امروز مثل کوه نبودم. نتوانستم حرف ها و احساساتم را نشان ندهم. امروز یک چیزی در وجود من فرق کرده بود. درک کردن زن ها کار سختی نیست. سنشان که بالاتر می رود؛ دلیل نمیشود آن احساسات دخترانه شان را از دست بدهند. اگر سکوت می کنند؛ نشان دهنده ی رضایتشان نیست.


لطفا کمی مهربان تر ...

صدای رعد و برق، مرا از خواب آرام و بی دغدغه ام بیرون کشید. ساعت طلایی روی دیوار، خبر از ساعت هشت صبح را می داد. دستانم را زیر شیر آب گرفتم و در آینه به خودم خیره شدم. انگار امروز یک چیزی فرق داشت... انگشتانم قطرات آب را بالا و پایین می برد. با دقت به دستانم خیره شدم. سرانگشتانم پوست پوست شده بود؛ ناخن هایم ترک خورده بود و پشت دستانم شاید، دست کمی از کویر لوت نداشت. خنده ام گرفت؛ خواسته بودم خانم خونه باشم... لباس شویی خراب شده بود؛ لباس ها را با دستم شستم و این بلا را سر انگشتانم آوردم. به این فکر می کردم که مگر مادر و مادر بزرگ های ما اینجوری لباس و ظرف می شستند، چیزی از شون کم میشد؟ آیا مردشان می آمد خونه و میگفت چرا دستانت نرم نیست و خشک شده؟ نه بعید می دانم.

زمانه فرق کرده است. الان مردمان که خانه می آید، باید آنقدر به خودت برسی



يك سوزن به خود (۳)

محمدعلی پروازدوانی 

نگهداری حیوانات انقدر قدمت دارد که دقیق نمیتوان گفت اولین کسی که حیوانات را در خانه خود نگهداری کرد چه کسی بود ولی در تاریخ هست که انسان های خوب و بد در خانه خود حیوانات نگهداری میکردند از جمله پیامبر اسلام که کبوتر نگهداری میکردند در خانه خود و یا یزید چهره منفور در اسلام که میمون باز بوده است مردم ایران همواره حیوانات اهلی و بی آزار را در خانه های نگهداری میکردند همچون کبوتر و قناری و بلبل و گوسفند و بز که شرح مفصل دلایل هر کدام از حوصله این موضوع خارج هست و در اسلام توصیه به نگهداری حیواناتی همچون کبوتر و خروس و مرغ و گوسفند داشته و در روایات متعدد آمده با نگهداری حیوانات فرزندان جنیان و شیاطین را با آنها مشغول سازید تا با فرزندانان بازی نکنند

در دهه اخیر شاهد رشد روز افزون سگ در خانه ها هستیم، دلایل اینکه اسلام نگهداری این حیوانات را نهی کرده این هست که این حیوانات به دلیل شیوع آلودگی و نجس بودن از نظر سلامت جسمی و خو گرفتن بیش از حد با انسان موجب کاهش روابط عاطفی بین افراد خانواده شده و بنیان خانواده را سست میکند اغلب میبینیم افرادی که سگ نگهداری میکنند مجرد هستند و ازدواج نمیکند و یا خانواده ای که سگ دارند آن سگ همچون یکی از فرزندان آنهاست که این موضوع به لحاظ عاطفی و روحی عاری از مشکل نخواهد بود و ما در تاریخ نداریم که حتی یکی از پیشوایان دینی سگ خانگی نگهداری کنند و از پیامبر حدیث هست که خانه ای که در سگ نگهداری شود ملائکه الهی به در نمی آیند و از امام علی روایت داریم که از نگهداری سگ در خانه خود بپرهیزید و در حدیثی دیگر آن حضرت میفرمایند در نگهداری سگ خیری نیست مگر سگ شکاری برای نهبانی و سگ گله برای حفاظت از گوسفندان...



سبک‌های نقاشی (۲)

انسیه بیگلری

پست امپرسیونیسم

هنرمندان سبک پست امپرسیونیسم در را به روی دنیای هنر مدرن باز کردند. اصطلاح پست امپرسیونیسم هم به وسیله یک منتقد هنری انگلیسی به نام «راجر فرای» برای توصیف هنرمندانی که بلافاصله پس از امپرسیونیست ها ظهور کردند ابداع است. امپرسیونیست ها استفاده از نور، سایه و رنگ در هنرشان را از امپرسیونیست ها به آموختند. آنها می خواستند ایده های جدید خودشان را به هنر اضافه کنند. بنابراین برای بیان افکار و احساساتشان در هنر شروع به تجربه موضوعات، تکنیک ها، دیدگاه ها و اشکال جدید کردند. به این ترتیب سبک پست امپرسیونیسم به وجود آمد.

گرافیتی

گرافیتی یا نقاشی دیواری به آن دسته از دیوارنوشته ها یا نقاشی هایی گفته می شود که با انگیزه ای شخصی روی در و دیوار شهر ها و اماکن عمومی کشیده می شود این کار تقریباً در همه جای دنیا با منع قانونی مواجه است. گرافیتی با نوشته های سر دستی و یادگاری های روی دیوار متفاوت بوده و نیز مختص سن یا طبقه فرهنگی و اقتصادی خاصی نیست. امروزه گرافیتی بیش از هر هنر دیگری مورد بد فهمی و استفاده نا به جا واقع شده است و در بسیاری از کشور ها جنبه تاثیر گذار و بیان گرای خود را از دست داده و صورت دیوار نوشته هایی رنگارنگ و پرپیچ و تاب (که آن هم خالی از ارزش نیست) مبدل شده است. استفاده های نابجا و یک جانبه از گرافیتی های نوشتاری در کلیپ های ویدئویی و تبلیغ بیش از حد این رسانه ها در منسوب کردن آن به فرهنگ معترض سیاهان نیز از دلایل اصلی این عدم توجه و دست کم گرفتن است، بنا بر «امرکن هریتیج دیکشنری» لغت گرافیتی از واژه گرافو مشتق شده است که به معنی اثر گذاری سریع یا خط خطی است و ممکن است اصل این واژه به «گرافایر» (نوشتن با قلم فلزی) در لاتین عامیانه باز گردد.

آپ آرت

هنر دیدگانی (Op Art یا Optical Art) به نوعی نقاشی یا اشکال دیگر هنر گفته می شود که با خطای دید سر و کار دارند و یا از آن استفاده می کنند. هنر دیدگانی، یک جنبش هنری بود که در سالهای دهه شصت میلادی، از هنر پاپ (Pop Art) مشتق شد و به صورت مکتبی مستقل درآمد. بسیاری از نمونه های مشهور هنر دیدگانی سیاه و سفید رسم شده اند، به این دلیل برخی آن را آبستره می دانند

بیننده ای که به آثار این سبک می نگرند، ممکن است حرکت، چشمک زدن، خاموش و روشن شدن، چرخش، لرزش یا جهش مشاهده کند. این سبک، ترکیبی از علم و هنر است. به عبارتی می توان گفت که وجوه علمی در آثاری که به این سبک خلق می شوند، قابل تشخیص هستند. هنرمند این سبک در آثاری که خلق می کند، تأثیرات مختلفی را که در بیننده ایجاد می شود، مد نظر دارد و هدف وی این است که تماشاگر را به نوعی در جریانی که این گونه تصاویر قصد بیان آن را دارند، وارد کند. گاهی در آثاری که به این سبک خلق می شود، مخاطب دو و یا چند تصویر مختلف را درون یک تصویر تشخیص می دهد و از این مشاهده، که به نوعی یک بازی فکری ست غرق در لذت می شود.

آپ آرت در واقع یک سبک نقاشی انتزاعی بود که از خطاهای بصری و دیگر جلوه های دیدمانی بهره می گرفت. این سبک عموماً از رنگ های درخشان و

انتزاعات هندسی درهم فشرده استفاده می کرد و بر مد، طرح های تبلیغاتی و دیگر جنبه های فرهنگ همگانی دوره ی خود، تأثیر زیادی داشت. در آپ آرت، تحریک شبکه چشم، مهم ترین وسیله و معمولاً تنها وسیله ارتباط است و هدف از آن، ایجاد واکنش های بصری فیزیولوژیک در تماشاگر است. بسیاری از کارهای هنر دیدمانی، چیزی بیش از بازی های زیرکانه ادراکی (یا خطای دید) نیستند. البته این آثار در بلند مدت نتوانستند اعتبارشان را حفظ کنند و فقط معدودی از آن ها توانستند موقعیت خود را به عنوان یک اثر هنری حفظ کنند، و از آن میان تنها استثنای درخور توجه، کار بریجیت رایلی بود. در سالهای اخیر با گسترش و رشد گرافیک کامپیوتری انواع جدیدی از این آثار پدید آمد که نمونه شاخص آنها، تصاویری بود که در سالهای دهه ۷۰ خورشیدی به نام تصاویر سه بعدی در جراید به چاپ می رسید.

باربیزون

این سبک نام دهکده باربیزون واقع در جنگل فنتین بلو در حومه پاریس فرانسه است که هنرمندان این سبک طرح های اولیه را در طبیعت تهیه می کردند و پرده های نهائی را در کارگاه می ساختند. هنرمندان این سبک برای طراحی اولیه آثار خود اسکیسی از موضوع خود طراحی می کنند و سپس الگوهای اولیه خود را به کارگاه برده و شروع به رنگ گذاری و پردازش بر روی نمونه های خود می کنند. لازم به ذکر است که اکثر آثار هنرمندان این سبک در اندازه های بزرگ طراحی می گردیده است. از دیگر خصوصیات این گروه وفاداری به طبیعت و الگو برداری مستقیم از طبیعت و واقعیت بوده است. مکتب باربیزون در امتداد مکتب رمانتیسیسم و پیش درآمدی بر مکتب رئالیسم است. اعضای این مکتب که تئودور روسو رهبر این گروه بود در اواخر دهه ۱۸۴۰ در دهکده باربیزون نزدیک جنگل فونتنبلو (محل سکونت روسو) اقامت گزیدند و در آن جنگل مشغول به نقاشی شدند. آنها پیش طرح خود را در طبیعت میزدند و داخل آتلیه کار را تمام میکردند. (بر خلاف امپرسیونیست ها)

کورو از نقاشانی بود که ارتباط نزدیکی با گروه باربیزون داش. از اعضای گروه باربیزون می توان از ژان فرانسوا میله، شارل دوینی، نارسیس ویرژیل دیاژ، ژول دوپره، امیل ژاک نام برد.

فتورنالیسم

فتورنالیسم سبک نقاشی است که بر اساس استفاده از عکس ها و نقاشی عین آن عکس است که به نظر می رسد دقیقاً مانند عکس گرفته شده است. به این ترتیب نگاه به نقاشی، نگاه واقعاً نزدیک به واقعیت است. این اصطلاح در اواخر دهه ۱۹۶۰ در جنبش هنر ایالات متحده ظاهر شد.

بسیاری این نوع از سبک هنر را مورد انتقاد قرار دادند، زیرا اعتقاد بر این است که هنرمند باید چیز جدیدی را خلق نماید نه کپی از روی چیزی که وجود دارد.

تونالیسم

تونالیسم ریشه در در سبک فرانسوی باربیزون و تاکید بر عناصری همچون جو و سایه دارد. تونالیسم از تکنیکی شاخص با به کار گیری ارزش میانی رنگ ها، به گونه ای که در تقابل با وضوح زیاد و پرنگی شدید است، استفاده می کند. نتیجه این امر ظاهر نکردن تأثیرات کلی است به این معنا که اشکال

در زمینه های عقلانی و عاطفی بیش از هر زمان مورد توجه قرار گرفت. در عین حال که به عناصری چون فضا سازی و نورپردازی نیز توجه شد.

براساس گفته بسیاری اندیشمندان این سبک بیش از هر جا در ایتالیا، شهر رم پرورش یافت و تحت تأثیر عمیق کاتولیک ها قرار گرفت. جدای از این به کشورهای چو اسپانیا، اتریش، فرانسه و هلند نیز رخنه کرد و تحولی عظیم پدید آورد. از این رو سبک باروک را متولد ایتالیا و نمودی از آراء و اندیشه های حاکم بر آن دیار می دانند.

در آن دوران سبک باروک متأثر از دو موج بزرگ شد: یکی دربار سلطنتی و کلیسا و یکی طبقه متوسط مردم.

نوع دوم باروک بیشتر جنبه رئال داشت و منعکس کننده زندگی روزمره مردم عادی، در صورتی که نوع اول باروک تنها به تصویرسازی از شکوه و عظمت اشرافیت می اندیشید؛ آنچنان که کاخ ورسای را می توان بهترین نمونه باروک سلطنتی دانست.

تونالیست هرگز کاملاً آشکار نیست.

سادگی، عدم وضوح، حضور انفرادی اشکال (طراح ها) در سکوتی وادار کننده به تفکر، و یکدستی یکپارچه به علاوه فاکتور هایی همچون مناظر دلپذیر و روشن در حضور پشت زمینه ای مه آلود که با نور ماه روشن شده از مشخصه های اصلی تونالیسم هستند.

باروک

باروک روشی است در هنرهای معماری، نقاشی، موسیقی و مجسمه سازی که از اواخر سده ۱۶ میلادی در ایتالیا آغاز شد و تا اواخر سده ۱۸ میلادی در اروپا رواج داشت و سپس در آمریکای مرکزی و جنوبی مورد توجه قرار گرفت. آزادی در طراحی، شمار زیاد شکل ها و درآمیختگی آن ها از ویژگی های این سبک است.

سبک باروک در طی قرن هفدهم و هجدهم توانست در اروپا حکمرانی کند و تأثیر عمیقی در معماری، نقاشی، مجسمه سازی و حتی شهرسازی بگذارد. در این سبک خاص که با واکنش های متفاوتی مواجه شد، ایجاد کشش و جاذبه





اهمیت ورزش در جامعه

موسی خرم اصل
دانشجو کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی



مقدمه:

تمایل به ورزش میتواند بسیار مفید باشد و علاوه بر پیشگیری از بروز سکتة های قلبی و مغزی، خطر ابتلا به بسیاری از بیماری های دیگر را کاهش دهد و از طرفی دوری از ورزش بسار زیانبار است. با انجام ورزش دائمی در کنار داشتن یک برنامه زندگی منظم با برنامه غذایی حساب شده میتوان همیشه سالم زندگی کرد. ورزش بعنوان علمی ترین، ارزانتین و ساده ترین روش برای پیشگیری و درمان انواع بیماری های جهان صنعتی امروز یاد شده است.

شرح موضوع:

امروزه ورزش یکی از اموری است که به عناوین مختلف در جهان مطرح شده و گروه زیادی به اشکال گوناگون با آن سرو کار دارند. برخی از مردم، ورزشکار حرفه ای اند و گروهی ورزشکار آماتور. گروهی طرفدار و علاقه مند به ورزش و دیدن برنامه ها، مسابقات و نمایش های ورزشی بوده، وعده ای نیز از راه ورزش امور زندگی خویش را می گذرانند. وزارتخانه ها و ادارات ورزشی فراوانی تاسیس شده و مخارج زیادی صرف ورزش، ساختن استادیوم ها، مجتمع ها و باشگاه های ورزشی و نیز تهیه وسائل و لباس های ورزشی و یا تماشای مسابقات ورزشی می شود. بخش های قابل توجهی از برنامه های تلویزیون، رادیو، مجلات و سایر رسانه های گروهی، به ورزشی و اخبار ورزشی اختصاص دارد و خلاصه ورزش یکی از اموری است که در جهان به صورت جدی مطرح بوده و از جهات مختلف دارای اهمیت می باشد، از جمله: امروزه یکی از مشکلات جامعه بشری، مساله بی کاری و عوارض ناشی از آن است. بی کاری، به ویژه برای نوجوانان و جوانان و به خصوص در ایام تعطیلات تابستانی مدارس و مراکز آموزشی، بسیار خطرناک و مضر است و باید با آن مبارزه شده، یا به نحوی اوقات بی کاری را پر نمود که مفید بوده

و یا لافل مضر نباشد. بسیاری از انحرافات، از قبیل: اعتیاد به مواد مخدر، دزدی و ایجاد مزاحمت، دعاها درگیری های خیابانی، انحرافات جنسی و غیره زاینده بی کاری و ولگردی است.

بدون شک، مردم و کشور باید در پی ایجاد کار و اشتغال سالم برای همه باشند، ولی آیا همیشه امکان اشتغال برای همه و به ویژه جوانان و نوجوانان فراهم است؟ اگر این امکان فراهم نشد، تکلیف چیست؟ آیا ایجاد سرگرمی های سالم و مفید نمی تواند از بسیاری انحرافات جلوگیری کند؟ ورزش یکی از مفیدترین و سالم ترین سرگرمی هایی است که می تواند اوقات فراغت جوانان و نوجوانان را پر کند. ورزش، کسالت و تنبلی را از انسان زدوده و به وی نشاط و شادابی بخشیده، او را برای انجام کارهای و وظایف فردی و اجتماعی آماده نموده و اخلاقش را بهبود می بخشد. ورزش، روحیه شجاعت، از خود گذشتگی، مبارزه با ظلم و ظالم و دفاع از مظلوم را در انسان تقویت نموده، اراده وی را قوی می سازد.

ورزش، توان رزمی انسان را افزایش می دهد. بالا بودن توان جسمانی نیروهای نظامی و رزمی، تنها در زمان های گذشته که جنگ ها با سلاح های سرد صورت می گرفت، مورد توجه نبوده، بلکه امروزه نیز حائز اهمیت فراوان است و تمرینات بدنی قسمت عمده ای از آموزش های نظامیان و به ویژه کماندوها و نیروهای ویژه را تشکیل می دهد. همچنین افرادی که از نقطه نظر بدنی و جسمانی، ضعیف و یا ناقص باشند، در ارتش پذیرفته نشده و گاه از خدمت سربازی نیز معاف می گردند. اهمیت سلامتی و توانمندی جسمانی بر کسی پوشیده نیست.

پیامبر گرامی اسلام صلی علیه واله در باره حق بدن بر انسان می فرماید:
إِنَّ لِرَبِّكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَإِنَّ لِيَجْسِدِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لَا هَلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا؛
پروردگارت بر تو حقی دارد، و بدنت بر تو حقی دارد، و خانواده ات (نیز) بر تو حقی دارد. آن چه در این حدیث ارزنده قابل توجه است، این است که پیامبر بزرگوار



اگر جنبش بدن کم شود، دفاع بدن کم و ضعیف می گردد، و همچنان که داشتن تحرک و ورزش موجب سلامتی بدن و طول عمر می گردد، نداشتن تحرک نیز موجب مرگ زود رس می شود.

عوارض ورزش نکردن:

ورزش به همان اندازه که برای فرد ورزشکار مفید است، دوری از آن هم عوارضی دارد. از دیدار بروز سکتته‌های قلبی و مغزی، انسداد عروق کرونر قلبی و نیاز بیشتر به جراحی قلب، گشادی قلب، فشار خون بالا، چاقی، بیماری‌های تنفسی، کاهش سیستم دفاعی بدن در برابر بیماری‌های عفونی، بیماری‌های کبدی، آرتروز و بیماری‌های ستون مهره‌ها از انواع بیماری‌هاست که دوری از ورزش میزان ابتلا به آنها را بیشتر می‌کند. همچنین کم تحرکی و ورزش نکردن در بسیاری موارد موجب بروز دیسک کمر و گردن، سنگ کلیه، کاهش واکنش‌های مغزی، احساس رخوت و خستگی مزمن و روحیه ضعیف در فعالیت‌های روزمره می‌شود و از همه بدتر اینکه تمایل افراد به استفاده از مواد مخدر و الکل و مصرف بیشتر داروهای روان گردان را هم بیشتر می‌کند. کاهش ذخایر کلسیم و فسفر بدن، اختلالات پوستی، نارسایی جنسی و کاهش غلظت خون هم از دیگر عوارض ورزش نکردن است

نتیجه گیری:

داشتن یک برنامه زندگی به طور منظم و حساب شده برای سلامتی افراد بسیار مهم است. فردی که از نظر غذایی مواد لازم و ضروری را رعایت می‌کند و پر خوری و زیاده روی نمی‌کند، به ورزش و تمرینات بدنی می‌پردازد، از هوای سرشار از اکسیژن پارک‌ها یا مناطق جنگلی بهره می‌برد و زندگی را سخت نمی‌گیرد هرگز دلیلی ندارد که سکتته قلبی کند و به فلج مغزی و مشکلات طبی دچار شود. پس منظم و شاد باشیم و ورزش کنیم تا همواره سالم و موفق زندگی کنیم.

اسلام، تا بدان پایه برای جسم و بدن ارزش و اهمیت قابل است که حق بدن را در ردیف حق پروردگار (آن هم بلافاصله بعد از آن) و در کنار حق خانواده (و حتی قبل از آن) ذکر می‌فرماید. زمانی انسان می‌تواند حق پروردگار و خانواده خویش را به بهترین نحوی ادا کند، که از بدنی سالم و نیرومند برخوردار باشد. ورزش، کمک شایانی به ایجاد و تقویت سلامتی جسمانی و روانی می‌کند، و افرادی که با روش صحیح ورزش می‌کنند و یا دارای کارهای با تحرک می‌باشند، سالم تر بوده و عمرشان از افرادی که کارهای بدون تحرک دارند بیشتر است. امروزه ورزش در سطح بین المللی، بعد سیاسی نیز به خود گرفته است. گاه اتفاق می‌افتد کشوری که بیش تر مردم حتی نام آن را نشنیده اند، یک باره در جهان مطرح شده و به واسطه پیروزی‌های ورزشی، نامش در صفحه اول روزنامه‌های جهان و صدر اخبار قرار می‌گیرد. شرکت و یا عدم شرکت تیم‌های ورزشی یک کشور در یک کشور دیگر نیز، گاه جنبه سیاسی داشته و به معنای دوستی، دشمنی، اعتراض و ... تلقی می‌شود.

در انسان گزینه قدرت طلبی، برتری جویی و مبارزه وجود دارد. ورزش و مسابقات ورزشی اگر در محیط و جو سالم برگزار شوند، زمینه اشباع این گزینه از طریق صحیح را فراهم می‌سازند. اگر این گزینه و سایر غرایز، کنترل نشده و به مسیر صحیح هدایت نشوند، برای جامعه بشری مشکل ساز و مساله آفرین خواهند بود. ورزش، توان انسان را برای انجام کارهای روزمره شخصی و اجتماعی بالا می‌برد، حتی عباداتی از قبیل نماز، روزه، حج و جهاد نیز با بدنی سالم و نیرومند، بهتر، بیش تر و راحت تر جامه عمل به خود می‌پوشند. ورزش به انسان تحرک می‌بخشد و حرکت و تحرک به ویژه در کودکان لازمه رشد است. اگر عضو نیرومندی از اعضای بدن یک ورزش کار را چندین ماه در گج قرار دهند و تحرک را از آن سلب نمایند، ضعیف و لاغر خواهد شد.

ورزش و بانوان

علیرضارشیدی
کارشناس تربیت بدنی



مقدمه

و غذاهای سالم با ارزش مواد غذایی بالا جایگزین آن شود مواد غذایی که دارای کالریهای مفید است شامل غلات و سبزیجات میوه جات چربیهای مفید لبنیات و پروتئین و کربوهیدرات ها سالم میباشند یک برنامه غذایی سالم باید شامل تمامی این مواد به میزان کافی برای هر فرد بسته به تحرک اش باشد

چه زمانی و چه مقدار تحرک مناسب است

ورزش به هدف چربی سوزی در ساعات اولیه روز توصیه میشود. بدن در این ساعات اولیه کالری کمتری دریافت کرده است و از کالریهای ذخیره در بدن برای ورزش استفاده میکند بدین ترتیب چربی مضر خود را از دست میدهد. تمامی افراد حداقل ۳ روز در هفته نیاز به تمرینات هوازی دارند مانند پیاده روی پیلاتس ایروبیکی تی ار ایکس شنا و در کل ورزش های متکی بر وزن بدن. حال اگر بانوان محترم نمیتوانند به باشگاه بروند نباید از پیاده روی غافل شوند با زهم اگر مقدور نباشد در منزل طناب بزنند و اکثر کارهای ماشینی منزل را با دست انجام دهند زیرا کارهای منزل هر کدام کالری بالایی را می سوزانند. تمامی این حرکات ورزشی باید منظم باشد و همراه با تمرکز انجام شود.

حداقل هشت ساعت بخوابید

خوابیدن به اندازه کافی باعث کاهش وزن می شود. بدن در زمان خوب سوخت و ساز بیشتری دارد. کمبود خواب هورمون هایی ترشح می کند که برای کاهش وزن مناسب نیستند.

سوخت و ساز را با غذاهای چربی سوز همراه کنید

دلیل این که بعضی رژیم های غذایی کارساز نیستند این است که تنها بر

ورزش همیشه برای بانوان دغدغه ای بزرگ بوده است. از یک طرف داشتن تناسب اندام و از طرفی دیگر و صد البته مهم سلامتی موجب شده است بانوان در تمامی مراحل زندگی به ورزش اهمیت بدهند. با توجه به مسوولیت سنگین و مقدس فرزندپروری و خانه داری که اکثریت بانوان دارای آن میباشند گاهی از ورزش باز مانده اند. حال ما در این مقاله مطالبی مفید را در این خصوص بازگو میکنیم. مطالبی که به بانوان کمک میکند با داشتن تمامی مسوولیت ها و مشغله های زندگی به تناسب اندام برسند و همواره سالم زندگی کنند.

نکاتی مفید مربوط به تغذیه

به میزان تحرک روزانه کالری دریافت کنیم؛ میزان غذای یک ورزشکار حرفه ای بسیار کمتر از یک فرد کم تحرک است. پس بنابراین اگر شما کم ورزش میکنید و یا تحرک ندارید سعی کنید کالری کمتری دریافت کنید تا از تجمع آن ها و منجر شدنشان به چربی های اضافه جلوگیری کنید.

از کالریهای مفید استفاده کنیم

توجه به زندگی ماشینی اصول تغذیه رو به غذاهای فست فود و آماده پر از کالریهای بی ارزش رفته است که فاقد مواد مغذی می باشند و برای سلامتی بسیار مضر میباشند که منجر به چاقی های موضعی در ناحیه های شکم پهلو و ران ها میگردد. تا جایی که امان دارد بایستی از خوردن این غذاها پرهیز شود



آید که آخر هفته ها از آنچه باید بیشتر غذا می خوردید و یا مثلا کل یک هفته را ورزش نمی کنید. تسلیم نشوید. با وجود چنین اتفاقاتی باز هم می توانید وزن کم کنید. تسلیم شدن به خاطر یک آخر هفته بد منجر به موفق بودن نمی شود. مهم نیست چه اتفاقی می افتد، آغاز هفته را به عنوان شروعی تازه در نظر بگیرید، به مسیر بازگردید و سعی کنید به اهداف خود برسید.

اجتماعی بمانید

من بر این باورم که داشتن زندگی اجتماعی قوی برای سلامت روان بسیار مهم است. بنابراین من برنامه ام را طوری تنظیم کردم که هم به تناسب اندامم برسم، هم زندگی اجتماعی. برای مثال اگر سه شنبه شب برای شام برنامه داشتیم صبح می دویدم و یا اگر صبح کاری داشتیم ورزشم را برای شب یا عصر می گذاشتم. مهم این است که بتوانید برای خودتان برنامه ریزی کنید و اجازه ندهید یک بهانه باعث بروز مشکل در زندگی اجتماعی یا برنامه ورزشی تان شود.

به آرامی تغییر ایجاد کنید

ترک کردن یک عادت بد برای همه کار ساده ای نیست. من خیلی ها را دیدم که در ترک عادات بد شکست خوردند. من فکر می کنم حذف کردن تدریجی غذاهای بد و جایگزین کردن غذای سالم به جای آنها عملی باشد. من هر روز فست فود می خوردم، در ابتدا آن را به دو بار در هفته کاهش دادم و پس از مدتی به یک بار در هفته و در حال حاضر اصلا فست فود نمی خورم. عملی کردن این تصمیم، حدود یک سال و نیم طول کشید و کمکم کرد وزن زیادی را با موفقیت کاهش دهم.

بعضی وقت ها اشکال ندارد کیکی را که

دوست دارید بخورید

همه ما انسان هستیم و بعضی وقت ها به یک میان وعده خوشمزه نیاز داریم! وقتی سالم غذا خوردن را خوب بلد باشید می توانید از آن برای خوردن غذاهای دلخواه نیز استفاده کنید. وقتی ابتدا سبزیجات و پروتئین میل می کنید، در واقع خود را با مواد غذایی خوبی پر کرده اید که جایی برای چیزهای دیگر نمی گذارد. سپس تنها مقداری از آن کیکی را که هوس کرده بودید بخورید، در حدی که مزه اش وارد دهانتان شود. شاید در ابتدا غیر ممکن به نظر بیاید اما این کار به کسی که مورد استفاده اش قرار داده کمک کرد ۴۹ کیلوگرم وزن کم کند.

شمارش کالری، افزایش پروتئین و کاهش کربوهیدرات تمرکز دارند. شما باید غذاهای چربی سوز نیز مصرف کنید و از خوردن غذاهایی که چربی را ذخیره می کنند پرهیز کنید.

تیروئید خود را آزمایش کنید

ممکن است تیروئید شما کم کار باشد. تیروئید کم کار هورمون کنترل کننده سوخت و ساز را کمتر ترشح می کند. یک پنجم افراد بالای ۴۰ سال تیروئید کم کار دارند. اگر احساس می کنید که خسته هستید و همیشه سردتان است احتمال کم کاری تیروئید در شما وجود دارد.

آرام و مداوم عمل کنید

بیشتر رژیم های غذایی احساس گرسنگی را تقویت می کنند و باعث تغییراتی هورمونی می شوند. بنابراین بهتر است روشی را انتخاب کنید که آرام پیش می رود. تغییرات کوچک باعث می شوند که سوخت و ساز بدن کم کم به شرایط عادت کند و واکنش های ناگهانی در بدن صورت نگیرد.

اهداف خود را یادداشت کنید

اهدافتان را فقط در سرتان نگه ندارید، یادداشتشان کنید و هر چند وقت یکبار به آنها مراجعه کنید. وقتی جذب جریان زندگی می شویم افکارمان کم کم ناپدید می شوند. وقتی یک هدف را یادداشت می کنید، تبدیل به واقعیت می شود و احتمال به خاطر ماندنش بیشتر می شود. به علاوه اگر این نوشته را جایی قرار دهید که در چشم باشد، هر روز آن را خواهید دید و مرتب یادآوری می شود. من هدفم را بزرگ روی در اتاقم نوشته بودم و هر روز صبح آن را با صدای بلند می خواندم.

ورزشی کنید که از آن لذت می برید

برخی از ما فکر می کنیم برای رسیدن به اهدافمان باید خودمان را مجبور به ساعت ها دویدن روی تردمیل یا شرکت در کلاس های ورزشی کنیم که دوستشان نداریم. اما دلیلی ندارد که با انجام ورزشی که دوستش دارید نتوانید وزن کم کنید. من ورزش های زیادی را امتحان کردم و در نهایت متوجه شدم به ایروبیک و تنیس علاقه دارم. از انجام این ورزش ها لذت می بردم و آنها نه تنها باعث شدند وزن کم کنم و قوی تر بشوم بلکه باعث شدند دیدگاهم نسبت به ورزش نیز به کلی تغییر کند.

هفته را با تازگی شروع کنید

هیچکس کامل نیست و زندگی سرشار از اتفاقات است. مواقعی پیش می





رازهای شادی و موفقیت



سحر افلاکی

۱. هدفگذاری کنید. اهداف کوتاه مدت میان مدت و بلند مدتتان را مشخص و وارد کاغذ کنید. این کار را به این صورت انجام دهید: یک لیست اهداف یک سال آینده، یک لیست اهداف پنج سال آینده و یک لیست اهداف ۱۰ سال آینده آماده کنید. ابتدای هر ماه از سال، این سه لیست را مرور کنید و یک لیست برای فعالیت های آن ماه بنویسید و در طول یک ماه آنها را انجام دهید. این کار باعث نظم و انسجام ذهنی شما میشود که انعکاس این نظم را در زندگیتان لمس خواهید کرد.
۲. هر شب قبل از خواب برنامه فردای خود را آماده کنید و بدانید از لحظه بیدار شدن تا شب چه کارهایی باید انجام دهید.
۳. دفتر سالانه داشته باشید. در این دفتر وقایع هر روز را تیتروار یادداشت کنید. ترجیحا یک سر رسید را از ابتدای سال به این کار اختصاص دهید. در انتهای هر سال وقتی این دفتر را مرور کنید با یادآوری خاطرات، موفقیتها، دستاوردها و اتفاقات مهم سال حس فوق العاده ای خواهید داشت.
۴. دفترچه تصمیمات داشته باشید. همه ما تصمیمات زیادی میگیریم که یا فراموش میشود یا به مرحله اجرا نمیرسند. برای پابندی و به یاد داشتن تصمیمات خود یک دفترچه به این کار اختصاص دهید و همواره در کیف خود داشته باشید. هرگاه تصمیمی (حتی کوچک) گرفتید سریع در دفترچه تصمیمات یادداشت کنید. این دفترچه را در زمان های خالی مثلا داخل مترو یا اتوبوس مرور کنید.
۵. همواره برای ارتقای سطح شغل، سلامتی و روابط خود تلاش کنید. با توجه به تجربیات و شناختتان در این سه زمینه مهم زندگی، تصمیمات منحصر به خودتان بگیرید. مثلا در روابط خود دچار مشکل هستید، پس ریشه و راه حل آن را بیابید و در این مورد تصمیمی بگیرید. یا مشکلی در زمینه سلامت دارید حتما برای بهبود سلامت خود برنامه ریزی و اقدام کنید. (یادتان باشد این تصمیمات را در دفترچه خود یادداشت کنید)
۶. دفتر حسابهای مالی داشته باشید. روزانه حساب درآمد و هزینه های خود را یادداشت کنید. با این کار هم نظم اقتصادی دارید و هم میتوانید با شناسایی مخارج اضافه سطح اقتصادی خود را ارتقا دهید.
۷. روزانه حداقل ۱۵ دقیقه ورزش کنید. به هر شکلی که دوست دارید روزانه چند دقیقه تحرک داشته باشید. ورزش حتما نیاز به باشگاه رفتن ندارد، میتوانید پیاده روی کنید بخصوص در پارک که از طبیعت نیز انرژی بگیرید، بهتر است این فعالیت را صبح انجام دهید تا کل روز پر انرژی و شاد باشید.
۸. ۲۰ دقیقه اول صبح و ۲۰ دقیقه آخر شب را جدی بگیرید. وقتی از خواب بیدار میشوید، چند دقیقه قبل از خواب شب ذهنتان آمادگی فوق العاده ای برای خیال پردازی و جذب اهدافتان دارد. در این دقایق توصیه میکنم تصورات مثبت داشته باشید مثلا اگر جلسه مهمی دارید، شب قبل و صبح جلسه بعد از بیدار شدن از خواب تصور کنید که جلسه را به شکل عالی به پایان رسانده اید. مطمئن باشید همینطور خواهد شد.
۹. روزانه حداقل نیم ساعت مطالعه کنید. در هر شرایطی این کار را انجام دهید. حتی اگر خیلی خسته بودید با چشمان نیمه باز مطالعه کنید. با این کار به مرور زمان اطلاعاتتان بیشتر میشود و تاثیر فوق العاده ای مطالعه در زندگی و شخصیتتان را بعد از مدتی متوجه میشوید.
۱۰. مهارت جدید بیاموزید یا مهارتهای ناتمام خود را بهبود بخشید. همواره خواهان پیشرفت و ارتقای آموخته های خود باشید. مهارتهای شما باعث افزایش حس شادی، مفید بودن و اعتماد بنفس شما میشوند.
۱۱. خوب لباس بپوشید. همیشه تیپ بزنید گویی با محبوبترین فرد زندگیتان قرار ملاقات دارید. خوشبو باشید عطر بزنید و ظاهر آراسته و مرتب داشته باشید. این کار باعث میشود نسبت به ظاهرتان حس خیلی خوبی داشته باشید و قول میدهم این حس به دیگران هم منتقل خواهد شد.

۱۲. مثبت باشید و با افراد مثبت ارتباط داشته باشید. اطرافیان شما تاثیر زیادی در شخصیت و زندگیتان دارند. در واقع شما برآیند افرادی هستید که بیشترین ارتباط را دارید. پس در انتخابشان دقت کنید. افراد منفی و دائمی ناراضی انرژی ما را نیز تحت تاثیر قرار میدهند.

۱۳. برای دیگران شادی و انرژی مثبت به ارمغان آورید. تعریف تحسین تشویق و محبت واقعی معجزه میکند. همه انسانها ویژگی های خوبی برای تعریف و تحسین دارند این ویژگی ها را به آنها یادآور شوید. برای پیشرفتشان آنها را تشویق کنید و دقت کنید همه این کارها کاملا واقعی و از صمیم قلبتان باشد چون انسانها محبت ساختگی را تشخیص خواهند داد.

۱۴. با خودتان خلوت کنید. به خودتان اهمیت دهید همانطور که برای دیگران وقت صرف میکنید با خودتان نیز مدتی را در روز سپری کنید.

۱۵. برای تفریح وقت خالی کنید. موفقترین و شادترین انسانها همگی به اهمیت تفریح و تخلیه ذهنی اشاره میکنند. شما با تفریح به جسم و روحتان اجازه احیا شدن میدهید و در کنار شادی که به شما تزریق میشود، کارآیی و بازدهی خود را به شدت بالا میبرید.


۱۶. شکر نعمت، نعمت افزون کند کفر نعمت از کفت بیرون کند! شکرگزار و صبور باشید. برای نعمتها و خوبیهای زندگیتان شکرگزاری کنید. هرگاه دچار سختی شدید ایمان داشته باشید که با توکل به خدا قطعا به بهترین شکل رفع خواهد شد. داشته هایبتان را قدر بدانید تا خدا نعمتهای بیشتری به زندگیتان بیارد.

۱۷. موفقیتها بابتان را جشن بگیرید. کوچکترین تا بزرگترین دستاوردهای خود را جشن بگیرید به خود پاداش دهید مثلا امتحان خود را با نمره عالی گذرانید، خودتان را به بستنی مورد علاقه تان مهمان کنید.

۱۸. در شادی و غم های اطرافیان شریک باشید. حساسترین و به یاد ماندنی ترین لحظات زندگی هر انسانی لحظات شادی و غم اوست، در این لحظات کنار آنها باشید قول میدهم در همین لحظاتی انسانهای زیادی کنارتان خواهند بود.



طب سنتی ایرانی و اسلامی

مهدی خانی 



پیشگفتار:

از نظر طب ایرانی و اسلامی مزاج فصل بهار گرم و مرطوب در حد اعتدال است. به همین سبب مقوی قواء، مناسب مزاج روح و برای تمامی سنین به ویژه سالمندان خوشایند می باشد.

بدن انسان در هوای سرد، انرژی بیشتری برای تأمین حرارت بدن و مقابله با سرما نیاز دارد، بنابراین غذای بیشتری در فصل زمستان مصرف شده که منجر به افزایش میزان مواد زائد و غیر ضروری می شود.

در نتیجه حفره های ریز بدن و بافت های آن از این مواد زائد انباشته می گردد. از طرفی تعریق در فصل زمستان کاهش یافته و این مواد زائد، امکان خروج از طریق پوست را پیدا نمی کنند. به مرور با گرم شدن طبیعت و آغاز فصل بهار فضولات منجمد شده در حفره های بدن، روان و سیال شده، وارد جریان خون می شوند. (غلبه خلط دم + خون) و همین امر امکان ابتلا به برخی بیماری ها از جمله دمل ها، ورم های چرکی، جوش ها، خارش، ورم های حلق، زکام، گرفتگی صدا و سرفه و دردهای فصلی و در افراد مستعد و دارای پیش زنبه، موجب بروز صرع و سکت می گردد.

حال اگر یک پاکسازی هدفمند با کمک شیوه های طبیعی طب سنتی انجام شود، با خروج سموم و مواد زائد از بدن می توان بهار و تابستان کم دردسر و بدون بیماری را سپری کرد. ان شاء الله

اندام های هدف در پاکسازی بهاره عبارتند از: کبد، کلیه ها و روده ها

روش های پاک سازی مناسب فصل بهار:

الف) خون گیری:

فصد و حجامت

برترین نوع پاک سازی بدن در فصل بهار که پیامبر اکرم و معصومین بر آن بسیار تأکید داشته اند.

(در صورت وجود شرایط مناسب) برای برخی از افراد که استعداد ابتلا به بیماری های ناشی از خلط دم (خون) را دارند خروج خون است. صد البته این عمل می بایستی یا تشخیص و تجویز یک حکیم حاذق و یا پزشکی با گرایش دانشکده طب سنتی صورت پذیرد.

- در روز جمعه حجامت نکنید.
- سه شنبه آخر هرماه قمری - اول، ۱۴ و ۱۵ و آخر ماه قمری مناسب نیست.
- ۱۷-۱۹-۲۱ ماه قمری خوب است.
- گرسنه و یا کاملاً سیر نباشید.
- از بادکش گرم استفاده کنید.
- قبل از حجامت دعای مخصوص حجامت را بخوانید.

اهدای خون

تذکر: خون دادن نمی تواند جایگزین این منظور باشد. اگر مایل به اهداء خون سالم هستید قبل از آن حجامت کنید.

ب) پوشش:

لباس های لطیف و سبک به ویژه از جنس کتان بپوشید و از گرم شدن زیاد بدن به ویژه در هنگام خواب جلوگیری کنید.

ج) حمام:

از حمام بسیار گرم و استفاده طولانی از آب های معدنی گرم اجتناب نمایید.

د) ورزش:

از تحرکات بیش از حد بدنی پرهیز کنید، اما انجام ورزش معتدل و سبک در هر بامداد پیش از صبحانه مفید است.

م) تغذیه: (بایدها و نبایدها)

در فصل بهار غذاهای مولد خون از جمله انواع گوشت قرمز را به حداقل برسانید. (به ویژه کودکان و نوجوانان) استفاده از آش های ساده و خورش های مخصوص که اغلب از گیاهانی مانند کنگر، ریواس، شنگ، جریش*،

به فصول دیگر کمتر کنند تا مواد زائد کمتری در بدنشان انباشته شود. پر خوری موجب ضعیف شدن توان ایمنی بدن شده و به این ترتیب ابتلا به بیماری در افراد فراهم می شود. همانطور که در قرآن کریم هم به تناول کردن غذا در هنگام صبح و شب اشاره شده است، حذف وعده کم اهمیت ناهار توصیه می شود. بدن ما در ساعات ابتدایی روز و شب قابلیت بیشترین دریافت انرژی و خواص را از مواد غذایی دارد. توصیه تقسیم کردن وعده های غذایی به دفعات بیشتر (مثلاً پنج وعده) و همین حذف وعده شام کاملاً اشتباه است. امام رضا علیه السلام می فرمایند: در بدن انسان شریانی (رگ) وجود دارد بنام عشاء که اگر انسانی یک شب بدون خوردن غذا سر به بالین بگذارد آن رگ تا چهل شب خشک می گردد و باعث بیماری های بی شمار شود.

تذکرات:

- زمان خوردن صبحانه تا حدود ساعت ۹-۱۰
- زمان خوردن شام، بعد از غروب آفتاب و ۳/۵ ساعت قبل از خواب
- خوردن شیر به وقت خواب با کمی عسل مطلوب است (بدلیل دیر هضم بودن شیر و مخلوط شدن با مواد دیگر به وقت هضم)
- خوردن شیر به همراه میوه، معده را هلاک می کند.
- گوشت گاو و گوساله نخورید. پیامبر اکرم: «گوشت گاو بیماری، شیرش شفا، گوشت گوسفند شفا و شیرش بیماری است»
- از نیم ساعت قبل از غذا تا ۱/۵ ساعت بعد از غذا و بین غذا آب نخورید (مخصوصاً غذای چرب و گوشتی)
- (اگر قادر به این عمل نیستید از آب جوشیده سرد شده استفاده کنید.)
- به همراه غذای گوشتی از ماست استفاده نکنید.
- به همراه ماست از ترشی و سرکه استفاده نکنید. (لک و پیس می آورد)
- برنج را به همراه ترشی نخورید.

پنیرک و بارهنگ قید می شوند تأثیر بسیار زیادی در پاکسازی خون دارند. همچنین غذاهای مناسب این فصل: گوشت جوجه خروس (لطیف، زود هضم، دارای فضولات کمتر) بورانی برگ چغندر، بورانی شبدر و یونجه، کاهو سکنجبین، سمنو (به ویژه برای مبتلایان به کم خونی و ضعف) آش شبدر و قره قروت و دیگر غذاهایی با طبع سرد (خنکی ها) استفاده شود و از مصرف مواد با طبع گرم (تلخ، تند، شور، تیز) مانند تنقلات (آجیل های شور، تخمه، گردو) و ادویه جات تند (لفل، دارچین، زنجبیل) پرهیزید. رب ها و نوشیدنی های مناسب اعم از: شربت ریواس، عرق کاسنی، شربت زرشک، غوره و رب غوره، شربت نارنج، لیمو و به لیمو، شربت عناب (مخصوصاً افرادی که دچار غلظت خون هستند) شربت آلو بخارا و شربت تمرهندی که فرو نشاننده گرما هستند، استفاده نمائید.

طرز تهیه آش یارمه (آش جریش)

مواد لازم:

- نخود، عدس، لوبیا هر کدام یک پیمانه
- بلغور گندم سه پیمانه
- سبزی جریش، دوغ، نمک و فلفل قرمز به میزان لازم.
- حبوبات را چند ساعت خیسانده و بعد از کمی پختن بلغور گندم را اضافه کرده با حرارت کم می پزیم. پس از اینکه بلغور پخته و باز شد آش را هم می زنند تا ته نگیرد. کمی نمک و جریش را افزوده بعد از پختن و جا افتادن آش آماده است و همراه با دوغ و فلفل قرمز میل شود.
- جریش کمی دیر پز است و می توانید بجای آن از تره کوهی نیز استفاده کنید.

ه) از پر خوری و برهم خوری جداً اجتناب نمایید:

- برای آن دسته از افرادی که به هیچ یک از شیوه های پاک سازی اخلاط و سموم بدن که در این مقاله ذکر شده عادت ندارند و یا انجام این امور برایشان دشوار است، پیشنهاد می گردد در فصل بهار، مقدار غذای خود را نسبت



میوه های مفید برای دیابتی ها

سایت پزشکان ایران

محسوب می شود زیرا مصرف این میوه ، سطح قند خون را بطور طبیعی کاهش می دهد. بهتر است به جای نوشیدن آب این میوه ، خود میوه را بخورید زیرا تغییری که مصرف خود این میوه در بدن ایجاد می کند آهسته تر است.

پرتقال

شاخص قند خون پرتقال نیز پایین است و در حدود ۴۸ است . بنابراین پرتقال نیز میوه بسیار خوبی برای دیابتی ها محسوب می شود . فیبر و ویتامین C موجود در پرتقال سطح قند خون را کنترل می کند . پرتقال یک میان وعده بسیار مفید است که حتی وزن را هم می تواند کنترل کند و یا کاهش دهد . همانطور که می دانید اضافه وزن یک عامل بسیار پر خطر برای دیابت است .

موز

باور عمومی مردم این است که موز یک میوه چاق کننده و سرشار از قند است اما واقعیت این است که موز برای دیابتی ها مفید است زیرا در واقع قند موجود در این میوه زیاد نیست و سطح گلوکز خون را چندان بالا نمی برد.

رژیم غذایی نقش بسیار مهمی در کنترل دیابت دارد بنابراین افراد مبتلا به دیابت باید به رژیم غذایی روزانه خود خیلی توجه کنند. بسیاری از بیماران دیابتی گمان می کنند که بخاطر بیماریشان نمی توانند میوه بخورند درحالیکه بسیاری از میوه ها که در ترکیبات آنها مقدار بسیار کمی قند به کار رفته است برای این بیماران مفید هستند.


سیب

سیب برای بیماران دیابتی مفید است زیرا از بوجود آمدن شرایطی که باعث سندروم متابولیک از جمله دیابت می شود پیشگیری می کند. سیب التهابات مربوط به دیابت و بیماریهای قلبی را نیز کاهش می دهد . شاخص قند خون سیب ۳۸ است . این شاخص برای تعیین میزان تاثیر مواد غذایی بر سطح قندن خون انسان استفاده می شود.

گریپ فروت

شاخص قند خون گریپ فروت ۲۵ است و میوه بسیار خوبی برای دیابتی ها

چگونه از میوه عید نگهداری کنیم؟

تحریریه نشریه 

بنابراین رعایت نکات زیر و آشنایی با آنها توصیه می‌شود:

توصیه ما این است که میوه‌هایی مثل موز، هلو، گلابی، سیب، آلو، گوجه، شلیل و زردآلو را کنار کیوی، طالبی و خربزه قرار ندهید. ایده‌آل‌ترین مکان برای نگهداری کیوی کنار سبزمینی می‌تواند باشد. تماس میوه‌ها با هم مشکل‌آفرین است در صورتی که شما به اندازه کافی فضا در اختیار دارید توصیه می‌کنیم ابتدا پس از خرید، میوه‌ها را برحسب درجه رسیدگی و سفتی یا نرمی آنها دست‌چین کنید و بعد در ظرفی آنها را به کمک برگه‌های کاغذ جدا از هم بچینید. این ترفند به آن علت است که اگر یک میوه دچار کپک یا پوسیدگی شود نتواند به راحتی فساد را به سایر میوه‌های همسایه خود انتقال دهد. حین دست‌چین کردن هم مواظب باشید میوه‌ها را با نوک انگشتان فشار ندهید تا آسیب نبینند. خیار بسیار حساس است و بعد از چند روز تازگی و طعم خود را از دست می‌دهد. برای نگهداری خیار آن را از داخل کیسه‌ی پلاستیکی خارج کنید، شسته و بعد از خشک شدن در یک قابلمه‌ی در دار بریزید و در یخچال بگذارید. انگور را برای نگهداری بیشتر نشسته درون کیسه نگهدارید. شستن انگور قبل از گذاشتن در یخچال موجب ترک خوردن دانه‌های آن می‌شود. سبزی خوردن را بشویید و در یک کیسه پارچه‌ای نگهدارید. از آنجا که برگ‌های سبزی آب زیادی دارد کیسه پارچه‌ای باعث می‌شود سبزی سیاه و پلاسیده نشود. موز را در صورتی که نرسیده باشد در روزنامه بپیچید و ابتدا دو سه روز خارج از یخچال نگهدارید. این کار باعث شیرین شدن موز می‌شود. بعد از زرد شدن پوست موز آن را در یخچال بگذارید.

معمولا در ایام عید مردم اقدام به خرید میوه به مقدار زیاد می‌کنند و حتی میوه ۱۳ روز عید را خریداری می‌کنند پس رعایت نکات لازم برای نگهداری آنها ضروری است.

یکی از مشکلاتی که معمولا مردم در شب عید با آن مواجه‌اند خرید زیاد میوه و تغییر رنگ پیدا کردن برخی میوه‌ها مثل موز با گذر زمان، پلاسیده شدن یا لیز شدن پوست آنها یا رسیدن بیش از حد و کپک زدن‌شان به ویژه در مرکبات است.

برای پیشگیری از این موضوع چند راهکار ساده به شما پیشنهاد می‌کنیم:

شاید به نظر شما ایده‌آل‌ترین مکان برای نگهداری میوه‌ها یخچال باشد، درحالی که همیشه این‌طور نیست. یک مکان مناسب برای نگهداری و ذخیره میوه مکانی خشک، خنک و به دور از نور آفتاب است. این فضا می‌تواند کشوی یخچال شما باشد اگر قصد دارید برای شب سال نو و چند روز دید و بازدید عید میوه تهیه کنید، توصیه می‌شود میوه‌های با دوامی مثل سیب، گلابی، خیار یا مرکبات بخرید یا اگر قصد مصرف دیگر انواع میوه را دارید آن را به مقدار زیاد خریداری نکرده و به اندازه مصرف ۲ تا ۳ روز از آن تهیه کنید.

میوه‌ها را جدا از هم بگذارید. یکی از مسایلی که معمولا سبب رسیدن سریع تر میوه‌ها و فساد زودتر آنها می‌شود نگهداری انواع میوه در کنار هم است. جالب است بدانید برخی میوه‌ها گازی به نام اتیلون آزاد می‌کنند که می‌تواند سبب رسیدن میوه‌های دیگر و کاهش زمان نگهداری آنها شود. مثلا اگر کیوی را در کنار سیب بگذارید، به سرعت نرم می‌شود.





ماش پلو

نکاتی در مورد تهیه‌ی ماش پلو:

- ۱- برنج را از چند ساعت قبل در آب نمک خیس کنید. قبل از استفاده آن را آبکشی کنید.
 - ۲- پیاز را پوست گرفته و خرد کنید.
 - ۳- شوید را پاک کنید، سپس بشویید و پس از اینکه آبش رفت ریز خرد کنید. می‌توانید از شوید خشک هم استفاده کنید.
- ماش را به همراه ۱ لیوان آب در قابلمه‌ای ریخته و در حدی بپزید که نرم شوند. برنج را به همراه آب و قدری نمک در حدی بپزید که زیر دندان بیاید. سپس آن را آبکش کنید.
- در ماهی‌تابه‌ای روی حرارت متوسط کمی روغن ریخته و پیاز را در آن تفت دهید. به آن نمک، فلفل و کمی زردچوبه بزنید. گوشت را هم اضافه کرده و تفت دهید. در قابلمه‌ای روی حرارت متوسط، کمی روغن ریخته و در صورت تمایل ته دیگ مورد نظر را در آن قرار دهید. ماش و شوید را لایه لایه در قابلمه بریزید و برنج را دم بگذارید.
- برنج را در ظرف مورد نظر بکشید، آن را با مقداری برنج زعفرانی و ترکیب گوشت تزیین کرده و میل کنید.

زمان آماده‌سازی ۱۰ دقیقه

زمان پختن ۶۰ دقیقه

مناسب برای ۴ نفر

وعده غذاییناهار و شام

ماش: ۱ پیمانه

برنج: ۳ پیمانه

روغن: به میزان لازم

پیاز: ۱ عدد

نمک: به میزان لازم

فلفل سیاه: به میزان لازم

زردچوبه: به میزان لازم

گوشت چرخ‌کرده: ۲۰۰ گرم

شوید: به میزان لازم

زعفران دم‌کرده: ۱ قاشق غذاخوری

ماش، یکی از حبوبات بسیار غنی و سرشار از پروتئین، اسید فولیک، پتاسیم و بسیاری مواد مفید دیگر است، مفید برای بیماری‌های قلبی عروقی و همین‌طور فشار خون است، زود هضم است و به دیابتی‌ها توصیه می‌شود. ماش پلو غذایی بسیار خوشمزه است که به راحتی می‌توانید آن را تهیه کرده و با خوردن آن از خواص ماش بهره ببرید.

آش ترخینه (آش ترخینه دوغ)

۷۱

نکاتی در مورد تهیه ی آش ترخینه (آش ترخینه دوغ):

- ۱- پیازها را پوست گرفته و خرد کنید.
- ۲- ترخینه را از بلغور گندم و جو تهیه می کنند. بلغور را در دوغ خیس کرده و می یزند و بعد در آفتاب خشک می کنند. می توانید ترخینه را به صورت آماده خریداری کنید.
- ۳- نخود را از چند ساعت قبل خیس کنید. در این میان آب آن ها را چند بار عوض کنید. نخودها را آب پز کنید تا نرم شوند. قبل از استفاده، آن ها را آبکش کنید. در صورت تمایل می توانید از حبوبات دیگر مانند لوبیا سفید هم استفاده کنید.
- ۴- استفاده از ماست در این دستور به دلخواه است. می توانید با توجه به ذائقه تان میزان آن را کم و یا زیاد کنید. ماست را خوب بزنید. کمی روغن در قابلمه گرم کرده و پیازها را در آن سرخ کنید. نیمی از پیاز را برای تزیین برداشته و کنار بگذارید. به پیاز، کمی زردچوبه و نمک بزنید و ترخینه ها را اضافه کنید. ۴ لیوان آب روی آن بریزید و برای حدود ۲۰ دقیقه بپزید. نخود پخته و سبزی را به آن اضافه کنید و آش را برای حدود ۱۵ دقیقه ی دیگر بپزید تا جا بیافتد. در پایان در صورت تمایل می توانید ۱ کاسه ماست به تدریج به آش اضافه کنید و بعد از چند قل آن را از روی حرارت بردارید. آش را در ظرف مورد نظر بکشید و با ماست، پیاز داغ (که کنار گذاشته بودید) و سیر داغ تزیین کرده و میل کنید.

زمان آماده سازی ۱۵ دقیقه
زمان پختن ۴۵ دقیقه
مناسب برای ۴ نفر
وعده غذایی ناهار و شام

روغن: به میزان لازم
پیاز: ۲ عدد متوسط
زردچوبه: به میزان لازم
نمک: به میزان لازم
ترخینه: ۴ عدد
سبزی آش: ۵۰۰ گرم
نخود: ۱ پیمانه
ماست: به دلخواه
سیر داغ: به میزان لازم

آش ترخینه (آش ترخینه دوغ) از مجموعه دستور غذایی های محلی است که بخش آشپزی سایت آشپزباشی، طرز تهیه آن را برای شما آماده کرده است. این آش را در مناطق مختلف ایران مانند ملایر، همدان و اراک به روش های متفاوتی تهیه می کنند.





شیرینی سنتی تبریزی خوشمزه ترین نام برای اندروید ۷

علیرضا درخش احمدی 

مختص تبریز هست که به عنوان سوغات اصیل این منطقه نیز مطرح می باشد. نوقا یا لوکا از شکر، سفیده تخم مرغ، گردو، وانیل و ... در انواع مختلف مانند وانیلی، کاکائویی، شکلاتی و ... تهیه می شود (Noga در زبان آسوری به معنی درخشش، نور خیلی روشن و Noghah به معنی روشنی و درخشش است).

نوع دیگری از نوقا در تبریز وجود دارد که به نوقای آجیلی معروف است و از موادی همچون شکر، آب، گلوکز، مغز گردو، بادام درختی، بادام هندی، پسته، فندق، سفیده تخم مرغ، گلاب و آرد گندم تهیه میشود.

البته این نکته را هم باید بدانید که شیرینی بادامی نوقا با نامهای متفاوتی که همگی شبیه به نوگا هستند، در دیگر کشورهای جهان هم طبخ می شود و به شیوههای مختلف نظیر بسته بندی های کارخانه ای به شکل شیرینی های نواری و یا در شیرینی فروشی های خانگی و در قطعات کوچک تر به دست خریداران می رسد. جالب است بدانید که انتخاب این نام در بین کاربران سایت های اروپایی و آمریکایی با واکنش های بسیار تنیدی مواجه شده است و آنها معتقدند که گوگل باید از نام های دیگری که پیش از این برای اندروید ان پیشنهاد شده بود و بیشتر با فرهنگ مردم آنها ارتباط داشت، استفاده می کرد.

پیش از این پیش بینی می شد که با توجه به اصالت هندی تبار سازنده پیچای، مدیر اجرایی گوگل، انتخاب نام Neyyappam برای اندروید N از شانس بسیار بالایی برخوردار خواهد بود و بعد از این نام این دسر هندی نیز شکلات های خوشمزه ی نوتلا (Nutella) به عنوان انتخاب بعدی کاربران در سراسر جهان قرار داشتند؛ حتی کاربران ایرانی و فارسی زبان نیز کمپینی را برای انتخاب نام نبات برای اندروید N ایجاد کرده بودند که از قرار معلوم به دلیل تعداد کم کاربران شرکت کننده در این طرح و احتمالاً تلفظ سخت این نام برای کاربران انگلیسی زبان، نام نبات از گزینه های روی میز گوگل حذف شده است.

انتخاب نام اندروید N برخلاف ورژن های قبلی این سیستم عامل، به کاربران گوگل محول شد و بعد از معرفی رسمی این نسخه در کنفرانس I/O سال ۲۰۱۶، گوگل اعلام کرد که نام این نسخه از طریق یک نظرسنجی جهانی و بر اساس تعداد آرای تمام کاربران گوگل در تمام کشورها مشخص خواهد شد. بعد از سپری شدن چند هفته از آغاز این رای گیری و در حالی که خیلی از کاربران تصور می کردند که گزینه هایی نظیر اندروید Neyyappam که بر اساس یک دسر هندی و توسط میلیون ها نفر از کاربران این شرکت به گوگل پیشنهاد شده بود، انتخاب شوند، گوگل همه را غافلگیر کرد و نام اندروید Nougat را انتخاب کرد.

بنابراین از این پس ورژن بعدی سیستم عامل اندروید را با نام اندروید (Nougat نوگا) صدا خواهیم زد، نامی که بر اساس یک دسر خوشمزه ی بادامی یا همان شیرینی بادامی نوقا انتخاب شده است و با این که تلفظ نام آن برای کاربران فارسی زبان (و احتمالاً تعداد زیادی از کاربران با زبان های دیگر دنیا) کمی مشکل خواهد بود، اما این موضوع به هیچ وجه نمی تواند حتی ذره ای از خوشمزگی این ورژن را کم کند!

نوقا یکی از شیرینی های سنتی ایران، خاورمیانه و اروپای جنوبی است که انواع مختلفی دارد. اولین بار در تاریخ ۱۲۷۰ میلادی این شیرینی توسط مارکوپولو از اصفهان به ایتالیا آورده شد و سپس به اسپانیا برده شد و در آنجا بسیار محبوب شد. این شیرینی در ایران حداقل دو نوع بسیار مرغوب دارد که یکی گز محصول اصفهان و دیگری نوقا محصول تبریز است. بر اساس تعاریف غرب از نوقا، سوهان را نیز میتوان نوعی نوقا محسوب کرد که محصول قم و کاشان می باشد. نوقا یکی از شیرینی های سنتی شهر تبریز است. مردم در زبان عامیانه به آن «لوکا» می گویند. نوقای سنتی گردویی یکی از قدیمی ترین محصولات



اما در خودروی های برقی، شارژر باتری تنها از طریق اتصال خودرو از طریق کابل مخصوص به برق شهری صورت می پذیرد به این معنی که در خودروی هیبرید شما نیاز به توقف برای شارژر باتری ندارید ولی برای خودروی الکتریکی طی مسافت های مشخص باید اقدام به شارژ آن نمایید. پس در همین جا یک امتیاز به خودروهای هیبرید می دهیم!

در خودروهای برقی، موتور الکتریکی تنها منبع تولید نیرو جهت به حرکت درآوردن خودرو می باشد و به همین علت این خودروها عموماً از توان بالایی برخوردار نیستند ولی در خودروهای هیبرید با تکنولوژی سری-موازی به علت هماهنگی مناسب بین دو موتور بنزینی و الکتریکی باعث بالا رفتن توان خروجی و گشتاور خودرو می شود. امتیازی دیگر برای خودروهای هیبرید! پیش از این گفته شد که شارژر خودروهای برقی از طریق اتصال خودرو از طریق کابل مخصوص به برق شهری صورت می پذیرد ولی در رابطه با مدت زمان لازم برای شارژ آنها چیزی گفته نشد.

مدت زمان لازم برای شارژر باتری خودروهای برقی بین ۶ تا ۸ ساعت می باشد! و این زمان در بعضی خودروها در صورت شارژر در ایستگاه های مخصوص، به ۳۰ دقیقه کاهش پیدا می کند ولی در عموم خودروهای برقی بالای ۱ ساعت زمان برای شارژر نیاز است.

این زمان با در نظر گرفتن مسافت طی شده با هر بار شارژر کامل که در بهترین خودروهای برقی به طور میانگین چیزی حدود ۱۳۰ کیلومتر می باشد به نظر زیاد می آید.

به طور مثال شما برای سفر از تهران تا مشهد که مسافت جاده ای آن حدود ۹۰۰ کیلومتر می باشد و با در نظر نگرفتن ترافیک که خود باعث روشن ماندن خودرو و در نتیجه پایین آمدن مسافت طی شده می شود حدوداً ۶ بار باید خودروی برقی خود را به مدت هر بار ۱ ساعت به شارژر بنزید!

در آخر باید گفت نیاز ورود هر تکنولوژی در بازار جدید، ایجاد بستری مناسب برای آن است و بدون ایجاد زیرساخت های مناسب، پیشرفته ترین تکنولوژی ها نیز با شکست روبرو می شوند.

با در نظر گرفتن مطالب بالا اگر بخواهیم یک مورد را انتخاب کنیم باید بگوییم، در کدام کشور؟! در کشوری مانند انگلستان که هزینه سوخت فوق العاده بالا بوده و حتی قوانین وضع شده در این کشور، دارندگان خودروها را مجاب به پرداخت مالیات به ازای آلاینده گی خودروی خود می کند و مردم این کشور برای سفر ترجیح میدهند که از مترو یا سایر وسایل نقلیه عمومی به جای خودروی شخصی استفاده کنند، شاید خودروی برقی هم انتخاب منطقی باشد که باز هم در مقایسه با خودروی هیبریدی به اولویت دوم تبدیل می شود! ولی آنچه در ارتباط با ایران می توان گفت این است که قطعاً خودروی هیبریدی انتخاب منطقی تری نسبت به خودروی برقی می باشد!

از تولید اولین خودرو با تکنولوژی هیبرید تا به امروز حدود ۲۰ سال میگذرد و بحران کاهش منابع سوخت فسیلی و هزینه بالای سوخت از یک طرف و از طرفی دیگر پررنگ شدن مسائل زیست محیطی و افزایش آلودگی هوا و خطرات حاصل از آن، سبب گشته تا شاهد گسترش و توسعه روزافزون تولیدات خودروهایی با این تکنولوژی باشیم.

با گذر زمان تکنولوژی های مختلف، جهت تامین انرژی حاصل برای به حرکت درآوردن خودرو ها ابداع شد که از بین آنها دو نوع تکنولوژی هیبریدی و برقی بیشترین طرفدار و در عین حال بحث برانگیزترین موارد نیز بوده اند. پیش از مقایسه تکنولوژی هیبریدی و برقی به طور خلاصه به تعریف این دو تکنولوژی می پردازیم.

خودروهای برقی همانطور که از اسمشان پیداست برای حرکت تنها از نیروی حاصل از موتور الکتریکی کمک می گیرند و جهت تامین انرژی و شارژر باتری آن کافیست، در ایستگاه های مخصوص و بعضاً در خانه، آنها را به برق زد.

و اما **خودروهای هیبریدی**، خودروهای هیبریدی خودروهایی هستند که برای حرکت کردن از ترکیب دو یا چند منبع متفاوت قدرتی استفاده می کنند. انواع خودروهای هیبریدی وجود دارند که از سوخت های متفاوتی نظیر گازهای پروپان، سی ان جی، هیدروژن یا انرژی خورشیدی برای تولید قدرت پیش برنده خود استفاده می کنند. نوع تکنولوژی های بکار رفته در طراحی و ساخت اینگونه سیستم ها با توجه به شرکت سازنده، متفاوت هستند. به طور کل می توان خودروهای هیبریدی را به عنوان خودرویی دوگانه با قدرت ترکیبی بین یک موتور درون سوز و یک موتور الکتریکی معرفی کرد که تنها با سوخت گیری موتور بنزینی، موتور الکتریکی هم توسط انرژی حرکتی موتور شارژر شده و با حرکت هر دو با هم یا تنها موتور الکتریکی، باعث صرفه جویی در مصرف سوخت و کاهش گازهای آلاینده محیط زیست می شوند و شایان ذکر است که این تکنولوژی برای اولین بار توسط کمپانی تویوتا به تولید انبوه رسید.

اما کدام یک از این دو تکنولوژی ها بهتر است؟

جواب این سوال را نمی توان برای هر شرایطی به طور صریح و قاطع داد! اما با بررسی موردی و نگاهی به شرایط سیاسی و اقتصادی از وضع قوانین راهنمایی و رانندگی گرفته تا هزینه های سوخت و زیرساخت های ایجاد شده برای بهره برداری از این تکنولوژی ها و حتی شرایط جغرافیای یک منطقه، همه در انتخاب یکی از این دو تکنولوژی به عنوان منطقی ترین گزینه کمک می کند. همانطور که گفته شد خودروهای هیبریدی با دو موتور بنزینی و الکتریکی کار می کنند و برای شارژر باتری آن، نیازی به منبعی خارج از خودرو نیست و شارژر باتری از طریق موتور-ژنراتورهای به کار رفته در این سیستم صورت می پذیرد به صورتی که موتور بنزینی و یا حتی ترمز کردن باعث می شود که انرژی مکانیکی تبدیل به انرژی الکتریکی شده و بدون کوچکترین اتلاف، انرژی حاصل شده صرف شارژر مجدد باتری گردد.





CAM SCANNER

Document Scanning & Sharing

تبدیل دوربین به اسکنر

برخی از ویژگی های برنامه CamScanner :

- دسترسی به اسناد اسکن شده و مدیریت آن ها از طریق اینترنت و مراجعه به سایت مخصوص برنامه
- اسکن رسیدها، یادداشت ها، فاکتورها، کارت های کسب و کار و گواهینامه ها
- امکان جست و جویی دقیق و سریع در متون اسناد پی دی اف برای صرفه جویی در وقت
- امکان اضافه کردن آسان یادداشت ها، حاشیه نویسی و تغییر نام اسناد اسکن شده
- امکان مرتب سازی اسناد بر اساس تاریخ، برجسب، تصویر بند انگشتی و غیره
- امکان قرار دادن رمز عبور بر روی اسناد پی دی اف محرمانه توسط کاربر
- امکان تهیه ی نسخه ی پشتیبان از اسناد و مدیریت آن ها
- امکان ارسال مدارک اسکن شده، ذخیره سازی در فضای ابری، فکس و تبادل بین دستگاه های تلفن همراه و کامپیوتر
- رایگان بودن، محیط کاربری ساده و کلاسیک + نصب سریع و آسان

تبدیل عکس به فایل اسکن به بهترین شکل

CamScanner یکی از قدرتمندترین، بهترین و کاربردی ترین اپلیکیشن های اسکن صفحات توسط دوربین اسمارت فون اندرویدی شماسنت که با دارا بودن امتیاز ۴,۴ در پلی استوری و بیش از ۱۰ میلیون دانلود از برترین نرم افزارهای اسکنر اندروید به شمار می رود. این برنامه که برای همه ی سازمان ها، افراد و مدارس می تواند مفید واقع شود به شما این امکان را می دهد که به آسانی و با کیفیت باورنکردنی از صفحات مختلف توسط دوربین گوشیتان عکس بگیرید و نرم افزار به صورت خودکار از آن را به صفحات پی دی اف تبدیل کند و در اختیار شما قرار دهد. این برنامه به صورت ماهرانه و خودکار گوشه ی صفحات را تشخیص می دهد و در سریع ترین زمان ممکن اسناد مختلفی را در اختیار شما قرار خواهد داد. این نرم افزار که به صورت کاملا رایگان عرضه شده است، دارای قابلیت ها، امکانات و ویژگی هایی کم نظیر است که آن را به تمام کاربرانی که به دنبال بهترین ها هستند پیشنهاد می دهیم.



توجه: پاسخ جدول را از مطالب همین نشریه بیابید.

تحریریه نشریه

۱. غاصب بر دیگری مسلط می شود.
۲. عربی گفت
۳. یکی از میوه های مناسب دیابتی ها
۴. فخر رازی چند معنی برای کوثر معرفی می کند؟
۵. خداوند در قرآن می فرماید به پدر و مادر خود (در زمانی که کاری از شما می خواهند) چنین حرفی هم نگوئید!...
۶. یاس نبی
۷. از القاب حضرت زهرا (س)
۸. از دیگر القاب حضرت زهرا (س)
۹. به نوه دختری گویند
۱۰. غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن نماید.
۱۱. آئین و روشی که پیامبران از جانب خدا برای مردم می آورند؟
۱۲. جایگاه ممتازی در اسلام دارد؟
۱۳. نام حضرت فاطمه(س) در آسمان ها؟
۱۴. جبرئیل در این محل بر پیامبر نازل شد و پیام خداوند ابلاغ کرد؟
۱۵. از ویژگی های ممتاز حضرت زهرا(س)
۱۶. به نسل انسان در زمین گویند
۱۷. روزی پاک
۱۸. تصرف اموال دیگران

اسامی برندگان مسابقه جدول نشریه شماره ۷

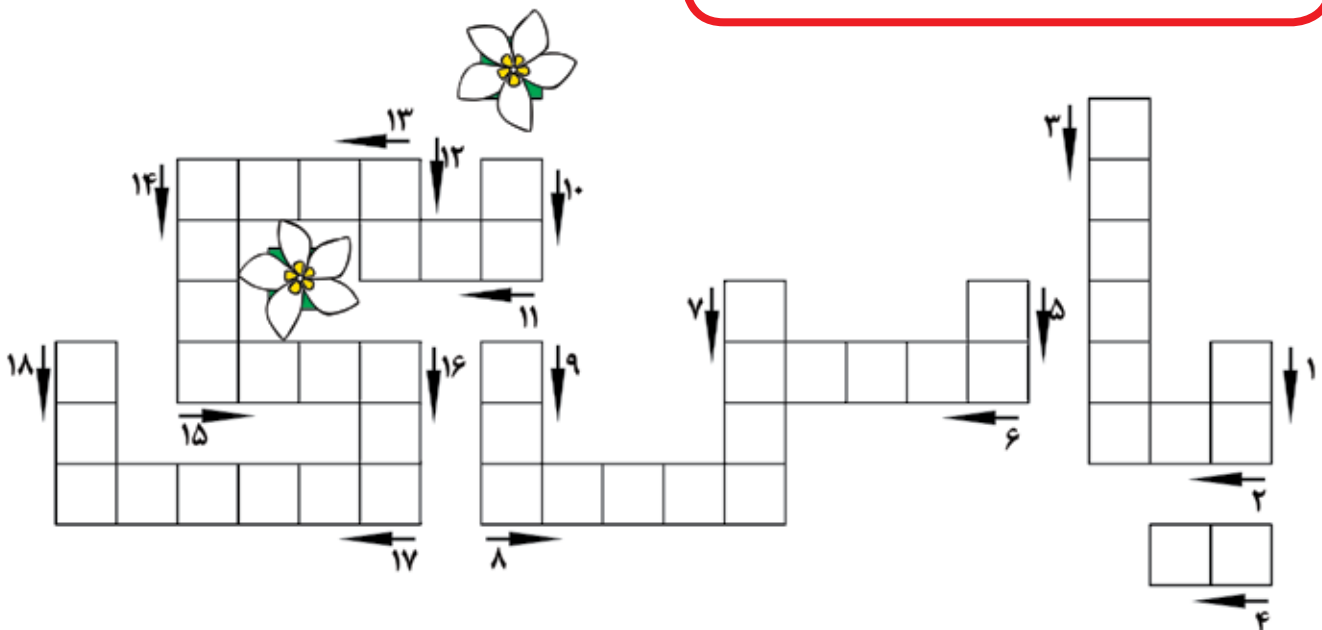
۱. احمد حقایق
 ۲. زهرا موحد املشی
 ۳. حوریه طهماسبی
 ۴. ماه سلطان عرب بافتی
 ۵. فاطمه شهیدی
- این قرعه کشی به دست حضرت آیت الله هاشمی تبریزی و حضور برخی از مسئولین مسجد و فصلنامه انجام شد.

به هریک از برندگان مسابقه جدول فصلنامه جامع به قید قرعه مبلغ یک میلیون ریال هدیه داده خواهد شد.

آخرین مهلت تحویل پاسخنامه جدول به دفتر هیئت امناء پایان خرداد ماه می باشد.



نام:
نام خانوادگی:
تلفن تماس:



ارتباط با ما

خوانندگان محترمی که علاقمند به همکاری با فصلنامه هستند می توانند با تخصص خود و ارسال مطالب قابل استفاده، راهنمای خوانندگان دیگر باشند. در صورت تمایل با ایمیل سردبیر ارتباط برقرار فرمایند.

لطفاً در ارسال مقاله برای چاپ در این مجله به نکات زیر توجه فرمائید.

کلیه صفحات مقاله باید دارای شماره بوده و تعداد صفحات از ۳ صفحه تجاوز نکند.

متن مقاله بایستی به صورت Word به پست الکترونیکی info@masjedjame.com ارسال شود.

• مقاله با نسخه ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ نرم افزار Microsoft office Word

• حداکثر ۳ صفحه اندازه کاغذ A4

• قلم B Nazanin سایز ۱۲ برای کلمات فارسی و Times New Roman سایز ۱۲ برای کلمات انگلیسی

و فاصله خطوط ۱ تایپ و تنظیم شود.

• مشخصات نویسنده یا نویسندگان که شامل نام و نام خانوادگی، رشته تحصیلی، شماره تلفن ترجیحاً تلفن همراه و پست الکترونیکی



انتقادات و پیشنهادات

نام و نام خانوادگی:

تحصیلات:

تلفن تماس:

پست الکترونیک:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

PDF Compressor Free Version



تهران، شهرک قدس (غرب)، ابتدای فاز ۳، خیابان شهید حسن سیف، مسجد جامع شهرک غرب تلفن: ۸۸۳۶۲۴۲۰

www.masjedjame.com info@masjedjame.com